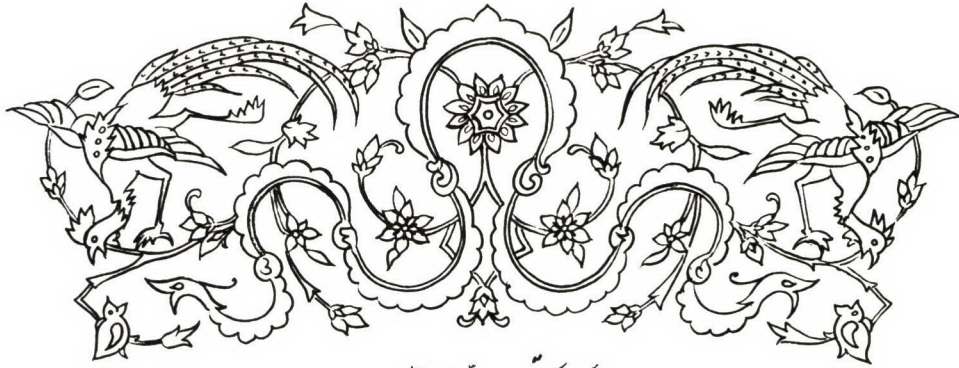


# عذیب





هیت تحریر علیہ

عیدین عیدین صمیم و نور و نور

بہ حبیبی بادشاہ حضرت محمدؐ و سرگشتہ صحابہؓ  
 تبریکت مسکونہ و امید و طمأنینہ دلدار در نور و نور  
 جیسع نجدات باہرہ بر اعظم لہم فائز و نائز کفعم







نشریه محفل روحانی بهائیان کانادا بر زبان فارسی



شماره سیزدهم «منس»

No. 13

سال چهارم

Volume V



زمستان ۱۳۶۳ شمس

Winter 1984-85

**'ANDALÍB**

7200 LESLIE STREET, THORNHILL  
ONTARIO, CANADA L3T 2A1

حق چاپ محفوظ است

# فهرست مطالب مُنذَرِه

صفحه

۳	۱- لوح جمال مبارک جل ثنائیه
۴	۲- لوح حضرت عبدالبهاء روح ما سواه فداه
۵	۳- پیام بیت العدل اعظم مورخ شهر الشرف ۱۴۱ بدیع
۱۰	۴- تلکسها و دستخطهای معهدا علی
۱۲	۵- تصحیح یک مطلب توسط دارالانشاء معهدا علی
۱۳	۶- سرمقاله: گفتاری بمناسبت نوروز از ر.م.م
۱۶	۷- مقاله: بیت الله الاکرم از آقای ابوالقاسم افنان
۲۸	۸- نطق جناب دکترنجی بعد از تخریب بیت مبارک شیراز
۳۱	۹- شعر: بیادیاران از دست رفته. از آقای دکتر شاپور راسخ
۳۲	۱۰- شعر: کوی دوست. از آقای نصرالله عرفانی (عرفان)
۳۳	۱۱- مقاله: جبر و اختیار. از آقای دکتر ریاض قدیمی
	۱۲- تاریخ زرین شهادت
	الف- شرح سوزانیدن و شهادت جناب محمدحسین معصومی و همسرشان سرکار خانم شکر نساء صحرانگرد از آقای موهبت الله هائی
۴۰	
۴۸	ب- شرح حال شهید جناب رحمت الله حکیمان از خانم گلنوش حکیمان
۵۰	ج- شرح حال شهید جناب جلال حکیمان از خانم دکتر طاهره خدا دوست (فروغی)
۵۱	۱۳- شعر: خون عاشق بیا در رحمت الله حکیمان
۵۲	۱۴- ترجمه و متن نامه رئیس شورای دانشگاه مک مستر <sup>و معاون</sup>
۵۳	۱۵- برگزاری نهمین کنفرانس سالانه انجمن مطالعات بهائی
۵۹	۱۶- مآخذ کتاب منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله از آقای دکتر وحید رافتی
۷۲	۱۷- مقاله: رفع سوء تفاهم از کتاب سبز (بقیه از شماره های قبل) از دکتر سیروس روشنی
۷۶	۱۸- فهرست کلی موضوعی سه ساله مجله عندلیب شماره ۱ تا ۱۲
۸۰	۱۹- آمازون
۸۲	۲۰- اخبار و بشارات - اخبار بین المللی
۸۶	۲۱- اخبار و اطلاعات گوناگون
۸۸	۲۲- اعلانات
	۲۳- غلطنامه و عکسهای مربوط به مقاله مندرج در شماره قبل از یادای امرالله جناب ذکر الله خادم
۸۸	

توضیح - الواح صفحات ۴ و ۳ مرجمتی دارالانشاء معهدا علی

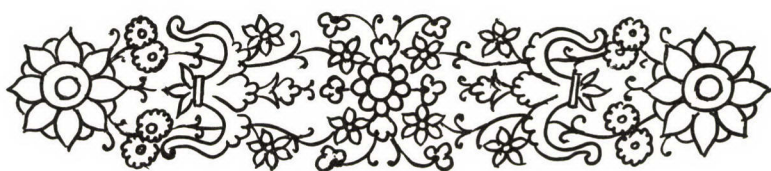
عکس روی جلد- اطاق اظهار را مرحضرت نقطه اولی جل اسمہ الاعلی، بیت الله الاکرم در مدینه شیراز

عکس پشت جلد- بیت الله الاکرم پس از تخریب توسط معاندین



ہوائے

یا محمد قبل علی بلایای ارض را لاجل اعلا کلمہ سُبُّ رَکَّہ عیا قبول نمودیم در ایامیکہ عالم بنار  
بعضا مشعل در اطہار امر توقف نمودیم دیدیم آنچه را کہ احدی ندیدہ و شنیدیم آنچه را کہ نفسی نشیدہ  
و لکن بلا در سبیل مالک اسما از شہد شیرین تر و از مادہ لذیذ تر غذای عشاق قطعات اکباد  
و شراب اولیا عبرات جاریہ در سبیل محبوب یکتا طوبی از برای نفسیکہ زخرف این دو یوم اورا  
از نعمت باقیہ و ائمہ محروم ساخت اشکر ربّ آنہ ایدگ و عرفات صراطہ المستقیم و بناہ  
المحکم المستین .



## ہوالا بھی

ای ناطق بشناسی الہی اگر گہوئی از راز و نیاز او گوی و اگر بگوئی جال بی نیاز  
او جوی و اگر بپویی سوی او پوی چه کہ ہر گفت گویی جز این حقیقت معنویہ ہدایت  
و ہر جستجوی بغیر از آن معشوق حقیقی زیان و خسارت و ہر سعی و کوششی دون آن  
روش و جوش تعب و زحمت بی پایانت پس الیوم باید ہر فکر و ذکر و حرکت  
و مقصد و مراد را فراموش نمود جزاوندانت و جزاوندید و جزاوندشید بلکہ کلی  
گرفتار او شد و از بیکانہ و خویش بریز گشت و بشر رواج قدس احدیش  
مشغول شد ذلک من فضل اللہ یومئذ من یشہ عبد البہاء





# پیام بیت العدل اعظمی

خطاب به :

احبتی عزیز ایرانی مستقیم اقلیم و بلاد خارج در شرق و غرب

شهر اشرف ۱۴۱

شانونیه ۱۹۸۵

ای سرگشتگان صحرای محبت الله

قریب به شش سال است که برگزیدگان جمال کبریا در مه‌های مرال الله در طوفان محن و بلیات به انواع شدائد و مصیبات گرفتارند و در جمیع احوال ما بروشکر گزار که الحمد لله با زدرکوی جانان به یمن الطاف دلبر مهربان بزم عنایت آراسته شدجام بلا بدور آمدبانگ نوشا نوش از هر گوشه بگوش رسید و صلاهی سرخوشی از جان عاشقان برخاست همه خرم و سرمست پیمان وفا در دست بآئین جانبا زی پرداخته اند و نرد محبت باخته جمعی طناب دار را کمند و صل دلدار ساختند و گروهی سینه مشبک را روزن لقای جمال مبارک دیدند بعضی تا زیانه بر مرکب روح زدند و چاک و چالاک بمنزل گه مقصود رسیدند و دسته‌ای داغ سوزان را در مان زهر هجران یافتند و برخی از تنگنای زندان بایوان دلگشای جانان پرواز نمودند و بسیاری چون مرغان اسیر، بی پناه و بی کس در کنج قفس نشسته اند اما آنان که هنوز از دام ظالمان جسته اند از هر بیم و اندیشه رسته و ذکر و ثنای خداوند یکتا را پیشه خود ساخته بکار خویش مشغولند و از ماسوی الله فارغ و آسوده.

در عین حال ما آوارگان که دور از آن محنت‌کده بلاخیز در مقام امن و امان آرمیده ایم حقا در غم دوستان و خویشان مضطرب و پریشان نیم و هر روز افسرده دل و نگران که با زدیگر چه واقع گردد و چه کسی آماج تیر جفا شود. اما ای دوستان باید به تاثیرات عظیمه ظاهره و خفیه جانبا زی ههای هموطنان حضرت بهاء الله ناظر باشیم و ظواهر هولناک آن حوادث دهشت انگیز را فرا موش کنیم و بدانیم که اگر ایران ایران سینه را سپر بلا ساخته اند و مردانه در میدان فدا تاخته البته واقف و آگاهند که بلایا در راه حق نه فقط اسباب ترقی و اعلان و تقدم امیرزادان است بلکه از مقتضای حضرت عشق است و از لوازم ذاتی اشراق شمس هدایت در عالم امکان. نظرباین بیان مرکب میثاق فرماید که میفرماید:

ای بنده بها از بلایای وارده بدرگاه احدیت شکرانه  
نما زیرا مصیبت در سبیل حضرت احدیت عین عنایت است  
و مشقت صرف موهبت ایا محیات ما نند در است و وجود  
موجودات موهوم است و بی بنیا دوم معدوم آنچه هست  
حقیقت روحانیه است و هویت نورانی که بقا اندر بقا  
وصفا اندر صفاست... و از غرائب و قوعات اینست که

اعظم وسیله صون و حمایت این حقیقت نورانیت  
 هجوم! عداست و آلام و محن بی منتها زحاج آن سراج  
 اریاح است و سبب سلامت آن سفینه شدت! امواج  
 لهذا بایدا زبلاه ایوب ممنون شدوا زجفای اهل  
 ذنوب باید خوشنودگشت زیرا سبب بقا و وسیله  
 کبری و نعمت عظمی و موهبت بی منتهاست

این است که یاران ایران شادمان و مفتخر از آنند که با حضرت بی نیاز با لطف خویش آن مقربان  
 بزم حقیقت را از میان جمیع دوستانش برگزیدند "اعظم وسیله صون و حمایت" امر حضرت احدیست  
 گردند و پرچمدار سپاه نجات شوند. علم هدایت بدست گیرند و پیشاپیش جنود حیات برافرازند  
 معلوم است که در این معرکه نور و ظلمت آنکس که علمدار است بیشتر هدف خصم گردد رشودا ما هر چه زخم  
 شمشیر و طعن سنان بشتربیند آنرا در قبال شرف و منقبتی که یافته بهیچ انگار دوا ز خوف تیغ  
 جانکاه علم قربیت درگاه را از دست نهد.

دشمنان جاهل را امیدچنان است که مومنان را با کشتن و سوختن و آتش عذاب افروختن خوار  
 و ذلیل نمایند غافل از آنکه برعکس نتیجه بینند. جمالبارک چنین میفرمایند:

ستایش پاک پروردگاری را جلت قدرته که ظلم ظالمین  
 و تعدی معتدین را علت وصول عاشقان بمقامات قرب  
 معشوق و ورود مخلصان بجنان وصل مقصود مقرر فرموده  
 و بظهور بلایا و رزایا کلمه امریه را منتشر و اعلام ذکر کرده  
 را مرتفع نموده تعالی قدرت الغالبه و اراته المحیطه  
 که از نار نور و از حزن سرور ظاهر میفرماید غافلان  
 بگمان باطل قتل و صلب را علت انخما دنا رکامه الهیه  
 تصور نموده اند و شهادت را نهایت اذیت پنداشته اند  
 غافل از آنکه سبب ارتفاع و علای امر الهی است و علت  
 وصول شهیدان بمقامات قرب نامتناهی تعالی  
 الحکیم الذی یفعل ما یشاء و یحکم ما یرید.

ملاحظه فرمائید که مستشهدین فی سبیل الله و نفوسی که در نهایت انقطاع و شجاعت در قبال بلایا  
 و رزایا با ستقامت کبری فائز گشتند بجه مقامی رسیده اند که حق جل جلاله آنرا در ملاء اعلی شفیع  
 و مجیر ما در این عالم ادنی قرار داده چنانچه در مناجات میفرمایند:

سؤال میکنم ترا بدما ئیکه در راه تود را بران ریخته  
 شد و بنفوسیکه سطوت ظالمین و ظلم مشرکین ایشا نرا  
 از توجه بتو منع ننمود و از تقرب با زنداشت اینک کنیز  
 خود را از نفاق نا عقیق و شبها ت مریبین حفظ فرمائی  
 و در ظل قبا باسم کریمت ما وی دهی

همچنین در نمازم فروض اهل بها هر روز بر آن ستم دیدگان بردبار درود و ثنا میفرستند و بذكرشان  
 مذاق جان را گوارا میسازند که "والصلاة والسلام والتکبیر والبهاء علی اولیاءک الذین ما  
 منعتهم شئون الخلق عن الاقبال الیک و انفقوا ما عندهم رجاء ما عندک" با توجه باین مواهب



عالمیه که در آثا رمبا رکه مکرراست اهل بها هرزهری را شهیدیا بندوهرزخمی را مرهم جان شمارند  
وبا مظلومیت خویش دشمنان را مایوس حتی مرعوب ومندهش ومخدول سازند. مولای عزیزبیمتا  
خطاب به خاصان با رگاه الهی درکشورمقدس ایران میفرماید:

ای یاران پروفا هر قدر طوفان بلاشدیدترواریا حمحن ورزایا  
سوزنده تر گردد محیط اعظم املهی امواجش مرتفع تر وجوش  
وخروشش مهیب تر و در رولثالی افکنده اش بر ساحل وجودشمین  
ترو بدیعتر مشا هده شود.

چنانچه ثابته و مبرهن گشت که فشا رتضیقات اخیره ر غما  
لکل معتدا شیم میداننی وسیع و فسحتی بدیع وجولانگاہی جدید  
بر وجه اهل بها گشود و مغلوبیت و مقهوریت ظالمه ستمدیدگان راه  
یزدان در ایران علت رفعت واستعلای امر مقدس در مقامات  
عالمیه گشت.

مشیت حی قدیر بر این تعلق گرفته و حکمت بالغه الهیه چنین  
اقتضا نموده که خاصان حق درکشور مقدس ایران مال و منال حتی  
دم مطهر خویش را ایثار نماید تا شجره امدسقایت گردد و بوسه  
برگ و میوه های گوناگون مزین شود و بمرور ایام اقوام و قبائل  
و ملل متنوعه متبا غضا روپ وآمریک و تاجیک و آفریک را در ظل  
ظلیلش درآورد و تالیف دهد. تالله هذه موهبة لامثل لها  
فی الابداع یتمنها اهل خباء المجد فی الجنة العلیا. خوشا  
بحال شما ای برگزیدگان حضرت کبریاء چه که نخبه احرار یزد  
وسرور اخیار. در بوته امتحان کرار و مرا را چون ذهب ابریز  
رخبر افروختید و از لواحق افتتان خموش و افسرده نگشتید.  
شما یتد سروران حقیقی چند ملکوت الله. شما یتد منادیان  
حقیقی امر جمال ابهی ملح رضید و چون شریان در جسم امکان  
نباض. ر عرق حیا تید و مایه نجا توسعات جهان وجهانیا.

شکی نبوده و نیست که در این طوفان بلا سیلی گه از خون شهداء نازنین ایران جاری گشت بذر  
فتوحات اهل بها را بشرق و غرب عالم رسانید و اشجار طیبه طاهره ای را بوجود آورد که روز بروز  
بنزول باران عنایت رشد و نمو نماید و آشیان مرغان چمنستان هدایت گردد.  
از وقایع گذشته بگذریم چه که جمیع بقلم جلی بدست توانای ولی عزیزا مرالله به ثبت رسیده و  
"اهراق دماء مطهره شهیدان ایران" را آن مولای بیمتا عامل اصلی فتوحات اهل بها در سراسر  
عالم محسوب داشته اند.

حال باید ملاحظه گردد که در این چند سال که عزیزان ایران جان باخته و تنگی زندان دیده  
و تالان و تاراج گشته و بدر بدری وآوارگی افتاده اند چه انتصارات عظیمه ای نصیب اهل بها گشته  
و امرالهی بچه مقدار ترقی نموده است.

نقشه هفتساله در رضوان ۱۳۶ تقریبا مقارن با انقلابات حالیه ایران اعلان گردید و چون مساعی  
یاران در سبیل تحقق اهدافش به یمن استقامت و فداکاری و جانبازی عزیزان ایران موید گشت

نتایج عظیم بیا آورد .

از جمله آنکه بیت العدل اعظم در مقداد ثم خویش بر کوه کرمل مستقر گردید و قدمی بلند در سبیل تحقق نوایای مولای بیهمتا در ارتفاع ابنیه شاه مخه حول قوس مشرف بر مراقد منوره برداشته شد . هیئت جلیله را التبیع بین المللی تقویت گردید و بر تعداد اعضا افزوده شد و اثره وظائف عظیمه اش متسع گشت و به مقر خویش در جوار بیت مبارک حضرت عبدالبهاء منتقل گردید .

بیت معروف به بیت عبدالله پاشا در عا که سالیان دراز منزل مرکز میثاق و چندی مکان اختفای رمس حضرت اعلی و محل تولد حضرت ولی امر الله و مرکز ملاقات اولین دسته زائرین غربی با حضرت عبدالبهاء و محل نزول الواح و آثار مهمه از جمله کتاب مفاد و ضات بود تعمیر و مفرورش و حاضر برای زیارت زائرین اعتبار مقدسه گردید .

دو اثر جرمعه بین المللی بهائی در سال زمان ملل متحد و سرعت پذیرفت و بر قدر و منزلتش در محافل بین المللی افزوده گشت و نام مربها را در مجامع شتی بلند آوازه ساخت .

مشرق الاذکار را در قلب اقیانوس کبیر با حضور رئیس مملکت و وزیران و محترمین آنکشور و کشورهای مجاوره بدست حضرت امه البهاء حرم مبارک نماینده بیت العدل اعظم افتتاح گردید . تعداد محافل ملیه که در اول نقشه ۱۲۵ محفل بود فعلا ۱۴۳ محفل و تا رضوان آئینده بر ۱۴۸ بالغ خواهد شد .

قوه سطوت امر الهی را ملاحظه فرمائید که اگر دشمنان یک محفل ملی را در مهدها مر الله تعطیل نمودند یا آن با وفای جمال قدم به تاسیس ۲۳ محفل ملی جدید قیام فرمودند .

اگر تقریبا ۵۰۰ محفل محلی در ایران تعطیل گشت یا آن در عوض ۷۰۰۰ محفل روحانی محلی تاسیس کردند و مجموع آنرا به بیش از ۳۰۰۰۰ محفل رسانیدند .

اگر اراضی مشرق الاذکار در ارض طاعصا تصرف شد یا آن ۹ قطعه دیگر خریداری کرده و میکنند و تعداد اراضی مشرق الاذکار را بر ۱۲۲ قطعه بالغ نموده اند . اگر کتب و آثار را در ایران گرفتند و سوختند و از میان بردند در عوض تعداد زبانهای که به آثار الهیه مزین گشته با ترجمه به ۷۴۰ زبان بالغ شد .

اگر کلاسهای درس اخلاق در آنکشور تعطیل شده از آن کلاس دیگر در شرق و غرب تاسیس گشت و ۲۶۶ کتاب مخصوص اطفال بهائی به ۵۶ زبان در ۷۱ کشور بطبع رسید و اگر نونهالان و جوانان بهائی را از تحصیل علوم محروم ساخته و از مدارس ایران اخراج نمودند پیروان اسم اعظم در عوض ۳۹۲ مدرسه در قارات مختلفه تاسیس نمودند و در بعضی ممالک کتب درسی مخصوص مربهای در مدارس عمومی تالیف کرده و تدریس میکنند .

اگر احباء ایران را از کار و شغل و رزق یومی ممنوع و محروم ساختند بهائیان عالم با یجاد ۴۲۰ برنامهداشتی و کشاورزی و تربیتی پرداختند که آشنا و بیگانه از آن منتفع شوند .

اگر چراغ دوراد و دیو و تلویزیون در ایران وسیله هتک حرمت شریعه الله و انتشار افتراء نسبت بحباء الله گشته در ممالک و بلاد سائر بقدری جراعد و وساطت اعلان عمومی در باره امر الله بنشر حقائق پرداخته اند و توضیقات یا را را در ایران تقبیح نموده به اشاعه اخبار و مقالات در حمایت از امر اعظم و بهائیان مظلوم پرداخته اند که احصا دش دقیقا ممکن نه . یا را را وفادار با یمن مراتب نیز اکتفا نموده اند و علاوه بر دیوبهای در کشور اکوادر سه فرستنده را دیو مستقل بهائی نیز در کشورهای بولیویا و پرو و آمریکا تاسیس کردند که منحصر در دست بهائیان است و با انتشار تعالیم الهی و پخش برنامه های مفید اجتماعی مشغول است .



اگر احباء ایران از مسافرت و شرکت در میا دین خدمت موقتاً محروم گشته اند بحمد الله بهائیان عزیز در شرق و غرب جبران آن محرومیت را نموده اند چنانکه بیش از ۳۲۰۰ مهاجر فداکار رقیام کرده و اهداف نقشه هفتساله را تحقق بخشیده اند بعلاوه بیش از ۵۸۰۰ نفر دسته دسته با سفاکرتبلیغی از طریق موسسات امریه اعزام گشته اند.

اگر در مجلس ایران ذکر امر الله فقط از حلقوم رباب کینه و غرض بیرون می آید در عوض مجامع عالی عالم و پالما نهایی ملل تا بحال متجاوز از یکصد لایحه و بیانییه در حمایت از امر اعظم گذرانده اند. از جمله در پالما ن اروپا که مرکب از نمایندگان ده کشور اروپائی است سه لایحه با تفاق آراء به تصویب رسیده که به موجب آن نمایندگان از احزاب مختلفه در ده کشور اروپائی از دولتهای خویش خواسته اند که حمایت از مظلومان ایران را متعهد گردند.

پس ای یاران عزیز چون دیده بصیرت بگشایم سرفداران استقامت بهائیان عزیز در ایران مشهود بینیم و سر تعظیم پیش آن واصلان با رگه قرب الهی فرود آوریم و بزبان دل آن جواهر وجود را ملازم کنیم که ای مقلدان ای منجذبان بشارت بادشما را که بآئین دلدادگی فائز گشتید و خاور و روبا ختر را به تجلیات عشق جمال مبین منور فرمودید در مجمع احباب روح جدیددید و طریق انقطاع نمودید و کل را بر عبودیت آستان تحریض و ترغیب نمودید و بر آن داشتید تا بنا م شما در اقصی نقاط دنیا مشروعات عظیمه برپا کنند و نقشه های عدیده در تبلیغ و انتشار امر الله طرح نمایند. از برکت خون پاکتان گلستان عرفان آبیاری گشت و ده ها هزار نهال نورسته ببار آمد و سبب تزئین حدیقه حقیقت گردید چنانکه مثلاً در هندوستان بیش از یکصد و شصت هزار نفر اخیراً در ظل امر الله وارد گشتند و گمان مبرید ما که با نتساب آن شیران بیشه فدا مفتخریم از ذکر خیرتان غافلیم شب و روز یا ددل افروز شما شمع هراجمن است انوارش الهام بخشد و حرارتش دلگرم نماید جمالش دلربائی کند و عطر کا فوریش مشک بیزشود. آسوده و مطمئن باشید که راه شما پوئیم و نگذاریم

که ما را به بیوفائی منسوب کنند. شما در سبیل عشق بهاء جان دادید ما وقت و استعداد خدا داد را بر طبق اخلاص نهیم و نثار راهش نمایم شما دیده ازال و اندوخته بکلی دوخته اید ما آنچه را خداوند بیما نند عطا فرموده در سبیل عبودیتش فدا کنیم شما باعمال طیبه طاهره با انتشار و ترویج امر الله پرداختید ما نیز لسان به تبلیغ گشایم و از برکت جانبا زی شما نفوس کثیری را بساحل سعادت رسانیم. اگر از حرکت محرومید ما جبران کنیم و تشتتی را که حال خدا و ندیم اعنایت فرموده و سیله ارتفاع امر الله در نقاط جدیده و لازمه نمایم در یک محل مجتمع نشویم و بنا م شما بفتح اقالیم ساثره پرداختیم. رداء تقدیس بردوش گیریم تا بردا من پاکتان که تا روپودش را از راستی و درستی و خدا پرستی بافته اند غباری ننشیند. جوش انقطاع در بر کنیم تا چون شما روئین تن شویم و از هجوم مکاره دنیا و حرص و طمع و شهوات که از خصائص عالم طبیعت است نجات یابیم. از آلائش جهان فانی رو بر گیریم و بآسایش حقیقی جاودانی رسیم. غمخوا ریکدیگر شویم دستگیر و مساعد و همراه و معاضد هم گردیم و چنان کنیم تا اعمال و اخلاقمان بر تقدیس و تنزیه امر الهی چون آن شیدائیان حلقه محبة الله شهادت دهد و شاهد سعادت ابدی رخ گشاید و لقاء جمال ابهی در ملائعالی چهره نماید.

دعای این مشتاقان در جوار مقامات مقدسه علیا چنان است که آن عزیزان مهجور بآنچه در ضمیر منیر تعهد فرموده اند فائز گردند و مظلومان ایران را با اعمال و اقوال و عبودیت آستان کردگار شادمان و امیدوار فرمایند و مفتون وفاداری و بردباری خویش کنند و باری از دوش توانایشان بردارند و بیش از پیش آنانرا بر علوم و مقامشان و عظمت اعمالشان واقف سازند و البته چنین خواهد شد.

میت العدل اعظم

# تکس و دستخط‌های محمد اعلی

ترجمه تکس مورخ ۱۷ و سابر ۱۹۸۴

با کمال تأسف خبر غم‌انگیز اعدام‌شش نفر از اعیان را در طهران اعلام میداریم: جناب دکتر روح‌الله تعلیم‌زکرمانشاه، جناب دکتر فیروز اطهری، جناب عنایت‌الله حقیقی، جناب جمشید پوراستادکار، جناب کمال‌کاشانی و جناب غلامحسین فرهنگ. پنج‌نفس اخیراً از جمله یاران نبی بودند که محکومیت آنان به اعدام قبلاً اطلاع داده شده بود. سرنوشت ۱۹ نفر دیگر معلوم نیست. اعدام‌هرشش نفر در یک روز، ۹ دسامبر، بوده است. جزئیات مشخص نشده زیرا نه بستگان شهداء با خبر شده بودند نه سایر یاران و ماوقع ۸ روز بعد معلوم شده است...

بیت‌العدل اعظم

ترجمه تکس مورخ ۱۸ و سابر ۱۹۸۴

در تعقیب تلکس مورخ ۱۷ دسامبر با اندوه فراوان اعلام میداریم که جناب دکتر فرهاد صدیقی در تاریخ ۱۹ نوامبر پس از تحمل چهار ماه زندان و شکنجه بدآویخته شده‌اند. جناب ضیاء‌الله منیعی اسکویی و جناب علیرضا کاکان بترتیب در روزهای سیزدهم و یازدهم نوامبر پس از دو سال مسجونگی در زندان تبریز صعود نموده‌اند. علت فوت مشخص نشده است.

بیت‌العدل اعظم



در ماه ژانویه سه دستخط بسیار مهم از ساحت رفیع بیت‌العدل اعظم الهی صادر شده که حاوی بشارات فرحبخش از انتصارات اخیری است که نصیب جامع‌بهائی گردیده است. این مرقومات همچنین وظائف و مسئولیت‌های یاران رحمانی را در آینده مشخص مینماید و لازم است که بدقت و اهتمام کامل مورد مطالعه قرار گیرد. اول پیامی است بلسان فارسی خطاب به "احبای عزیز ایرانی مقیم اقلیم و بلاد خارج در شرق و غرب" که متن آن در همین شماره چاپ شده است

دستخط دوم مورخ ۳ ژانویه ۱۹۸۵ بلسان انگلیسی است و طی آن معهد اعلی به پیامی که در ابتدای سال قبل خطاب به بهائیان عالم صادر فرموده بودند اشاره نموده فرصت‌های خدمت و وظائفی را که در آن پیام مشخص شده بود یادآور شده اند و یاران را متذکر فرموده اند که اگرچه در ابتدای سال عکس‌العمل اعیان امیدوارکننده بوده و پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای در بعضی میادین حاصل شده ولکن قسمت اعظم آن وظائف و مسئولیت‌های باقی است با لایخص در قبال تامین احتیاجات صندوق‌های مختلف و در راه آنها صندوق بین‌المللی بهائی، تبرعات یاران درشش ماه دوم بشدت تقلیل یافته است. باین سبب زمان را مناسب دانسته اند که عموم اعیان را یادآوری فرمایند که منظور از تذکرات سال قبل این نبوده است که برای یکبار مساعی فوق‌طایفی مبذول گردد بلکه



انتظار آن معهد رفیع چنان است که پیران رحمانی مستمرا در راه تحقق اهداف نقشه هفت ساله کوشش فرمایند و امکانات مادی و معنوی فتح روحانی عالم را در اختیار مؤسسات نظامی بهائی قرار دهند .

وظایف چهارگانه ای که در پیاپی سال گذشته مشخص شده بود و در پیاپی جدید لزوم کمال آنها تا کید گردیده است عبارتند از :

- اتمام بنای مشرق الاذکار هندوستان
- ادامه توسعه مرکز جهانی بهائی و تهیه طرحهای لازم برای ارتفاع سه بنای باقی مانده در اطراف قوس جبل کرمل با اطمینان از موجود بودن منابع مادی لازم
- تهیه و اجرای طرحهای عمران اجتماعی و اقتصادی تأسیس مدارس و رادیوهای بهائی ، توسعه کشاورزی و بسیاری مجهودات لازم دیگر

• تقویت صندوق ملهوفین ایران برای کمک به آن عده از خواهران و برادران ستمدیده در درمدا مرالله که از موطن خود آواره گشته کوشش مینمایند در نقطه ای دیگر از جهان سروسامانی بگیرند .

در این دستخط به طوماری که نمایندگان و احبای مجتمع در انجمن شورروحنی آمریکا در رضوان گذشته تهیه و تقدیم ساخت رفیع نمودند نیز اشاره شده است که در آن استدعا شده بود مقرر فرمایند حکم حقوق الله برای عموم احبای ساکن در این کشور لازم الاجراء اعلام شود . معهدا علی ضمن قدرتانی از خلوص پیران میفرمایند اگرچه زمان آن نرسیده است که کلیه احباء موظف به اجرای حکم حقوق الله شوند و لکن مقرر فرموده اند مقدمات آن را برقرار کرده و مربوط به حقوق الله بلسان انگلیسی ترجمه و برای اطلاع در دسترس پیران قرار گیرد .

سومین دستخط که در تاریخ ۲۳ از نوپه ۱۹۸۵ خطاب به محافل ملیه صادر گردیده توجه آن محافل مقدسه را به تعیین سال ۱۹۸۶ از طرف سازمان ملل بعنوان سال جهانی صلح جلب مینماید . با توجه به خطرات و بلیه ای که عالم انسانی را احاطه نموده و اثرات شفا بخش صلح صغره که جمال اقدس ابهی عالمیان را بدان مأمور فرموده بیت العدل اعظم این فرصت را مغتنم شمرده اند تا بیش از پیش تعالیم حیات بخش امرالهی را بسمع عالمیان برسانند .

جزئیات برنامه ها و فعالیت های جامع جهانی بهائی در سال ۱۹۸۶ متعاقباً معین و اعلام خواهد شد . در این زمان معهدا علی فهرستی از انواع برنامه های که تحت مطالعه دارند را اختیار محافل ملیه قرار داده اند تا آنان نیز بسهم خود پیش بینی ها برای سال ۱۹۸۶ بفرمایند . برنامه های که در نظر گرفته شده بسیار وسیع و متنوع است و بسیاری از آنها مستلزم همکاری نزدیک احباء با جامعهاست .

بیت العدل اعظم محافل ملیه را متذکر فرموده اند که اشتغال به فعالیت های مربوط به سال جهانی صلح نبایستی موجب اختلال در مجهودات پیران در جهت تحقق اهداف نقشه هفت ساله گردد . فی الحقیقه این فعالیت ها و برنامه های مربوط به سال جهانی جوانان ( ۱۹۸۵ ) و طرح های عمران اجتماعی و اقتصادی جملگی مؤید یکدیگرند و وسائلی موثر در جهت تقدم مجهودات تبلیغی لازم برای اکمال موفقیت آمیز نقشه هفت ساله .



خبرشهادت جناب روح الله صوری ۳۵ ساله در یزدهم اکنون واصل گشت . جناب صوری در زندان تیرباران شده اند . خبر صعود جناب رستم و رجا وندی در زندان طهران در تاریخ ۱۵ سپتامبر نیز تأیید شده است و باین ترتیب عده کسانی که جان خود را در سیل امرا زدست داده اند به ۱۷۸ بالغ میشود . از سوم سپتامبر تاکنون ۱۶ بهائی اعدام شده اند یا در زندان صعود نموده اند و ۱۰۱ نفر دستگیر شده اند و ۷۹ نفر آزاد شده اند که خبر دستگیری بعضی از آنان قبلانرسیده بود . جمع بهائیان مسجون تا آنجا که اطلاع رسیده فعلاً ۷۰۷ نفر است . کارمندان دولت که بعلت اعتقاد به دیانت بهائی از خدمت اخراج شده بودند یا حقوق بازنشستگی شان قطع شده بود بتدریج از جانب دادستان کل احضار و به استرداد کلیه حقوق و مزایائی که در طی سالهای متمادی دریافت کرده اند مکلف میشوند و در صورت استنکاف زندانی خواهند شد . علت دستگیری بسیاری از احباء در این احیان اخیر عدم استطاعت با زپرداخت دستمزدی است که در زمان اشتغال قانونی به خدمت دولت دریافت داشته اند ...

بیت العدل اعظم

تصحیح

ند  
دارالانشاء بیت العدل اعظم الهی نامهای خطاب به این هیئت چنین مرقوم فرموده است: " در شماره دهم سال سوم محله شرحی تحت عنوان "روئیای نقاش چیره دست غیر بهائی" چاپ شده است . معهدا علی مقرر فرمودند نسخه ای از شرح مربوط به این نقاشی جهت اطلاع آن جمع محترم ارسال گردد تا نسبت به تصحیح مطلب اگر مصلحت دانند اقدام نمایند .... " عین مطلب ضمیمه شرح بالا جهت ملاحظه و استفاذه خوانندگان ارجمند ذیلا درج میشود :

هیئت تحریر غلیب

تصویر منا

منادوستی در طهران داشته موسوم به شهرزاد (۱۶ ساله) که سه یا چهار بار او را دیده بوده و بیشتر از طریق مکاتبه با یکدیگر مراوده داشته اند وقتی منا بفوز شهادت نا ئل میشود مادرش (خانم ... ) پس از چهار یا پنج روز به اصفهان میروند چون قرا ر بوده و حیدر پسر عمه شهرزاد بملاقات خانم ... بروند شهرزاد میگوید میخواهم هدیه ای برای مادر عزیز من بدهم و خود چنین تعریف مینماید :

" شب قبل از حرکت وحید بر خاستم و روی کارت ویزیت پدرم که طبیب میباشد شروع به نقاشی بـا آبرنگ نمودم وقت زیادی ندا شتم چون وحید عجله داشت و در حال خدای فظی بود حد و دبست دقیقه طول کشید حق شاهده است که در تمام این لحظات قیافه ملکوتی منا در نظر من جلوه گر بود و تصویر او را میکشیدم ولی وقتی فرصت تمام شد و خواستم پشت کارت را با نوشتن چند کلمه ای امضاء کنم متوجه شدم بحای یکنفر هفت نفر را نقاشی کرده ام لذا با عجله پشت کارت که با ندا زه همین عکس بود برای خانم نوشتم :

" چه زیبا عاشقانه ،

دست افشان و پاکوبان ،

از کوره راه عشق گذشتند

و بسر منزل مقصود رسیدند ،

بخانم محبوبم . شهرزاد "

شهرزاد صرفاً منا و سیمین را دیده بود و از شکل و شمایل سایر نو عروسان ملکوت خبری ندا شت و حتی عکس آنها را ندیده بود .

از ۲۰۲۰م

## گفتار بنیبت نوروز

فرخنده نوروز فیروز که طلعه بها روح فزاء و آغا زسال نواست بجمیع "سرگشتگان صحرائ محبت الله" ویا ران ویاوران امر حضرت بهاء الله حل اسماء الاعلی مبارک باد.

جشن نوروزی مژده پیاپی غمزدگی خزان پائیزی وصولت سرمای زمستانی را میدهد. در بها رغرش ابروا هتزاز نسیم صبحگاهی طراوتی به چمن و نزاریتی بگل و گلشن میدهد، نفحه حیا بمشام جان میرساند، بلبلان خوشنوا را بنوای وصال گل میکشاند و بنغمه سرائی در عین وصل شاد و خوش دل میسازد.

نوروز یادگار کهن نیاکان مردم ایران زمین است که از زمان جمشید بعلمت تحولات اساسی که در آن زمان در ایران رخ داده مرسوم و متداول گردیده و بعد از غلبه اعراب با وجود سطوت و نفوذ فاتحان، بزرگی و جلال خود را حفظ کرده و با اندک تغییری در آداب و رسوم و نحوه برگزاری جشن پا برجای مانده است.

در این ظهور اعظم الهی نوروز مبداء تاریخ بدیع قرا ر گرفته و در کتاب مستطاب اقدس بعنوان عید نیرو و بعد از ایام صیام رسمیت آسمانی یافته و جاودانی شده است.

فی الحقیقه این عید باستانی که فقط تعلق با ایران داشت حال با ثرنه و ذکلمه الهی شادابی آفرین بهائیان روی زمین از هر قوم و نژاد و ملت شده و به عبارتی دیگر بهائیان جهان خجسته جشن نوروزی را بعنوان شروع سال نو گرامی داشته و با تشکیل مجالس جشن و سرور در عین ادب و وقار بشادمانی و کامرانی، پایکوبی و دست افشانی میپردازند و بمنظور معرفی تعالیم دینیت جهانی بهائی مبداء و منشاء نوروز را نیز برای افراد غیر بهائی تشریح نموده و ایران را نیز از لحاظ تاریخی و قدمت تمدن و فرهنگ میشناسانند.

جای شگفتی است با وجود آنکه فضل یزدانی در این بها روحانی نصیب ایران و ایرانیان شده معذک آنان خود را از مواهب ایزدی محروم داشته اند مگر نفوسی که بخشایش الهی چراغ هدایت فرا را هشان داشته، با ایمان و ایقان با اسم اعظم الهی در این عصر نورانی بر ستگاری ابدی رسیده اند.

جشن نوروزی را آداب و مراسمی است که از قدیم الایام مرسوم و متداول بوده، ایرانیان عموماً و ایرانیان خصوصاً بدقت و ولطافت آنها آگاهی داشته و در هر نقطه از عالم که ساکن باشند مجری میدارند از جمله این مراسم:

خانه تکانی کردن، البسه نو پوشیدن، بدیدار خویشان و نزدیکان شتافتن و دل را از غبار کینه و اختلاف پاک کردن... و نظائر آنست که مسلمانان آداب و رسوم پسندیده بنا بر مصالح اخلاقی زمان متدرجاً میان ایرانیان معمول گردیده است.



بنا بر این یکی از آداب نوروزی خانه‌تکانی است و آن تطهیر خانه و اثاث‌البيت از دود و گرد و غبار گردش سال است .

مسلمانان پاک و طهارت در جمیع امور محبوب بوده و "نظافت ظاهر هر چند امری است جسمانی ولیکن تاثیرش در روحانیت دارد (۱) . لکن از نظافت ظاهر و خانه‌تکانی سالانه امری مهم‌تر و محبوب‌تر، خانه‌تکانی قلب است . تطهیر قلب از کل ماسوی الله را حضرت بهاء الله جل ثنائه از اعظم موریان فرموده‌اند (۲) و در کلمات مکنونه می‌فرمایند :

"یا ابن الروح

فی اول القول ا ملک قلبا جیدا حسنا منیرا التملک ملکا دائما باقیا ازلا قدیما .

مسلم است وقتی آئینه قلب آدمی از مکاره دنیای فانی پاک شود از آرایش غبار مفا سدا هر گردید و زنگار خوردگی کینه و عداوت و بغض و حسد از او زدوده گشت، آنگاه انسان بمقام واقعی خدود پی‌برده آداب رحمانی و اخلاق انسانی ممتاز از سایر موجودات می‌گردد و کلمه "انسان" بتمام معنی دربارها و مصداق می‌یابد . در کتب قبل ذکر شده که "قلب خانه خدا است" و حضرت بهاء الله در کلمات مکنونه می‌فرمایند قوله العزیز "ای پسر خاک جمیع آنچه در آسمانها و زمین است برای تو مقرر داشتیم مگر قلوب را که محل نزول تجلی جمال و جلال خود معین فرمودم و تو منزل و محل مرا بغیر من گذاشتی چنانچه در هر زمان که ظهور قدس من آهنگ مکان خود نمود غیر خود را یافت اغیار دید و لامکان بحرمانان شتافت و مع ذلک ستر نمودم و سرنگشودم و خجلت ترا نپسندیدم ."

پس باید خانه خدا، محل تجلی و نزول پروردگار یکتا را زشئون دنیا و از غبار رکدورت و ریا، غیبت و افتراء، کینه و بغض پاک و مقدس نموتاً دوست یکتا بخانه خود درآید و تجلی پروردگار در آئینه صفای دل هویدا شود زیرا هرگز "زنگار خوردگی ننماید جمال دوست" (۳) این پاک و نظافت درون بخانه‌تکانی دل تعبیر شده .

مسلم است دل‌های یارانی که مملو از محبت پروردگار ربی انباز است همواره پاک و طهارت است لکن همان‌طور که پاک دامنی، عفت و عصمت، و امانت و انصاف، صدق و صفا، راستی و درستی، حسن سلوک، عبودیت، دعا و مناجات فی الجمله فضائل انسانی و آداب رحمانی موجب بقا و دوام صفا و جلای قلب است بالعکس ذمائم اخلاق چون غیبت و افتراء، بغض و کینه، اختلاف، عجب و تکبر، خیانت و امثالهم بپاکی دل خلل وارد ساخته و چون دودی مظلم صفا و جلای آنرا تیره و تار می‌سازد.

احبای عزیز و یاران متشتت در روی زمین: هر کدام از ماها چند سالی است که طوعاً و کرهاً دور از وطن مألوف در نقطه از جهان زندگانی میکنیم، بدینا خوب و یا متوسط روزگار را می‌گذرانیم و همواره بیاد یاران مظلوم ایران و بلایای وارد بر ایشان قلبی بریان و چشمی گریان داریم ولی کمتر اندیشیده‌ایم که در قبال آن همه فداکاری و استقامت و تحمل بلایا و صبر و شکیبائی آن برگزیدگان حضرت پروردگار، چه وظائف سنگینی بعهده داریم .

حال وقت آنست قدری بخود آمده، بقول معروف "کلاه خود را قاضی کرده" و بحساب خویشتن قبل از

۱- بیان حضرت عبدالبهاء در یکی از الواح مبارکه .

۲- بیان مبارک در لوح مریم

۳- سعیدی



آنکه محاسبان زبردست الهی رسیدگی کنند، برسیم (۴) در این محاسبه هرگاه . بیلان سالانه، سودکافی نشان دهد زهی سعادت و نیک فرجامی و لکن هرگاه زیان و اشتباه و نقائص کلی در حساب ملاحظه شد خوشتر و بهتر آنکه در این روز فرخنده نوروز که تجدید حیات کائنات است و زمان تبدیل و برودت بحرارت، افسردگی بحرکت و پژمردگی بطراوت، با روحی تازه تجدید حیات نموده و بجران مافات پرداخته و بیقین بدانیم که نوروز بهترین زمان برای تغییر و تحول آدمی در شئون ظاهری و معنوی است. همانطور که زمین خفته بیدار میشود، باغ افسرده با نواریا حین زینت می یابد و درخت برهنه پر برگ و شکوفه میگردد. انسان نیز با بیداری خواب بیدار شده و در میدان خدمت با بناء نوع، در ظل امر الهی گام نهد و چند صباحی با قیما نده حیات فانی را در خدمت دوست یکتا صرف نماید و درخت وجودش را بفوا که عبودیت حضرت احدیت مثمر ثمر سازد . . . . .

نکته مهم دیگر آنکه در این نوروز فرح بخش چه بجا است که با عنایت الهیه و عنایت ربانی را ن حضرت رب البریه جشن و سروری روحانی ولی جاودانی برپا سازند و آن اینست که در میدان وسیع نشر نفعات طیبه الهیه قدمی فراتر نهاده و گامی بیشتر و سریعتر بردارند.

راهی ساده برای وصول باین خدمت عظیم، تشکیل محفل تبلیغ هفته ای یکبار و یا طبق بیان مبارک لا اقل هر ماه بهائی در منازل خود می باشد. ابتدا همسایگان و آشنایان و همکاران غیر بهائی را دوستانه دعوت نموده و در خانه را بروی خویش و بیگانه با زگذارد تا هر کس مشتاق شنیدن پیام الهی است شرکت نماید. اگر کسی شرکت ننمود و غیر بهائی در محفل تبلیغ حاضر نشد با زهم نباید مأیوس شد زیرا چراغی که بنا م حضرت بهاء الله روشن شود روشنی بخش خانه و اهل آنست. بعلاوه در شب مذکور مطالعه الواح و آثار مبارکه و مذاکرات امریه بین افراد خانواده، خود جاذب و جالب تأییدات الهیه است. مضافاً باینکه شرکت افراد مستعد در جلسات بعدی بعون و عنا الهی امکان پذیر است.

همچنین احبای عزیز الهی باید در بذل مال در سبیل قادر متعال که برای پیشرفت مقاصد امریه لازم و ضرور است کوتاهی نفرمایند زیرا انفاق مال در راه امر خداوندی نیاز سبب تطهیر اموال و نزول برکات و وسیله علو درجات در عالم باقی است.

جمیع این امور و سایر خدمات امریه که شما عزیزان خود بدانها نیک واقف و آگاهید مورث شادمانی آسمانی و باقی و جاودانی است و سایر مجالس سرور و کامرانی زود گذر و فانی بآنی.

امید هست در این سال نوبار روحی شاد و قلبی سرشار از محبت حضرت بهاء الله قدم بمیدان خدمت گذا ریم و گوی سعادت از میدان برپا ئیم و بدین وسیله قلب یاران برگزیده ایران را که غریق گرداب محن و بلایند مسرور سازیم. همیشه شاد و خرم باشید.

---

«اقتباس از بیان مبارک در کلمات مکنونه است که میفرماید: قوله عز و جل: يا ابن الوجود: "حاسب نفسك في كل يوم من قبل ان تحاسب ان الموت يا تيك، بغته و تقوم على الحساب في نفسك".»



# بیت‌الاکرم

«از آقامی ابو العاسم افان»

بیت مبارک شیرا زیبا بیتا کرم خانه موروثی حضرت باب‌الله الاعظم است که در شهر شیراز در محله ورت مسجد خضر که با سم مسجد کوجه شمشیرگرها شهرت یافته، در کوجه شمشیرگرها و جزء بازاری مرغ از محلات شیراز واقع شده است.

این منزل در اصل اتباعی ویا موروثی جناب آقا میرزا ابراهیم جدّماجد حضرت نقطه‌اولی است که بر حسب توارث بملکیت جناب آقا میر محمد رضا و بعد از ایشان بملکیت حضرت رب‌اعلی بیرون آمده است.

قباله خرید و بیچاهای مربوط به بیت مبارک در واقع سرقتی که در منزل آقا میرزا زین العابدین یکی از اقربای حضرت باب اتفاق افتاد بسرقت از میان رفته است.

ولادت حضرت رب‌اعلی در منزل مرحوم آقا میرزا علی عموی والده مبارک واقع شد ولیکن دوران رضاعت و کودکی آنحضرت تا حین صعود والدین در این خانه گذشت. بعد از صعود جناب آقا میر محمد رضا حضرت باب که طفلی پنج ساله بودند در معیت والده مبارک در تحت قیمومت و کفالت خال شهید حاج میرزا سید علی بیرون آمدند و از بیت مبارک بمنزل خال انتقال جستند.

حضرت باب مدت ده سال در خانه خال اعظم زندگی فرمودند و از آن پس برای کار تجارت در سن ۱۵ سالگی در معیت خال اکبر حاج میرزا سید محمد عازم شهر شدند آن سفر تقریباً به هفت سال بالغ گردید و در ماه ربیع الاول ۱۲۵۸ هجری قمری شهر شیراز مراجعت فرمودند و بار دیگر آن بیت معمور موطی اقدام و محل سکونت وجود مبارک رخسار شد. تا بحال هیچ دلیل و مدرکی بدست نیامده و نقل قولی ذکر نگردیده که در ظرف مدت هیفده سال که حضرت باب و والده‌شان به بیت خال نقل مکان فرمودند تا زمان مراجعت آنحضرت از سفر و شهر و کربلا چه کسی از آنها یا بیگانه در بیت مبارک سکونت گزیده باشد.

قبل از ورود حضرت باب بشیرا خال اعظم بیت مبارک را تعمیر کرد و مہیای ورود آنحضرت نمود. چنانچه ذکر شد حضرت رب‌اعلی در اوایل ربیع الاول سال ۱۲۵۸ هجری بشیرا مراجعت نمودند و در روز جمعه ۱۸ شهر رجب المرجب همان سال قضیه ازدواج مبارک با حرمان در بیت مبارک واقع شد.

در همین خانه بود که قلب مقدس حضرت رب‌اعلی از انوار ساطعه مشرق الهام مالا مال اسرار علم الهی شده در تفسیر سوره بقره اشاره بآن فرموده اند. در همین مکان مقدس بود که مکلم طور برلسان حضرتش عبارت (انی انا الله لا اله الا انا) را جاری فرمود.

در همین بیت مبارک بود که اتفاق سعادت بدید و صبح‌ها بیت طلوع کرد و آفتاب حقیقت بدرخشید و ابواب دانش و بینش بروجه اهل عالم مفتوح شد. در همین بیت الهی بود که اول من جناب ملاحسین بشرویه از مشاهده شکوه و جلال آیات بدیع منزل از قلم و قلم‌و قلم‌و قلم‌و غیث هائل جاری بود و بادی حیرت افتاد و عظمت ظهورش را مطیع و منقاد شد و بر سر ظهورش آگاه گردید و با لایحه‌ها براهش بداد. (۱)

در همین مقام مقدس بود که حرف ثانی مومن به نقطه بیان جناب ملاعلی بسطامی در آن صبح نورانی قبل از طلوع آفتاب به همراهی باب الهیاب بشرف لقا فاژ شد و پیروزایمان نائل آمد و در همین مقام رفیع بود که قبل از جمع حروف حق سر، قدم ساخت و برای ابلاغ کلمه الله به علمای عراق پای جلادت بمیدان خدمت گذاشت. (۲)

در همین مکان مقدس بود که حرم‌اعلی از مشاهده وجود مبارک در حالت توجه و انصاف بشرف ایمان مشرف شد و انوار سدره سینا را از وجوه حضرت رب‌اعلی در حجره فوقانی بیت مبارک بدید و از اسرار قلب حضرتش با خبر شد و ریح ایمان از کاس عطایش بنوشید. (۳)

در همین بیت مبارک بود که ولادت احمدیگا نه طفل حضرت رب‌اعلی اتفاق افتاد و متعاقباً حرمان و فراقش قلوب والده و حرم مبارک را بگداس و حضرت باب باین آیات بینات قلب حرم مبارک را مسلی خاطر شدند: قال وقوله الحق "ان ولدك احمد لدی فاطمة الجلیله فی الجنة القد علی الحق بالحق قد کان بالعلم مربوباً (۴)....

(۱) و (۲) رجوع شود به تاریخ نبیل (۳) رجوع شود به کتاب احسن القصص سورة القبراه

(۴) رجوع شود به -

H.M. Balyuzi Khadijibagum (George Roland Oxford) 1981.



در همین بیت مبارک بود که اولاً و ثقیلاً، شرح بیان، حروف حی، هریک بِلَقای حضرت اعلیٰ فائز شدند و سربفرمانش نهادند. در همین بیت مبارک و خانه کوچک واقع در کوچه شمشیرگرهای شیراز بود که بذرع الهی زرع شد و سوسیزوریان گردید و شجره مقدسه لاشرقیه و لاغربیه با راده مطلقه سید عالم و محیی رَم، نقطه اولی، سلطان الرسل، سَرا حیدیه و غیب هویه، غرس شد و سایه گستر گردید و با خون مطهر آن مطلع الوهیت و مظهر ربوبیت و دما، مطهره بیست هزار نفر از اقصای شهداء سبیل امر مقدس سقایه و آبیاری گردید تا عالم وجود مستعد ظهور رب الجنود و مبعث الرسل مالک یوم دین حضرت بهاء الله روح الوجود لعظمه الفدا گردید.

در عتبه سامیه همین بیت مبارک بود که سرور مبلغین و مبلغات ما رتاروت بمحردا اینکه چشمانش به فضای آن زیارتگاه اهل بهاء افتاد و از نوزدویه تقبیل عتبه مقدسش پرداخت و شدت بگریست و چون سرتعظیم برداشت به پدرنگارنده این سطور گفت "ببینید از خانه باین کوچکی چه شخص بزرگی برخاست و چه پیام عظیمی برای اهل عالم آورد" (۱).

در آثار مبارکه منزله از قلم حضرت رب اعلیٰ در چهار مورد اشاره به بیت مبارک شده است اول در کتاب قیوم الاسماء (تفسیر سوره یوسف) که بشهادت حضرت بهاء الله اکبر و اعظم کتب آنحضرت است. در سوره الرکن آیات ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸ در شان بیت نازل شده: "یا اهل الارض ان الله قد جعل للباب هذا بلدا منا (۲) و قد عهدنا مثابة للواردین ان طهروا بیتنا للطائفین و العاکفین و اهل السجود لله فی ذلک الباب الاکبر و هو الله قد کان بالحق علی الحق مسجودا و من کفر بذلک البیت فامتنعه فی الحیوة الدنیا بالحق العلی قلیلا و لقد باء بغضب علی غضب یکفر به ذکرا لله الحق و هو الله کان علیا کبیرا و ما فی الاخرة من خلاق و اعدا لله له من سطواته انه علی الحق بالحق نارا ثقیلا.

دوم در کتاب بیان فارسی، ابواب ۱۶- ۱۷- ۱۸ و از حد چهارم را در شان بیت الله و حول آن نازل فرموده اند.

در باب سادس و العشر من الواحد الرابع این آیات مبارکه نازل شده است "ملخص این باب آنکه لم یزل برای خدا و ندمکانی نبوده و لا یزال نخواهد بود و در هر ظهور مشیتی هر ارضی که نسبت بخود داده و بیت او شده و محل طواف ملائکه سماء و اهل ارض گشته بلکه کل طائف بر حول امرا و هستند که ظاهر در این طین میگردد که اگر در نفس طین بود یا بدلم یزل و لا یزال متغیر نگردد اگر چه براهل افئده ظاهر است که مثل آن طین هم مثل امراست و مثل امرا هم مثل شمس است اگر ما لانها به مقاعدیت متغیر گردد یک بیت بوده این است که تبدیل آن مثل ظهور مشیت است یا لنسبه بظهور و لا بعینه همان طین است که در یوم آدم الی الله منسوب شده همین است که امروز میشود چنانچه همان امری که در آن بیت بوده امروز همین امر است که در این بیت است و آن محل استواء من یظهره الله است که بعینه بیت من ظهور است که بعینه همان محل کعبه است و حد آن به عدد بسم الله است در ذرع در عرض و طول که جزا را و محسوب نمیکرد و اگر قدرت بود مومنین با الله راه را بینا امر میشد که از وی آیت تا حد ارتفاع آن بالماس برگردد و تراب آن اکسیر گردد و ما آن عطر را حمزولی چون که این قدرت مشاهده نمیشود بر هر نحوی که ارتفاع صدق شود لایق ولی ظاهر و باطن اگر از مرآت گردد اقرب بصفای خواهد بود از شئون دیگر که امروز در بین اولو الصانع ظاهر است."

در ابواب ۱۷ و ۱۸ و از حد چهارم کتاب بیان فارسی به تفصیل در هر شانی از شئون بیت مبارک و اجراء مناسک حج در حول آن مقام مقدس و طواف بیت مکرم و مسجد حواریان کعبه مقصودیات و اشاراتی به تفصیل نازل شده که موجب مضامین آیات منزله در آن ابواب بشرح ذیل است: زیارت بیت و اجراء مناسک حج از غیر مستطیعین و اماء الرحمن مرتفع شده است و آن حکم بر آنان جاری نمی باشد و هم چنین خرید حج برای اموات و درگذشتگان چنانچه در مذهب شیعه معمول است بکلی نهی شده و بر جمیع مومنین آنان که تمکن و استطاعت مالی داشته باشند در تمامی مدت عمر بیش از یک مرتبه حج بیت فرض و واجب نمیشد بفرای زنفوسی که ساکن و مقیم آن دیار هستند که بیت در آن واقع شده است و بر آنان واجب است که سالی یکمرتبه حج بیت کنند و آن مراسم را با انجام رسانند. شدر حال برای حیثیت از زنفوسی که ناچار بمسافرت از طریق دریا هستند نیز عفو شده و بر آنان واجب گردیده که مخارج زیارت بیت و سفر حج را به منسوبین و ذوی القربی انفاق نمایند. حکم صبر و سکون بر طائفین بیت امر شده و ارتکاب بهر عملی که سبب حزن و تکرر قلوب حاج بشود و یا اعمالی که منافعی با سجاای اخلاقی و آداب انسانی باشد نهی و بکلی تحریم شده است. بر طائفین و حاج بیت غیر از مالیک و خدام و اطفال و صفا و اشخاصی که اموال آنها در طریق مسافرت حج بسرقت از میان رفته باشد امر شده که هریک چهار رمثقال بیانی طلای خالص که هر رمثقال آن ۱۹ نخود باشد ۱۹ نفر از خدام بیت تقدیم کنند و بر خدام بیت بوا سطه علوشان و عزتی که خدا و ندبه آنها عنایت کرده است حرام شده که مطالبه این عطیه را بنمایند و بر خدام بیت امر و حکم شده است که در حق طائفین و وادفین آن مقام مقدس نهایت اعزاز و احترام را مرعی دارند و در دنیا له این احکام نازل شده است که این فرائض و احکام از این جهت نازل شده است که میاد کسی در یوم ظهور من یظهره الله از سر ظهور ممنوع گردد و مثل پیروان ادیان سابقه از زیوضات مظهر ظهور محروم شود.

قوله العزیز "در نفس طین شرف نیست بلکه جوهر این شرف امر الله است... و امر به بیت نیست الا آنکه از بیت استدلال کنند مستدلون بر بیت توحید و به تسبیح و تهلیل و تحمید و تکبیر آن بیت را مرتفع سازند و در مظاهرات نظر نموده که در وقت ظهور من یظهره الله از محقق بیت محتجب نمائند."

(۱) رجوع شود به کتاب M.R Garis, Martha Root Lioness at the Threshold (Baha'i Publishing trust, Wilmette) 1983.  
(۲) در اصطلاح بیه بلدا من شهر شیراز است و این خطابی است که حضرت اعلیٰ روح ما سواه فداه شهر شیراز عنایت فرمودند. در مراسلات بابیه در اول امر و قبل از ظهور جمال قدم عموما شیراز را بلد امن "میخوانده اند.



سوم در کتاب بیان عربی (در الواحد الرابع) به بیت مبارک اشاره فرموده و در آن واحداً ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹ را در حج بیت مکرّم نازل فرموده و اختصاص داده اند و امری شبیه آنچه در کتاب بیان فارسی نازل شده است نازل فرموده اند.

چهارم - حضرت نقطه اولی در وقت عزیمت با صفهان لوحی به اعزاز و افتخار حاج میرزا سید محمد خاں اکبر نازل فرموده اند که در حقیقت کتاب وصیت حضرت اعلی است در آن توقیع که نسبت به امور مالی و مادی خود و تصفیه محاسبات ایشان و امری بخاں اکبر فرموده اند اشاره نیز به بیت مبارک فرموده و میفرمایند (ان البیت حرم العدل وان له یوم یبنی مثل الکعبه فی مسجد الحرام وانه حرام من للخاصین جمیعاً) در آن توقیع بخاں اعظم حاج میرزا سید علی که در هنگام عزیمت آنحضرت از شیراز ساکن شیراز بود خطاب میفرمایند:

"فایا ایها الخال فی البلدان اسئل من امی لوترضی فاملا جدان یعمّر ظاهرا لیبیت مما یبدل باذن ربک من حجار البرفانه لیبیت عتیق ثم ارل من له خط نسخا ینکتب بماء الذهب سورة الرضوان (۱) فی اثنتی عشر دروب مذهبه فانی اردت ان تبدل ما یتعارف فی رجع الحج بایات الحق وانا رجال من التجار نلاحظ نفع المال وان ذلک لیهوا الفوز الکبیر"

حضرت بهاء الله در کتاب تشریعی خود دودوبیت را برای اهل بها محل حج قرار داده و در شان هریک زیارتنامه مخصوص با رعایت آداب و سنن مخصوصه نازل فرموده اند اول بیت الله الاعظم در مدینه الله بغداد و ثانی بیت الله الاکرم در مدینه شیراز و شان مقام هردوبیت را در مقام وصعیک دیگر قرار فرموده و هر دو را بیت الهی خوانده و زیارت هریک را مساوی هم قرار داده اند و گذشته از آیات منزل در کتاب مستطاب اقدس در الواحد دیده اشارات مهمه به بیت مبارک شیراز شده است و همچنین از براعه فضل و موهبت حضرت مولی الوری و حضرت ولی امر الله روح العالمین لرسمهما الاظهر فدان نیز الواحد مفصله بمناسبت مقامات معنوی بیت مکرّم نازل فرموده اند که ذکر جمیع آنها در این مختصر مفصل و طولانی خواهد شد.

### محیط و ابنیه بیت مبارک

محوطه حیاط و فضا وزمین زیربنای بیت مبارک از صد متر مربع تجاوز نمیکند و ابنیه آن در ایام مبارک منحصر بوده است به یک باب ارسی سه درکی در سمت شمال آن حیاط که ارتفاع آن از سطح زمین در حدود یک متر میباشد و با مصالح مردم شیراز سه درک (ارسی) و محیط داشته که با تخته های مرصع چوبی، شکل سازی و آلت بندی شده و در بعضی از جاهای این درک ها بجای آلات چوب شیشه های مربع ۴×۴ سانتیمتر برای روشنائی نصب شده بوده است در این اطاق صندوقخانه وجود داشته که در سمت شمال غربی اطاق موصوف ساخته شده بوده و در ایام زندگانی حضرت باب در آن بیت اطاق زندگی والده مبارکشان بوده است در سمت مشرق دوبا اطاق متوازی در مجاورت یکدیگر قرار داشته که ارتفاع آنها از سطح زمین حیاط در حد ارسی سابق الذکراست. این دواطاق بوسیله دودرب از راه رومجا و محیط مرتبست و بواسطه سه باب درب فیما بین دواطاق بهم مربوط میشده اند و در اطاق مجاور حیاط سه درب قرینه در بهای داخلی ساخته شده بوده است که از حیاط نور میگیرفته و روشنائی آن دواطاق را تامین میکرده است در اطاق خلفی صندوقخانه وجود داشته که در زیر پلکان حجره فوقانی بیت مبارک ساخته شده بوده است و این دواطاق محل سکونت و خواب حضرت اعلی و حرم مبارک بوده است در سمت جنوبی این حیاط اطاق باریکه سازی وجود داشته که بوسیله سه باب درب بحیاط بازمیشه و درب ورودیش از داخل دالان بیت مبارک بوده و در ایام سکونت حضرت اعلی در آن منزل اطاق متعلق به مبارک، غلام آن حضرت بوده است.

در زیر این اطاق راه روزبرزمینی باریکی وجود داشته که بوسیله چهار پله بداخل زیرزمین مربوط میشده و از آن راه روبه زیرزمین وسیعی راه داشته که در زیر اطاقهای سمت شرق و راه رو آنها بنا شده بوده و محل انبار و آشپزخانه و سایر ملزومات آن بیت بوده است. در سمت مغرب حیاط بیت مبارک طاق نمائی وجود داشته که جاه آب بیت مبارک نیز در آن سمت واقع شده است حجره فوقانی یا اطاق بعثت حضرت رب اعلی بر روی اطاق خلفی سمت شرق بیت مبارک واقع شده بود که حالت حیاط خارج و حیاط بیرونی آن خانه را داشته و محل دید و بازدید و ملاقات از رجال بوده که با اهل بیت سمت محرمیت نداشته اند.

این حجره در ایام مبارک دارای سه باب درک (ارسی) و دودرب کوچک در طرفین آن سه درک بوده و مشرف به پیش بام واقع در روی اطاق جلوبنای سمت شرق بیت مبارک بوده است. آن اطاق بوسیله دوراه رو و پلکانی که در آن تعبیه شده بوده است از سمت شمال و جنوب بداخل حیاط و دالان بیت مبارک راه داشته. تعداد پله های سمت جنوبی ۹ عدد و تعداد پله های سمت شمالی ۷ عدد است که از هر دو سمت این پلکان به راه رومجا و اطاق فوق الذکر متصل میشده اند.

حضرت ولی عزیزا مرالله در تیلو لوحی با اعزاز عمومی نگارنده این سطور، مرحوم حاج میرزا بزرگ افغان و نیز در ضمن فرمایشات حضوری باین عید فرمودند: "این حجره از سایر حجرات بیت ممتاز است زیرا محل بعثت مبارک، محل ملاقات باب الیاب، محل نزول کتاب قیوم اسماء و محل حلول وحی الهی بقلب حضرت ربّ اعلی است."

### حدود بیت مبارک

بیت مبارک از سمت مشرق محدود است به دیوار غربی دالان مسجد شمشیر گرها و اطاق روی دالان که از اولین مستملکات امری است و از سمت شمال قسمتی بدیوار جنوبی مسجد شمشیر گرها و قسمتی به خانه تقدیمی مرحوم حاج سید مهدی افغان و از سمت غرب محدود به دالان خانه تقدیمی حاجی سید مهدی است که بعدها آن دالان خراب شده و جزء حیاط خلوت جوار بیت شده است و از سمت جنوب محدود است بکوچه شمشیر گرها

۱- سورة الرضوان مرکب از ۱۹ آیه است و قبل از عزیمت آنحضرت بصوب مکه معظمه نازل شده است.

که در ب ورودی بیت مبارک بشماره ۱۹ در این کوچه قرار داشته است .

از جمله وقایع مهمه تاریخ مرالهی که در ایام توقف حضرت نقطه اولی در آن بیت اتفاق افتاده است هجوم و حمله جمعی از فرامان داروغه شیراز عبدالحمیدخان به تحریک و اغوای میرمومن ایزدخواستی که در دوره حکومت حسینخان آژدان باشی در فارس بجمع امور تسلط یافته و فرمانش نافذ بوده ، در نیمه شب ماه رمضان به بیت مبارک است و آن داستان از این قرار است که : مقارن نیمه شب ۱۸ رمضان ۱۲۶۲ هجری قمری چند نفر فرامانداران از پشت بام منزل مجاور به بیت مبارک هجوم آوردند درحالیکه حضرت اعلی در پشت بام استراحت فرموده بودند و در آن شب بغیر از حرم و والده مبارک وقفه و مبارک (کنیز و غلامشان) دیگری در آن بیت نبود آن عده به بهانه اینکه جمعی از پیروان وجود مبارک مشرف هستند آن عمل عنیف را مرتکب شدند . از افراد اعلا مبارک تنها حضرت باب در پشت بام استراحت نموده بودند و سایرین در حیاط و محل خودشان بودند . ما مورین داروغه تمام خانه را کاوش نمودند و کسی را نیافتند و حضرت اعلی فرمودند حال که دیدید کسی در این خانه غیر از اهل و عیال من نیست مزاحم آسایش آنها نشوید و لکن آن عده قانع نشدند و مقادیری از اوراق و الواح و کتبی که در طاقچه اطاق فوقانی بود برداشته و در آن نیمه شب حضرت اعلی را مأخوذ داشته به محل عبدالحمید بردند در آن شب حضرت اعلی با تشدد و تغییر شدید صحبت نمودند و دستگاه حکومت را ما مورین ظلمه و دستگاه ظلم و فساد را ندید و تحقیر و توهین فرمودند بطوریکه عبدالحمید خان داروغه ناچار شد دو ساعت بصبح مانده حضرت اعلی را بپاخانه حاجی میرزا ابوالقاسم برادر حرم مبارک آورد و از ایشان سند و ضمانت گرفت که حضرت باب مجلسی نیا را بید و کسی را بمنزلشان دعوت نکنند و مبلغی با سم قلع و خدمتانه که مرسوم آن ایام بود و وجه نقد بگرفت و شال ترمه در کمر حضرت اعلی را نصف کرد و با خود برد . آن اهان و جسات در آن نیمه شب بگونه ای بود که جمیع مردم محل به کوچه و پشت بامها ریختند و ناظران مظالم و مستکاریها بودند و معلوم و مسلم است که بیش از همه کس والده و حرم مبارک که ناظر و شاهد آن جسات بودند بزرگترین و عتاب افتادند و آن وحینشان مرتفع بود خوشبختانه مکتوبی از مرحوم حاجی میرزا ابوالقاسم فوق الذکر خطاب بحال اکبر در بوشهر بتاریخ ۲۱ شهر رمضان ۱۲۶۲ در اختیار رنجا رنده این سطور است که جمیع وقایع و اتفاقات آن شب را مشروحاً مرقوم فرموده است .

بعد از عزیمت حضرت باب بصوب اصفهان و تبعید وجود حضرتش بحال آذربایجان و بالاخره واقعه شهادت کبری ، والده مبارک تحمل آن رزیه عظمی و شامت اقوام و بستگان و لعن و طعن مداوم و مستمر آخوندها بر رؤس منابروا هانت اراذل و اوایشان انداختند و چون از قبل از حضور مبارک اذن و اجازه حاصل نموده بودند که بزیارت اعتبار مقدسه در عراق مشرف شوند تصمیم بر عزیمت به کربلا و مجاور شدن در آنجا را گرفتند و در ماه ربیع الاول سال ۱۲۶۸ به همراهی والده خودشان و بی بی گوهر عمه مرحوم موثرالدوله و حاجی مبارک غلام با وفای حضرت اعلی راهی عتبات عالیات شدند .

والده مبارک چون شیراز را ترک میفرمودند و سکونت حرم مبارک نیز بطور انفرادی در آن خانه مناسب و میسر نبود لذا ایشان بمنزل خواهر امی خودشان حرم خال شهید که آن نیز در ظرف مدت قلیلی قبل از شهادت حضرت اعلی شوهرش (خال شهید) را و بعد در شهادت هیکل مبارک یگانه فرزندش (حاج میرزا جواد) را در سن ۱۸ سالگی از دست داده و فوق العاده بی تاب و بیقرار بود ، نقل مکان نمودند تا مسلی خاطر غمزه و با شنیده که بالنتیجه بیت مبارک از سکنه خالی بماند لذا والده مبارک بیت را به شخصی با اسم میرزا محمد حسین بزازمانت سپردند تا از آنجا مواظبت کند .

در حدود یکسال بعد از عزیمت والده مبارک از شیراز زلزله شدیدی در آن شهر روی داد تمام شهر شیراز و اطرافش را بشدت لرزاند و قسمتی عمده از شهر شیراز و مساجد و بناها را ویران ساخت و قریب یکسوم از اهل شهر را در زیر ویرانهها مدفون ساخت و بپلاکت رسانید حاج میرزا حسن فساکی مؤلف فارس نامه ناصری آن واقعه را در قسمت اول گفتار کتابش با این مضمون ضبط کرده است : در شب بیست و پنجم شهر رجب ۱۲۶۹ این سال ۱۵ رجبیهشت خلای ، که آفتاب در سیزدهم درجه و چهل و شش دقیقه ثور بود نزدیک به یکساعت پیش از طلوع صبح ما در شهر شیراز زلزله شدیدی مدو چندین صد خانه را ویران و چندین هزار را شکسته نمود و چندین هزار نفر در زیر عمارات خرابه بماندند و بمیرند و بیشتر مدارس و مساجد خراب گشت و محتاج به تعمیر گردید .

بعد از واقعه زلزله مسجد جوار بیت بکلی منهدم و منعدم و با خاک یکسان گردید و بهمان حال باقی بماند تا سال ۱۳۲۴ هجری که تجدید بنا شد و آن نیز داستانی دارد .

خال اکبر بعد از عزیمت همیشره شان بکربلا شیراز آمدند و از میرزا محمد حسین بزاز که بنا بدستور والده حضرت اعلی در بیت ساکن شده بود و هیچ قرار دادی راهم بمضاء نرسانیده بودند قرائی در ماه ربیع الثانی ۱۲۷۰ در یافت فرمودند با این مضمون که (حاضر شد جناب سیادت مآب میرزا محمد حسین ولد مرحوم میرزا اسدالله شیرازی و اقار و اعتراف صریح و صحیح نمود بر آنکه یک باب خانه واقعه در کوچه شمیرگرها که بالفعل در تصرف مقرر مذکور است و در آن ساکن است ملک طلق علیا جناب خدا رت مآب سیده مکرمه معظمه فاطمه بیگم بنت مرحوم جنت مکان حاجی میرزا محمد حسین میباشود و مشاؤالیهها هنگام روانگی از شیراز خانه مذکور را بمقرر مذکور برسمان و عاریه سپرده که در آن ساکن بوده باش و چون از وقوع زلزله خرابی زیاده در خانه مذکور شده و بدون تعمیر نمیشود در آن سکنی نموده باش و شوق مقرر مذکور میخواهد در آن مسکن نموده و در صد (صد) تعمیر برآمده بدون اذن و اجازه مالکخانه اخراجات تعمیرخانه را مینماید و اوجه اخراجات را اندر هر وقت مالکخانه خواسته بشد بدون معطلی خانه مذکوره را تخلیه و تسلیم نماید و با بت اخراجات که نموده بهیچوجه حقسی نداشته باشد . شهر ربیع الثانی سنه ۱۲۷۰ این سند بمهر بعضی از صاحبان محاضر شرع و شیخ ابوتراب امام جمعه شیراز رسیده است .)

چون بسبب آن زلزله مهیب خرابی در بیت مبارک ظاهر شده بود و میرزا محمد حسین ملاحظه نمود که با بد متحمل مخارج گرافی بشود بیت مبارک را ترک کرد و دو نفر برادر را با سم و دوا براهیم که کارشان خمیرگیری دردگان نا نوائی بود بجای خودشان نمود و چون سندی در میان نبود



آن دونفر بتدریج بیت مبارک را متصرف شدند و تصرفات مالکانه میبودند چندانلی گذشت تا مرحوم آقا میرزا آقا که از قلم جمال ابهری بنورا آتین ملقب و مفتخر شده بود بوسیله خاله اش حرم حضرت اعلی مؤمن بدیانیت یابی شذو چون کتابیان را زیارت کرد و بمقام و موقع بیت مبارک پی بردیخا لاکبر مرا جعه نمود و رجا کرد که برای استخلاص بیت مبارک از دست صمدوا براهیم اقدامی معمول دارند .

در آن اوقات ایفاء خال در داخل و خارج کشور ایران هر کدام سرگرم امور تجارت خود بودند و موقعیت حضرت خال نیز در شیراز در شرا طئی نبود که فی الواقع بتوانند در این امر رأسا و مستقیماً مباشرت و یا اقدامی داشته باشند لذا از آقا میرزا آقا خواستند که با رعایت نهایت حکمت و تدبیر ترضیه خاطر صمدوا براهیم را فراهم آورده و بیت مبارک را تخلیه نمایند و انتزاع پیدا ز آنها بشود .

در آن اوقات پدر آقا میرزا آقا (آقا میرزا زین العابدین) که خواهر دیگر حرم در حباله نکاح ایشان بودند و در قید حیات بود و بواسطه قربت نزدیکی که به دو محتدب بزرگ و مرجع مهم شیعه اول حاجی میرزا جواد امام جمعه کرمان و دوم حاج میرزا محمد حسن حجة الاسلام داشت مورد تکریم و احترام آخوندها و علماء شیراز بودند لذا آقا میرزا آقا از نفوذ پدرش استفاده کرد و با آن دو برادر از در دوستی درآمد و اعتمادشان را جلب نمود و بهر هیچ بود موافقت آن دو برادر را بدست آورد که خانه ای برای آنها و با سم خودشان خریداری و یا رهن نمایند و آنها این منزل را تخلیه کنند بنا براین قرار مرحوم آقا میرزا آقا خانه ای دیکو چه زنیورک خانه شیراز بمبلغ یکصد تومان برای آن دونفر خریداری و خانه را بتصرفشان داد و سند آن را به آنها منتقل کرد و آن دو برادر با نهایت رضایت خاطر بیت را تحویل دادند .

آقا میرزا آقا بعد از تصرف بیت با اذن و اجازه حضرت خال تعمیراتی ضروری در بیت مبارک نمود و با تصویب حضرت خال ، ملا آقا بسزرگ زرقانی از مومنین دوره بیان را که بنام مرشهرتی نداشت در بیت مبارک ساکن گردانید و لیکن مدت توقف و در بیت چندان بطول نیانجامید بیت مبارک را از او تحویل گرفتند و با تجویز و صلاح ندیشی خال از حاج ابوالحسن بزاز خواهش شده ساکن بیت شود .

حاجی ابوالحسن از صنادید احباب و از جمله اصحاب و معارف جامعاً مربود و در سفر مکعب حضرت نقطه ولی هم سفر بود و در بر و بحر در کشتی و کانی بود که حضرت اعلی نیز تشریف داشتند و در مسجد الحرام در مقابل باب کعبه ندای مبارک را شنیده بود که به میرزا محیط کرمانی سه بار خطاب فرمودند (انی انا القا ثم الذی کنتم به تنتظرون) .

اگرچه حاجی ابوالحسن در مکعب ایمان نیاورد و لیکن در قضیه تشریف فرمائی حضرت باب به مسجد و کیل و استماع فرمایشات مبارک بمقام یقین رسید و بشرف ایمان مشرف گردید .

زوجه حاجی ابوالحسن از اقوام نزدیک امام جمعه بود و در ایام شدا دو گرفتاریهای حضرت نقطه ولی در شیراز زخمیات لایقی سرافرا زشد . بعد از رفتن ملا آقا بزرگ از بیت مبارک مرحوم حاجی ابوالحسن و زوجه اش با دونفر بسانش میرزا محمد علی و میرزا محمد باقر که بعدها با سفا میلی دهقان شهرت حاصل نمودند ساکن بیت شدند و مدت توقف آنها در بیت مبارک قریب پنج سال بود تا وقتی که زوجه حاجی ابوالحسن در بیت مبارک صمود بملکوت ابهری کرد . بعد از فوت او حاجی ابوالحسن از استعانت و تقویت امام جمعه محروم گردید بطوریکه مورد سخره و اذیت و آزار اهل بازار قرار گرفت . ناچار دکان کوچک و مختصری را که در بازار حاجی اسدیگی شیراز داشت بستم و نیمه شب با آن دو طفل خردسال راهی کوه و بیابان شد . از صداقت و خلوص حاجی ابوالحسن داستانهائی نقل شده که از حوصله این و حیزه خارج است .

چون بیت مبارک از سکنه خالی ماند از ترس اینکه میاد با دیگر زحمتی ایجا دشود حرم مبارک ا مرفر موندند که یک عا ئله از بزماندگان اسرای نی ریزی که در شیراز باقی مانده بود در بیت مبارک ساکن شوند و آن عا ئله تا سال ۱۲۸۹ قمری ساکن بیت مبارک بودند .

میدانیم که بسیاری از احوال جامع حضرت بهاء الله در ادرنه نازل شده و بهمین مناسبت ادرنه را ارض سر خوانده اند زیرا اسرار الهی در آن ارض معلوم کشف گردید و جمال موعود من بظهره الله برقع از رخ افکند و ظهور کلی الهی بشرق و غرب عالم ابلاغ شد از جمله الواح منزله در ارض سرا لوح از بارت بیت مبارک شیراز و بیت مبارک بغداد است که هر دو به اعزاز و افتخار نبیل اعظم نازل گردیده و او به نیابت از جمال قدم موفق با جرائ مناسک منزله در سوره حج در شیراز و بغداد افتخار حاصل نموده است و هم او بود که ما مورا بلاغ ظهور جمال قدم به اهل بیان در تمام ایران بود .

چون نبیل زرنندی کسی است که این لوح مبارک به اعزازش نازل شد و اولین شخصی در عالم مراسم است که با جرائ مناسک حت توفیق یافته و آن زیارت به نیابت از قبل جمال موعود رب ودود ، حضرت بهاء الله بوده است بهر میدانیم که جمیع آن داستان را که در یادداشتها ی نبیل اعظم ذکر شده است در این جا بیاوریم تا خوانندگان را بیشتر متوجه بمقام و قرب بیت مبارک نموده باشیم . میدانیم که نبیل زرنندی از بغداد تا اسلامبول ملتزم رکاب مبارک بود و از اسلامبول ما موربمرا جعت به ایران و سیروسفردر شهرها و قصبات و حتی دهات و قراة ایران شد که بابی های متشتت و مخمور که بعد از واقعه نفی از بغداد ما یوس و نا امید شده بودند از کوشش رحمت الهی بنوشاند و به نسا ئم روح بخش حضرت رب العزه تا زه و ترنما بدوا ز تسنیم موهبت سقا به و آبباری کند و لیکن ما موربه ابلاغ ظهور مبارک در بغداد نبوده است .

نبیل از طریق ارزروم به کردستان رفت و به ساوجبلاغ وارد شد و آنجا به انجام ما موریتی که داشت اقدام نمود و خطه آذربایجان ، مازندران ، زنجان و طهران را دور زد و حسب الامر هسپا رخرا سان شدد در منطقه خراسان در شهرهای مشهد ، بجنورد ، قوچان ، تربت ، بشرویه و فاران احبا را ملاقات نمود و به نصیحت و اندرز و تشویق و تحریص بخدمت تحریض فرمود و بعد از توقف مدت یکسالی در آن حدود از طریق کویرلوت به طیس رفت و عازم بزد شد . از بزد به اصفهان رفت و در اردستان موفق بزیا رت لوح حج بیت مبارک شد و راهی شیراز گردید تا به اجراء مناسک حج بیت بالنبیاء از حضرت بهاء الله ، و ابلاغ ظهور مبارک بشه احبا شیراز برسد .

نبیل مینویسد : بعد از ملاقات و دیدار احبا یزد و اردکان بقصد زیارت احباب در اردستان کمر همت را محکم بستم و با احبا اردکان وداع



نموده براه افتادم. در فاصله بین یزد و اردستان در قصبه نائین جناب آقا میرزا جعفر شیرازی که از خدام حضور بود و از درنه ما مورا بلاغ ظهور حضرت بهاء الله بجمع احباب ایران شده بود و فاضل شدم و از لسان او شنیدم که جمال قدم من را بقلب نبیل اعظم متباهی فرموده اند آن لوح الواح دیگر در اردستان بدست جناب میراست (میر لقب آقا محمد ابراهیم نیری است در کتاب تذکرة الوفاء در صفحات ۱۴۶ و ۱۴۷ شرح حالش بقلم حضرت عبدالبهاء مرقوم است و در کتاب بهاء الله سلطان خلال Baha'u'llah the King of Glory تالیف ایدی امرالله جناب حسن موقربا لیوزی قسمتی از خدماتش شرح داده شده است). از آنجا عازم اردستان شدم و چون به اردستان وارد شدم در بیست جناب میرزا فتحعلی که بقلم مولی العالم به فتح اعظم ملقب شده اند وارد شده جناب میرزا ملاقات نمودم و آن دولوح مبارک که به افتخار من بود دادند و در آن بخط حضرت غصن اعظم اول این کلمه مبارک بود "یا نبیل الاعظم اسمع ما ینادیک مالک القدم" و دولوح دیگر یکی درجه بیت معیت حضرت اعلی و یکی درجه بیت جمال ابهی در مدینه الله و امرجانی بود که با آداب منزله در آن لوح من قبل الرحمن اول بیت نقطه اولی را حو طواف نماید و بعد از آن متوجه بیت اعظم شوم و امر مبارک بود که در هر مجلسی از مجالس احباء الله اول مرتبه که لوح حج تلاوت میشود آنروز عید گرفته شود و احیای الهی اعزاز الامرالله و اظهار الشرف بیت الله بمراسم عید عمل کنند.

با جناب فتح اعظم که اول بزرگ آن بلد بودند در خلوت ملاقات نمودم که احباب با یاد اهل هوی متمایز و ممتاز با شنیدن دوطریق اول تشرک مطالعه اوراق مرآت دوم داده تکبیر الله ابهی جناب فتح اعظم هم فرمودند من هم از حق همین مسئلت را داشتم تا از اوها هم راجعات بخشد و بحقیقت و توجه بمظهر فریدم شرف فرماید و همان آن برخاسته و باجای آن دو عمل میروم و قیام نمودند و آنچه را که از آثار مرآت بود همه را معدوم و موقوف نمودند و احیای اردستان از همان وقت چشم از غیر حق پوشیدند و بر این شیوه قیام کردند.

نبیل ادا می دهد: از اردستان جناب نیا زعلی و آقا محمد حسن را که از همراهان بودند را می نمودم که به بشرویه مراجعت نمایند و عهد کردم که آنها را در طواف بیت یا دودعا نماید و جزای خیر خدمتشان را از حق مسئلت کنم که اهل قرب و لقا شوند و مطالبی به احباء بلاد خراسان نوشته در ثبات و استقامت در امرالله مضافی نگاشته با آنها فرستادم و خود از اردستان بعد از دوای دوستان عازم اصفهان شدم و بخانه آقا محمد کاظم عبد دوز وارد و آقا نجفقلی زنجانی را عازم شیراز دیدم و با مکاری شیرازی عازم شیراز شدم و آقا نجفقلی که همراه بودند آثارشها مت و تنزیه در آن سفر بحمد الله مشا هده میشد و قلب از خدمات او (اگر نوشته شود دفتر جدا گانه لازم است) بسیار مسرور بود. چون به زرقان (۱) رسیدیم با کدخدای زرقان که از احباء همدان و سفر سابق آشنائی داشتم ملاقات نمودم و آنچه که ابلاغ آن لازم بوده و ابلاغ نمودم بسمع رضا شنید و شکر محبوب یکتا را باجا آورد و از شرک خفی بتوحید ذات ابهی رسید و از آن کاس بنوشید و بنوشانید.

نبیل اعظم دوسفر شیراز آمده است یکی در سال ۱۲۷۹ هجری و قبل از تبعید جمال ابهی از دارالسلام به اسلامبول و و هله دیگر در سال ۱۲۸۲ بعد از سرگونی حضرت بهاء الله از رومیلی به درنه برای ابلاغ ظهور مبارک و اجراء مناسک حج.

با از زبان نبیل اعظم می شنویم:

چون از آنجا (زرقان) حرکت کرده به گردنه الله اکبر که نقشه شهر شیراز در آنجا نمودار است نزدیک شدیم پیا پی ده شدم و آقا نجفعلی را در حافظیه گذاشتم و خود مشغول اعمال بر حسب بیانات مبارکه کما نزل فی سورة الحج شدم و حالتی تازه در خود پیا پی متبحر شوی که روح مجرد را با خود گذاردیم و چنان از سکر بیان رحمن مخمور شدم که خستگی راه و کسالت سه روزه را فراموش نمودم.

در حافظیه در هوای سرد مشغول تغسیل بدن و تحلیق راس و اصلاح آن شدم بعد از شستشوی آسایشی دیدم که از هر درد و المی پاک و طا هر گردیدم و پس در هر مقام بر حسب امر عزیز علام عمل نمودم. در این مقام چنین نازل شده است: ان یا محمد اذا استجبت بک روائح القدس و قلبتک الی دیا الرحمن لتجد نفا السبحان اذا اذهب باذن ربک المنان الی مقام الذی یطوفن فی حوله ملکة المقربین الذین هم فی حول العرش هم یسبحون و انک حین الذی تقوم عن مقامک و ترید ان توجه الی شطر الله ربک اذا فخلع عن جسدک قمیص النفس والهوی ثم عن رجليک نعلین البغی والفحشا لانسک تدخل مقام الذی لن یرد علیک الامن یدعن ورائه کل من فی الارض و السماء و لن یقبل الا تنه کبری ان انت من الذین هم یفقهون و فی حوله یطوفن طورا لمرور بة القدس ثم سیناء العزیم فئدة الذین هم الی هوا القرب فی کل حین یصدون و من دون ذلک لن تفوز به و لن تذکر عند الله من الوار دین علیه و لو تسکن فیها الف سنة عما انتم تعدون. بعد از تلاوت این آیات با پای پیاده براه افتادم تا به دروازه شهر رسیدم با آنکه چند نفر سربا زو قراول دیدم سجد نمودم و دعای منزو را تلاوت کردم:

و اذا وصلت الی مقام الذی استقرت با ب المدينة مقدار عشرين خطوة اذا قف با مرالله ربک و رب کل شیء و رب هذا الشطر المحمود ثم کبر الله تسعة عشر مرة ثم خاطب المدينة من قبلی و قل لعن الله قوما حال بیننا و بین انوار قدسک یا مدینه الله و متعونا عن الاستنشا ق من روائح قدس احديتک و السکون فی حوار عز رحمتک و القيام علی فناء باب فیض رحمانیتک ثم حوّل النظر الی المنظر الاکبر شطر الجدار من المدينة و ما خلق فیها و کان علیها لان علی کل ذلک وقعت نظرة الله العزیز المهبمن القیوم قل ان یا جدار المدينة فطوبی لک بما استشرقت علیک من انوار شمس ربک العلی الاعلی ان یا اشجار المدينة فطوبی لکم بما هبت علیکم نسما ت القدس عن شطر البقا ان یا هوا المدينة فطوبی لک بما انبسط فیک هوا الله العزیز المقتدر المحبوب ان یا ارض المدينة فطوبی لک بما مشی علیک رجل ربک

(۱) زرقان قصبه ای است در فاصله ۳ کیلومتری شمال شهر شیراز و از توابع مرودشت است و در آن اوقات جزء حومه شهر شیراز بوده است.

الرحمن ومُرَّك هیکل السجان فی ایام التي كان الكل فی حیات انفسهم محتجون ثم امش الى ان تصل المدينة واذا فزت ببلقائها ووصلت الى بابها ضع وجهك على تراب الباب لتجد راحة فربك العلي الاعلى وتكون من الذين هماء الحيوان هم يرقون ...

در آن روز که نبیل اعظم به نیت اجراء مناسک حج و زیارت بیت مبارک بدرواز ه سدی شهر شیراز رسید وقتی بود که درواز ه بانان ت سازه درواز ه شهر را گشوده بودند و زار عین و چوپانان در راه بیرون رفتن از شهر از درواز ه خارج میشدند که نبیل پا بداخل درواز ه شهر گذاشت جده پدري نگارنده این سطور (مریم سلطان بیگم افنان) که در آن اوقات خانمی خانه دار و صاحب اولاد و همیشه مجری اوامرو صاحب حرم مبارک بود چنین حکایت میفرمود و بدفعات و کرات نقل کرد " زار عین و چوپانها مشغول بیرون بردن مواشی خودشان از شهر بودند که جناب نبیل زرندي با آن حالت بیخودی و انصاع و منزله از جمیع تعلقات بالسانی ذاکرو قلبی متذکرا ذکا رجمال ابهی و مستبشر به بشارت و فیوضات حضرت بهاء الله منقطعاً عما سواه در داخل درواز ه شهر بسجده افتاد زار عین و چوپانها از شهر خارج میشدند و هنوز مردم باز از تجارت که خودشان را با زنده نموده بودند وقتی مردمی که از حدود درواز ه میگذشتند جناب نبیل را با آن حالت بی خبری مشاهده نمودند پنداشتند که درویشی مصروع است که در حال بیهوشی و غش بر زمین افتاده آنها بدست و پا افتادند بخانه ها شان رفتند که گلاب و داروهای مخصوصی مردمی که غش میکنند برایش بیاورند ولی وقتی رسیدند که نبیل از آن محل دور شده بود " .

جناب نبیل آن واقعه را در آن صبحگاه چنین نقل میکند :

پس در هر مقام بر حسب امر عزیز علام عمل نمودم تا بدرواز ه شهر رسیدم با آنکه چند نفر سرباز و قراول دیدم سجده نمودم و دعای منزوا سده در سجده را تلاوت نمودم و حال منقلب شد چنانکه احدی را در آن وقت جز جمال ابهی نمی دیدم و در حال مناجات و خنین بودم که عازم طواف بیت مبارک شدم از یکی از سربازها صدائی بگوش رسید که این شخص خیلی اخلاص بشاه چراغ دارد . گمان نموده بود که این آداب برای زیارت شاه چراغ است . چون رو بر راه نهادم به یکی از احباب رسیدم بواسطه او آقا محمد رضا خیا ط (۱) را طلبیدم و خود تکبیر گویان مشغول طواف بیت گشتم چون از او پرسیدم که هر یک بقدر ثلث فرسنگ بجهت اتصال بیوت تکبیر گردور بیت را طی نمودم . بعد از طی هفت دور آقا محمد رضا و برادرش رسیدند ایشان را برای آوردن آقا نجفقلی از حافظیه بمنزل جناب زین المقربین فرستادم زیرا دو ماه پیش وارد شیراز شده به تبلیغ امر الله مشغول بودند بعد بنده با آقا محمد رضا بزیارت بیت مبارک رفتم ایشان از پیش بنده روانه شدند و بنده از آن عقب پس از هفت دوره طواف بیت به باب بیت رسیده سجده نمودم و مناجاتی که مخصوص آن محل مبارک بود در حفظ داشتم خواندم :

" اذ انا خربو جهک علی التراب ثم وضع خدک الیمنی علیه ثم قل بلسانی فسبحانک اللهم یا الهی هذا عبدک الذی قد انقطع عن کل الجهات و توجه الی جهة فردا نیتک و خلص نفسه عن کل ما سواک و توسل بحال جود عنا نیتک و قد جاء بتمنا مه الی میادین عز رحمان نیتک اذ اهاب یا الهی علی فوادی من ارباع عز قدس عنا نیتک و علی کینونتی من نفحات سلطان عز الطافک و لا تطردنی یا الهی عن بابک محروما و لاعن ظهورات شمس افضالک ما یوسا و انک انت المقتدر علی ما تشاء و انک انت المهیمن العزیز القدیر ....

و داخل شدم در کرایس مناجاتی مفصل : زروی سوره حج که پیشم بود تلاوت کردم و عمل را ختم نمودم و از آنجا پیش تر رفتن را ممنوع بودم " لان امام ذلک المقام یستفی انوار الذات ... "

و آن ایام از ارامل اسرای نیریز بجهت خدمت بیت مقیم بودند و حرم در بیت جناب آقا میرزا ابوالقاسم برادر بزرگ افنان کبیرتشریف داشتند و چون خدمه های بیت بنده را از پشت پرده صدا کردند برای نوشیدن چای ، گفتم بموجب امر الله جائز نیست و بواسطه آقا محمد رضا قدری از آن آب چاهی که حضرت اعلی از آن وضو میساختند خواستم نوشیدم و دست و رو را از آن متبرک نمودم سبحان الله حالتی از آن یافتم اعظم از سلسیل و تسنیم و احلی از حنت نعیم .

در این مقام اذن ورود و دخول به بیت مبارک به احدی عنایت نشده است و قلم اعلی به نبیل اعظم خطاب فرموده و میفرماید :

" اذ انا ختم زیارتک لانا ما اذنا احدا بان یتقرب الی الحرم زید من ذلک لان امام ذلک المقام یستفیئ انوار الذات عن وراء الاسماء والصفات و من دون ذلک رعا یة للادب الذی کان من احسن الصفات عند الله مالک الارضین و السموات و کذلک القینا علیک الامر بجهة واضح لا تخمین ... "

اگرچه این زیارت نامه به اعزاز نبیل زرندي نازل شده است ولی در حقیقت امری است کلی و عمومی و بر هر فردی از رجال پیروان شرع قویم که واجد شرائط منزله در کتاب الله میگردد و قاصد حقیقت است رعایت جمیع مناسک فرض و واجب است .

در اول این زیارت نامه خطاب به نبیل اعظم مرقوم است که :

اذا هاجرت عن نفسك وعن الدنيا و اهله و سا فرت الی الله ربک و بلغت مقام الذی را یت سوادا المدينة فانزل ثم قف علی موقفک و قبل الروح و النور و العزة و الشناء علیک یا مدینة الله ....

که این فصل از سوره حج بیت باید بعد از تغسیل و تحدید لباس قبل از ورود بشهر و در جایی که سوادا شهر شیراز پیدا میگردد خوانده شود .

در قسمت آخر این زیارت نامه به موضوعی اشاره شده است که برای استبصار دوستانی که این نوشته را میخوانند ذکر میشود . بعد از اتمام زیارت نامه و اکمال مناسک حج :

(۱) آقا محمد رضا خیا ط پدر مرحوم حاجی غلامحسین متحد و سر سلسله خانواده متحد شیراز است .



... وانا نحب بان يذهب من كل مدينة احد من قبلي ونفسه ليزور بيت الله ويكون من الزائرين تالله في كل قدم ينزل عليه الرحمة والعناية من سماء قدس منبر وحين الذي يرفع قدم الاولى ويضعه ليغفر الله ذنوبه وذنوب امه وابيه وكل ما يكون منسوب اليه وكذلك احاط فضل ربك كل الموجودات من الاولين والاخرين تالله من زار البيت كمن زار الله في سراق عزلقائه وخباء مجدجما له كذلك نخيركم من نباء الذي كان عند العرش عظيم ومن زار البيت بما علمناه وقد يعثه الله بعد موته في رضوان العزة والكبرياء على جمال يستضي من انوار وجهه اهل ملا الاعلى ويا مكل من في سموات العلى بان يحضرن بين يديه ويظوفن في حوله ويزورن جماله في كل يكوروا صيل...

در اين زيارت نامه قبل از شروع به انجام مناسك و قبل از تحریم و تغسيل مناجات و آياتي به تفصيل نازل گردیده و بعد از آن یعنی در جائي كه زيارت تمام ميشود مطالبی به تفصيل نازل شده است . خوشبختانه تمامي سوره حج در جلد چهارم كتاب آنا ر قلم اعلی سال ۱۳۳ بدیع خط نویسی و بجا برسیده و در دسترس احبای الهی قرار دارد .

نبیل اعظم بعد از تمام و اكمال زيارت بيت مبارك و احراء مناسك حج با اطمینان خاطر بمنزل جناب زين المقربین رفت و بدیندارو مصاحبت با احباب و اصحاب شرافت و زبان بتبلیغ برگشود و بیرون شرعیان را بظهور و طلوع شمس حقیقت ، موعودیان ، من بظهره الله اصل قدیم و نباء عظیم بشارت داد بطوری كه در شهر شیراز احدى از بابیه نما نكده مومن بظهور نبیر آفاق و نور ساطع از مشرق نشده با شد و نفسی نما نكده از كاسایمان نیا شامیده و از حریق مختوم مدهوش نگردیده باشد .

نبیل اعظم در دنیا له خاطر اتش در سفری كه برای حج بیت مبارك به نیابت از جمال اقدس ابهی مشرف شده با این مضامین مینویسد : روز بعد از ورودش بشیراز جناب حاجی میرزا سید محمد خال اكبر كه كتاب مستطاب ایقان در جواب اسفله ایشان نازل شده بود و مرحوم آقا میرزا آقاي افغان جدیدی نگارنده این سطور بملاقات ایشان رفتند و بشارت ظهور جمال اقدس ابهی راشنیدند و هر دو نفر ساجد شدند و چون امر شده بود در هر شهری كه زيارت نامه بیت مبارك برای احباء الهی تلاوت میشود آن روز را عید بگیرند و بر اسم و تشریفات عید عمل كنند حضرت خال اولین فردی از مؤمنین بود كه شما اقدام به برگزاري آن جشن فرمود و جمیع احباب را به باغ فراخواند و بنفسه المقدس در آن سنین پیری و كهولت در آن روز بخدمتگزاری احباب پرداخت . اشك میریخت و شكر میگردود دست نیایش باستان جمال كبریا مرتفع بود كه در ایام حیات توفیق زیارت یافت و دو مظهر ظهور را زیارت کرده است و مورد عنايات مالانها به هر دو مقام رفیع بوده است . در آن روز كه حضرت خال آن جلسه را ترتیب داد و روز اول عید محسوب شد و زیارت نامه بیت تلاوت شد و آن روز يكمال سرور و خوشی گذشت و امر مبارك احراء شد و ذكر كلمه الله ابهی " از این روز در جمیع احباب شیراز معمول گردید .

حضرت خال در آن روز از جناب نبیل خواهش كرد كه بمناسبت آن روز و برگزاري آن جشن شعری بیا دگار نشاند نما یی جناب نبیل بالبداهت قصیده مفصلی سروده است ولی متاسفانه تا بحال نسخه ای از آن اشعار بدست نیا مده امیدا است كه آن اشعار شیوا كه حاكي از شدت شور و شوق و حرارت قلب و انجذاب فؤاد است روزی بدست آید .

در مورد بیت مبارك از جناب نبیل قصیده ای با خط خودشان باقی كه مربوط به تعمیرات و خدمت بیت مبارك است و با این مطلع شروع میشود

حان فدایت ای بهاء العاشقین ای بخلصان داده صهای یقین

بعد از برگزاري آن جشن و احراء آن مراسم با احباب تاسی حضرت خال كردند و آن ایام بقول جناب نبیل " باغ بوستان و گلزار و گلستان عرصه برگزاري ایام عید و محل اجتماع و انعقاد مجالس اهل بهاء شد و ذكر كلمه الله ابهی از روز اول عید در شیراز معمول گردید " بطوری كه گذشت بعد از استخلاص بیت مبارك از دست غیر چندین سالی بیت مبارك محل سكونت احباء مورد احترام و صاحب اعتبار بود و اگر بحسب ضرورت بعضی از احباب قصد زیارت بیت مبارك را مینمودند در خفا و در كمال حزم و احتیاط بود . این وضع ادامه داشت تا وقتی كه سرکار منیر خا ن حرم حضرت عبدالبهاء با تفاق والده شان به راهنمایی و همراهی جناب شیخ سلمان علیه رضوان اللعوبها تشبیر از آمدند و مدت ۱۵ روز در بیت حرم مبارك حضرت نقطه اولی و محضراشان بسر بردند و میهمانان بودند . در روز ۲۲ دیسمبر ۱۸۷۱ موافق ۲۹

رمضان ۱۲۸۸ در وقت عزیمت سرکار منیر خا نم از شیراز حرم مبارك بوسیله ایشان سرچارا از استان جمال الهی نمودند كه هر سه استدعای ایشان بدرجه قبول مقرون گشت و یکی از آن سرچارا استدعای اجازه تعمیریت مبارك و سكونت ایشان در آن مقام مقدس بود . بعد از حصول اذن و اجازه از حضور حضرت بهاء الله مرحوم آقا میرزا آقاي سابق الذكر همشیره زاده حرم و آقا سید علی افغان برادر زاده ایشان كه در آن اوقات در شیراز میزیست بنا به میل و اراده حضرت حرم مشغول تمشیت امور بنائی بیت مبارك شدند و كار تعمیر و بنائی بیت را به مرحوم استاد عبد الرزاق معمار كه در عداد احباء آن ایام بودا حاله نمودند و خود نیز مراقبت و سرآوری داشتند .

حرم مبارك مایل نبودند كه بنا و هندسه ساختمانهای بیت شایهتی به ایامی كه با حضرت اعلی در آن بیت زندگی میکردند داشته باشد تا تحمل زندگی در آنجا را بتوانند لذا برای امثال خواسته ایشان در اینیه بیت مبارك تغییراتی داده شد تعداد طاقها به دو باب بالغ شفقهای حیاط و وسعت یافت و حوض آن خانه از محل خودش تغییر كرد و تا ممكن بود سعی شده شكل و ترکیب آن بیت تغییر نماند در آن مقدمه وجه مخارجنائی را جمال قدیم عنايت فرموده اند بعد از اینکه كار بنائی بیت مبارك اكمال پذیرفت چون آن دوا طاق برای زندگانی حضرت حرم كافیه نبود خا نه كوچکی در سمت شرق بیت مبارك از شخصی با سماع محمد جعفر جدید خریداری شد و بحسب تجویز و صلاح اندیشی بزرگان فامیل حرم مبارك از حاجی میرزا عبد الحمید كه از اهل احباب دوره بیان و مومن بشریعه مقدس بھائی و عیالش صیه حضرت حجت زنجانی بود خواهش فرمودند كه در آن خانه ساكن شوند صیه حضرت حجت از بدو ورودش بشیراز و آشنا ئیش با حضرت حرم همیشه مناسك دم



و مصاحبان بودند و موافقت و بیگانگی خاص داشته است و برای اینکه آموشدها از طریق کوچه صورت نپذیرد که بیت مبارک مورد توجه اغیار قرار گیرد راه روی زیرزمینی از آن خانه به بیت مبارک بنا کردند.

تعمیرات بیت مبارک و خرید خانه مجاورش و کارهای وابسته با آنها در سال ۱۲۹۲ هجری تمام شد و حرم مبارک که بعد از هجرت والدۀ حضرت اعلیٰ، بخانه خال اعظم تشریف برده بودند مجدداً به بیت مبارک رجوع فرمودند.

تعمیر بیت مبارک و سکونت حرم اعلیٰ و ایاب و ذهاب اماء الرحمن و گاهگاه شرفیابی بعضی از رجال فامیل که بنا به امر شهرت داشتند مطلبی نبود که از نظار اغیار و معاندین پنهان ماند علی الخصوص سکنه آن کوچه که همه یهودی های مسلمان شده و متطلب و بعضی از مسلمانهای قشری و متعصب بودند. بعد از یکسال و نیمی که حرم مبارک در بیت تشریف داشتند معتمدالدوله فرها دمیرزا که هم‌عالم با سواد بود و همه قسارت قلب و بی رحمی متصف در جمادی الثانی ۱۲۹۳ هجری بحیثی خان معتمدالملک والی فارس شد.

مردم آن محله را این فرصت استغاده کرده شکایت به معتمدالدوله بردند که با زحمانه سید باب در کوچه شمشیرگرها مورد توجه و زیارت با بیها قرار گرفته و بدون بیم و هراس آموش میکنند و زنی از مقدسین آنها در آن خانه ساکن شده است. معتمدالدوله را که بمسلمانی خُشودش مینا زید و در تظار و عوام فریبی یدی طول داشت، بان حبهیجان آوردند و برانگیختند که خودش بشخصه تصمیم به تخریب و تدمیر بیت مبارک گرفت. در دوره حکومت معتمدالدوله در فارس دونفر از اعیان مرحومان میرزا ابوالحسن خان منشی باشی و میرزا زین العابدین خان علی آبادی منشی حضور و محرم اسرار و مورد اعتماد او بودند و در آن گفت و شنودها نیز حضور داشتند. هر دونفر شبانه بمنزل مرحوم آقا میرزا آقا رفتند و او را آگاه کردند که علی الفور حرم مبارک از بیت خارج شوند و بیت مبارک تخلیه گردد که اگر خدای نخواسته اهانتی به بیت شود حضرت حرم در بیت نیا شد.

مرحوم آقا میرزا آقا در همان وقت حرم مبارک را بخانه خودش برد و دونفر از مومنه های تبریز را که از باماندگان شهادت نیریز بودند در بیت ساکن گردانید. اشیاء و اسباب حضرت حرم را که حمل و نقلش در شب مشکل بود بمنزل حاجی میرزا عبدالحمید انتقال دادند. در آن شب مرحوم آقا محمدعلی کاشانی مستخدم مرحوم آقا میرزا آقا خیلی کوشید و جمیع امور را تمشیت داد.

آن دو خانم نیریزی که به بیت مبارک آمدند یکی پیرو فریاد و ناله و بیهوشی دختران و بچه ها از مادرش پرستاری مینمود. روز بعد که معتمدالدوله قصد تخریب بیت مبارک را داشت آن دونفر بعناوین مختلفه معتمدالدوله را قانع کردند که قبل از هر اقدامی از اول تحقیق کنند که معلوم شود آیا آن شکایت با اساس و درست است و یا اینکه با عرض مطالب واهی مخالفان حکومت در کار هتک حرمت و حیثیت شاهزاده میباشند که بگویند: بسرفا تحرات مسخره و اباش والواط شد. آن دونفر طوری مطالب را جلوه دادند که فرها دمیرزا قبول کرد قبل از اقدام بهر کاری ابتدا از کم و کیف موضوع اطلاع حاصل نماید و بعد اقدام مقتضی معمول دارد. بنا بر این به طبیب خاطر آن دونفر را ما مورسیدگی بآن موضوع نمود میرزا ابوالحسن خان و میرزا زین العابدین خان از او خواهش نمودند که فرها شاهی شاهزاده نیز آنان را همراهی کند. به داووعه شیراز نیز حکم شد تا آن سه نفر را به بیت مبارک راهنمایی کنند هر چه را تفریه بیت مبارک رسیدند و در آنجا بغیر از آن زن معلول که با حالتی نزار و مفلوک میرسد و دخترش کسی را ندیدند آن دو مظلومه بطوری صحبت کردند که برای منشی باشی حالت رقت پیدا شد و مبلغی نیز بعنوان مساعده تقدیم نمود و به معتمدالدوله خبر دادند که آن شکایت دروغ و بی اساس بوده و غیر از دونفر زن تنگدست و فقیر کسی در آنجا نیست. آن دو بان تدبیر بیت مبارک را از اذانت و توهین نجات دادند.

شش ماه بعد از آن مقدمه محدّد حضرت حرم در بیت مبارک سکونت اختیار فرمودند و لیکن ایاب و ذهاب اعیان با نهایت تدبیر و حکمت صورت میگرفت. بعد از نزول کتاب اقدس و معرفی مقام و مرتبه بیت مبارک به اهل بها شور و شوق اعیان نیز از برای زیارت بیت مبارک بیشتر شد و لیکن بدون کسب اذن و تحصیل اجازه قبلی از حضور حرم مبارک میسر نبود.

حرم حضرت اعلیٰ در روز دوشنبه دوم ذیقعدۀ ۱۲۹۹ هجری قمری سه ساعت بغروب آفتاب در بیت مبارک برفیق اعلیٰ و ملکوت ابهی شتافتند و در همان روز مقارن غروب آفتاب فضه کنیز با وفای ایشان در همان بیت الهی بخت ابهی خرامید.

بعد از صعود حرم مبارک لوح تولیت (۱) بیت نازل شد و پرده داری و جاکشی آن مقام مقدس به زهرا بیگم اخت حرم مبارک عنایت و تفویض گردید. چون زهرا بیگم اخت حرم زیارت آن فرمان افتخار حاصل کرد خانه و کاشانه اش را در جوار مسجد جامع شیراز را که در بیت مبارک ساکن شد و تا حین الفوت در آن مقام مقیم و ساکن بود.

در سال ۱۳۰۷ قمری اخت حرم در بیت مبارک بملکوت ابهی صعود کرد و بعد از ارتحال ایشان جمال قدم جل ثناؤه مرفر نمودند که اهل و عیال آقا میرزا آقا که برادرزاده و عروس بی بی زهرا بیگم اخت حرم بودند کلاً برای تشریف بحضور مبارک به اراض اقدس بیرون و در آن وقت خدمات بیت مبارک را به میرزا جلال پسر دوم آقا میرزا آقا حفیظ زهرا بیگم محول ساختند.

سال ۱۲۹۶ در اوقعه شهادت نورین نیرین سلطان الشهداء و محبوب الشهداء در امفهان چون آقا میرزا آقا در شیراز طرف تجارت و محاسبات آن دوبرابر بود و با هم رابطه تجارتی و دوستی عمیق داشتند بزرگان طائفه بواسطه شهرتی که آقا میرزا آقا بنا به مرور رابطه که با آنها داشت از ترس اینکه ایجا دزحمتی برای آقا میرزا آقا بشود و همه بزمحت دجا برگردند در ظرف مدت ۲۴ ساعت روانه هندوستان کردند. ایس سرعاً جلانه تا مراجعت با ردیگر و بشیر از مدت ۱۶ سال بطول انجامید. او بعد از اینکه ده سال در بمبئی تجارت میکرد دستگاه کار و تجارت

خودش را با قاهره و بعد از آن به امر مبارک به پرتسعيد منتقل نمود و لکن شعبه کارش در اسکندریه و قاهره ادامه داشت  
بعد از صعود جمال قدم را ثقه نقض مرتفع شد و طیور لیل به پرواز آمدند و خفاشان حقوده نغمه و آواز پیدا کردند و بمخالفت با حضرت عبدالیهاء  
برخاستند و از هیچ جاسارت و اهانته مضایقه و دریغ ننمودند و به وسیله اعوان و انصار که داشتند و راق ناریه بگوشه و کنایران رسال  
داشتند و از جمله آن ناقضین سر سخت شخصی بود بنام حاجی حسیعلی از مردم جهرم که در آن شهر بنای تخدیش اذهان و بخش را جیف و با طیل  
در جامعه احباء جهرم را گذاشت و باین مناسبت در سال ۱۳۱۱ هجری حضرت مولی الوری امر فرمودند میرزا آقا بشیر از مراجعت کند و در تذکر  
و توجه احباب از همسان متوفکه اهل نقض بکوشد. او در آن سفر با ردیگر موفق شد که بیت مبارک را بهمان صورتی که تغییر کرده بود تعمیر  
کند و پس از تمشیت اموری و امور شخصیش در او خرسال ۱۳۱۵ هجری عازم مراجعت به اراض اقدس و زندگانی در پرتسعيد شد. چون در آن  
اوقات هیچکدام از اولادش در شیراز نبودند تا چارشد با دیگران زماندگان همان احباء نی ریز مخدره با سم طوطی جان و دخترش را بخدمات  
بیت مبارک بگمارد آنهارا در خانه سمت شرقی بیت مبارک که از راه زیر زمین با بیت مبارک راه داشت سکنی داد و راتیه ای برای امرار  
معاش و زندگی آنها و احیاناً برای تهیه وسایل پذیرائی از اشرافین که در ایام منصوصه به بیت مبارک میآمدند ترتیب داده با فراغت بال  
بخدمت بیت مبارک پرداخت و زند و خودش بسفر رفت.

بعد از تشریف به اراض مقدسه روضه مبارکه و تشریف بحضور مبارک حضرت عبدالیهاء به پرتسعيد مراجعت کرد و با زسرکرم کار  
تجارت شد.

در سال ۱۳۱۷ لוחی به اعزازش نازل شد که در روی پاکت آن لوح مرقوم است (بسیار محرمانه) و در صدر لوح که با خط مبارک نازل شده است  
(البشارة محرمانه) در آن لوح مرقوم شده است که اراضی مقام اعلی که بلحاظ مبارک جمال قدم مشرف شده است بزمخت خریداری شده و صندوق  
عرش مبارک بوسیله آقا میرزا اسد الله صحیحاً و سالمأ با اراض اقدس و اصل شده و نیز برنگون سفارش ختن صندوقی از مردم داده شده است و  
عنقریباً مشغول بنای مقام اعلی در کوه کرمل خواهد شد و شما را خواهد خواست تا با ما در سنگ و گل کشی آن مقام مقدس شریک و سهیم گردی  
و اقتباس فیوضات غیر متناهی کنی. در آن سال احضارش فرمودند و چند ماهی مشرف بود چون امورا ملاکش در شیراز و آباء ده معوق مانده بود  
با کسب اجازه و اذن مبارک در سال ۱۳۱۸ با جمیع افراد اعلا شایر از آمدند.

ورود و بشیر از و حضورش در محافل احباء موجب شور و استقبال تاز شد و با عرق عصیت قوم جهول حرکت آمد و در معابد و تنگایا صحبت از  
بابیان بمیان آمد و لکن اما مجمع به ترتیب که بود آن سروصداها را خوا با نید. مؤید الدوله حاکم شیراز معزول شد و شعاع السلطنه بجایش  
منصب گردید. بعد از یکسالی حکومت که در فارس داشت اختلافاتی بین او و محمد رضا خان قوام الملک پیش آمد که کار به بلوای مردم شیراز  
کشید و چون در آن اوقات مرحوم شیخ الرئیس در شیراز شهرتی داشت و مورد احترام تمام طبقات مردم بود و بمناسبت انتسابش با قاریه  
همیشه طرفداری از شعاع السلطنه مینمود و چون از گوشه و کنایه رهایی بودن شیخ الرئیس زبان زد بعضی از علماء و اعیان شهر که از طرفداران  
قوام الملک و در پی عزل شعاع السلطنه بودند و آن موضوع را نیز بهانه نمودند و کار به آنجا رسید که با زیای امر بمیان آمد و لکن دولت  
وقت هوشیار بود شعاع السلطنه را از حکومت فارس عزل و آصف الدوله بحکومت فارس منصوب شد و هم نتوانست بیش از یکسال در شیراز و فارس  
حکومت کند مشایر به نیز عزل شود و در او آخر ذی حجه ۱۳۲۰ شیراز را ترک نمود و بجایش میرزا احمد خان علاء الدوله بحکومت فارس نصب شد.  
و رود علاء الدوله بشیر از در اوقات بود که بنای بلوایی در یزد و اصفهان علیه بانیان در دست اقدام بود که با آخره منجر به مذهب کبری و  
شهادت هشتاد و چند نفر از احباء مظلوم در یزد و حوالیش شد و احباء اصفهان به قونسل خانه روس پناهنده شدند که با آخره منجر بشهادت آقا  
محمد جواد صراف شد (۱) در وقت ورود علاء الدوله بشیر از در شیراز هم صحبت از شورش و ضوا بر علیه احباء بود و لکن تدا بیر علاء الدوله آن  
فتنه را خاموش ساخت و شیخ ابوبحیی اما مجمع بشیر از توانست منویات خاطر علاء الدوله را با اندرز و نصیحت بمردم شیراز تلقین نماید.

در همین اوقات مرحوم حاج سید مهدی افغان ابن خال اصغر خانه ای در محاورت بیت مبارک که دیوار به دیوار بیت مبارک بود خریداری و  
تقدیم نمود در آنوقت دیگر بیت مبارک از صورت مسکون بودن خارج شد و تنها به احتفال و تشکیل محافل در ایام محرمه اختصاص یافت در همان  
گیرودار و بروز آن وقایع مهیبه از ساحت اقدس لوحی به اعزاز و افتخار آقا میرزا آقا عزت زول یافت که در آن لوح تاکید شده بود بیت مبارک  
را بر اساس اصلی و هیئت و هندسه اولیه در ایام حضرت رب اعلی بنای نماید و لمحه و آنی تهاون و تعلل رواندا رد و در طرف دوهفته دیگر دولوح  
امنع اقدس به افتخارش نازل شد که تاکید کرد بر شروع بنایی بیت مبارک فرموده اند و امر شده که آن بنا بقدر رأس شعری تغییر نیابد و از هر  
لحاظ بمانند همان بیت در ایام حضرت نقطه ولی باشد.

در یکی از آن الواح قلم میثاق باین بیانات مبارکه ناطق است قوله حل کبریا که :  
"هر چند در این ایام ولوله در آفاق افتاده و زلزله در رکان عالم انداخته ابواب بلایا و مصائب مفتوح و طوفان امتحان و افتتان موجود در  
چنین قیامتی بنای بیت محترم عظیم است" الی آخربیان المبارک  
برای استحضار احباء الهی سواد یکی از آن الواح مبارکه را زینت بخش این مقاله مینماید.

(۱) رجوع کنید به کتاب "انحلال المجلسین تالیف مجد الاسلام کرمانی.



## هو اللـه

"ایها الفرع الرفیع من السدرۃ الرحمانیہ آنجہ نگاشتید معلوم و واضح شد محمد خدا را کہ ما موربہ بنای بیت مکرم گردیدید قدر این موهبت را بداند و اللہ الذی لا الہ الا هو کہ حقائق روحانیہ نفوس مقدسہ در ملا علی طوبی لک من هذا ندا مینما بندوبیا حیدبا حیدبا دبر آرتند آنجا حبابی الہی بجهت تعمیر بنای بیت معظم تقدیم نموده اند مقبول و مرغوب و همچنین اگر من بعد نفسی بہ نہایت آرزوچیزی تقدیم نما ید بجهت آن بنای مقدس قبول نما شید و مرقوم دارید ہر چند در این ایام ولولہ در آفاق افتادہ و زلزله در ارکان عالم انداختہ ابواب بلایا و مماثلہ مفتوح و طوفان امتحان و افتتان موجود در چنین قیامت بنای بیت محترم عظیم است و سبب فرج و سرور و قلب حزین کار این است زیرا در وقت امن و امان ہر کس ہر کاری تواند ولی در وقتی کہ با دوبا را ن شدید و برف و تگرگ و رعد و برق و ما عہ عظیم زہر جہت بی دربی و گردباد محیط در چنین مصیبتی در قطب دریا و طوفان اعظم اگر خدا شرا عیگشا ید قوتی بنما ید و لادرگون دریا ہر بینوا بادبا ن باز کند و کشتی براندا ن هذا من فضل ربی الرحمن الرحیم ع

بعد از وصول الواح مقدسہ و قبل از شروع بہ بنائی بیت مبارک از ہشت نفر از معارف بہائیان شیراز دعوت نمود کہ با خود جلسہ ۹ نفری بیا رانند و الواح مبارکہ را تلاوت کنند و زیارت نمایند و تصمیم خود را بشروع بہ بنائی با آنہا گوش زد کنند آن عدہ عبارت بودند از بشیر السلطان - موقر الدولہ - موبد السلطنہ - عندلیب - آقا میرزا آقا معاریب - میرزا محمد باقر خان - آقا میرزا آقا افغان حفیہ خاں اکبر و مرحوم آقا سید حسین افغان.

این عدہ در بیت مبارک مجتمع شدند و زیارت الواح مبارکہ برداشتند و ہر یک بدلائلی تعویق آن اقدام را پیشینہ داد کردند و در آن مجلس آقا میرزا آقا بر شفت و با حرا رت گفت مقصود من از دعوت شما آقا یان این نبود کہ مجتمع شوید و در برابر نصوص الہیہ اجتناب کنید بل کہہ این دعوت برای این بودہ است کہ استحضار داشتہ باشید فردا صبح کہ روز پنجم جمادی الاول و یوم بعثت مبارک است بوسیلہ معمار رباشی شروع بہ بنائی خواہم کرد و مطمئن و متیقن بہ تأییدات ملکوت الہی و قوای ملکوتی حضرت عبدالہاء ہستم کہ در ظاہر و باطن موبد و ظہیر است . خواہش من برای تشکیل این جلسہ استحضار شما آقا یان بود کہ در خانہ مرا قبلاً شید در میان مردم صحبتی پیش نیا ید کہہ در کار عا یقی حاصل شود .

در صبح روز پنجم جمادی الاول ۱۳۲۱ ہجری مرحوم معمار رباشی کہ معمار دستگاہ حکومت بود و جمیع امکانات را از ہر لحاظ در دست داشت با عطلہ و شتاب و گماردن چہل پنجاہ (۱) نفر عملہ و بنا در آن محوطہ کوچک مشغول بکار شد و مرحوم آقا میرزا آقا کہ تغییرات اولیہ بوسیلہ خود انجام شدہ بود و جمیع گوشہ و زوایای بیت را میدانست در معیت معمار رباشی شالودہ های اولیہ کہہ در زیر خاک مدفون شدہ بود بدست آورد و بر روی آنہا بنای بیت مبارک را همانند آنجہ کہ در ایام حضرت رب اعلیٰ بودینا کرد و بیت مبارک را بر اساس طلیہ و بنای اولیہ مرتفع ساخت و شب و روز کوشید کہ مبادا عا یقی پیش آید . در ظرف مدت یکماہ و نیم جزا ہا استوار شد و سقف ہا پوشیدہ شد و با مصالح کارہای سفت کاری بیت مبارک خاتمہ پذیرفت و نازک کار و گچہ را مشغول سفید کردن اطاقہا و نصب بعضی از درہا کہہ سا ختہ شدہ بود شدند و لکن عمر آقا میرزا آقا بہ اتمام بیت مبارک اکتفا نکرد و در اثر ضربتی کہ بسرش وارد آمد و زخمی کہ بہ پایش خورد در روز ۲۴ شعبان سال ۱۳۲۱ بمملکت الہی صعود نمود و تا آخرین دقیقہ حیات مراقبت کرد کہ محلی بلا ماول و برخلاف آنجہ بودہ است سا ختہ نشود .

مرحوم آقا میرزا حسن ادیب در آن اوقات بشیرا ز آمدہ بود و چون مجالس فاتحہ و ختم مرحوم آقا میرزا آقا در بیت مبارک انعقاد یافت مرحوم ادیب در آن جلسات حاضر بود و در تارخچہ ای کہ از او بیا دگار است با این موضوع اشارہ میکند کہ ہر یک از متقدمین احباب کہہ بیت مبارک را قبل از تغییر بنا پرداختہ اظہار مینمود کہہ این بیت گما و کیفاً همان خانہ حضرت اعلیٰ است کہہ بصورت اول و دورہ ایام مبارک بودہ است آقا میرزا آقا جمعا از شروع بنائی تا وقتی کہہ بیت مبارک را بصورت خانہ مجہز در آورده بود مدت ۷۹ روز در قید حیات بود . بعد از اینکہ خوردہ کاری های بیت مبارک تمام شد مرحوم حاجی میرزا بزرگ افغان گزارش آن را توسط مرحوم آقا سید تقی منشادی بحضور مبارک عرض کرد حضرت مولی الوری و را با این خطاب مہمبن خطاب فرمودہ اند :

(۱) علت آنہمہ تعحیل و سرعت در کار علی الظاہر ترس این بود کہ مبادا عا یقی در ضمن کاریش آید و مواجہہ مخالفت و سروصدای مردم شیراز شوند و در نتیجہ مانع از ساختن بیت مبارک شوند . در صورتیکہ حکمتی الہی داشت کہ ہر ہمہ کس مکتوم بود و در اینوقت معلوم شد کہ حکمت آن تاکیدات مبارکہ حضرت عبدالہاء بر تسریع در کار آن بودہ کہہ مدتی آقا میرزا آقا در این عالم محدود است و زمانی مختصر بہ عمرش باقی است و اگر اوفوت میشد ہندسہ بنای بیت مبارک نیز از میان میرفت و دیگر کسی از عائلہ افغان نبود کہ آن بنا را با ظاہر داشتہ باشد .





# نطق جناب دُکتر نجی بعد از تخریب بیت مبارک شیراز

(تمثیل از دی نواز کاست)

دوستان عزیز و محبوب

ولوله در شهر نیست جز شکن زلف یار

فتنه در آفاق نیست جز خماب روی دوست

به کمال شکرانه و سرور ملاحظه میکنیم که در جبهه<sup>۱</sup>  
این جهان منقلب و پرا بتلا چگونه اهل بها  
وبرگزیدگان حضرت کبریا و را کبین سفینه  
حمرا و مقتبسین از نور هدی با قلوبی سرشار  
از عشق و امید و تسلیم و رضا متوکلأ علی الله  
منقطعاً عما سوا به جرای وظائف خطیبره  
روحانیه خویش مشغول و مألوفند و در میان  
طوفان های شدید و هول انگیز مستولی بر  
عالم انسان مشاهده مینمائیم که چسان ببا حان  
قلزم کبریائی و طائران هوای عزّ سبحانی  
به کمال صبر و متانت و سرور و استقامت مشی  
انحراف ناپذیر خود را در مسیر اجرای رسالت  
روحانی اهل بها در عصر تکوین دور الهی  
ادامه میدهند و در این شاهراه زرینی که به  
خون ۲۰۰۰۰ شهید رنگین شده با قدمهای  
استوار پیش میروند.

دوستان عزیز ترا زدل و جان در هنگامه این  
بزم روحانیا که جام بلا بدور آمده و سرود عشق  
و فدائین افکنده و رتبه "قوموا علی النصر  
به کلیتکم و اتفقوا ما و همکم ربکم و با ربکم"  
جان و روان مشتاقان را اهتزاز جدید بخشیده  
ملاحظه فرمودید که چگونه با ردیگر روح مظلومیت  
مولای فرید و شهیدمان از عالم بالا جلوه ای  
تا زده نمود و همچنانکه در عصر رسولی قطرات  
خون مطهری که از سینه حضرتش بر خاک ریخته  
شد شجره طیبه الهیه را سقایه فرموده بود حال

نیز در میان طوفان بلایای وارده برایین  
جمع مضطهدان شکوه مظلومیتش تجلی تازه نمود  
و تخریب بیت مبارکی که مظاف اهل بها  
و جلوه گاه عشق و ایمان میلیون ها انسان در  
سراسر جهان بودا و ج مظلوم و مصائب وارده بر  
این مظلومان دل خون را محقق ساخت. هر  
چند عاشقان روی دلجوی او و افتادگان مخمور  
کوی او هرگز به خاک و گل ناظر نبوده و نیستند  
و به یقین مبین میدانند که شرف آن بیت  
مبارک در آن بود که روزگاری ندای آسمانی  
موعودا مآز آن برخاسته بود حال اگر بیت  
مطمور و خراب است رب البیت بر کرسی عزت  
و جلال ابدی جالس و ندای او در سراسر کره  
ارض در قلوب پر شور پیروانش از همه قبائل  
و امم طنین افکن میباشند تا عیکه مژده تحقق  
اعظم و عودا نبیا و رسل و تجلی آثار اولیّه  
مدنیت لاشرقیه و لا غربیه الهیه را در آفاق و  
انفس منتشر میسازد. این ظلم شدید هر چند  
قلوب اهل بها را شدیداً جریحه دار ساخت و  
چشمان میلیون ها انسان در اقطار جهان از  
تألم آن خون گریست ولی تردیدی نیست که  
طبق سنت الهی طلیعه ظهور و بروز امدادات  
غیبیه و حصول انتصارات بدیعۀ روحانیه در  
سراسر جامعه های انسانی خواهد بود. طنین  
کلنگها عیکه بدست ظالمان بردیوارهای  
بیت مبارک منسوب به آن مولای مظلوم و شهید  
اهل بها زده شد خاموشی و سکون نخواهد داشت  
بلکه امواجی از روح مظلومیت و فدا در آفاق  
منتشر میسازد و علی الخصوص در مهد مرا لاله  
باین مشتاقان جان بر کف روح و شوری جدید



میبخشد و درسی تازه از مراتب عشق و جانبازی میآموزد.

دوستان عزیز روز این وقایع و حوادث ما را بر آن میدارند که با ردیگر نظری برای این عالم مضطرب و پیرا انقلاب اندازیم و جالس برکرسی رفیع امر الهی و مستفید از بصیرتی که آیات و بشارات نازل از اقسام مبارکه طلعات مقدسه این آئین نازنین در درک و فهم و آگاهی بر مسیر حوادث جهان به پیروانش بخشیده ظهور و عید الهیه را بچشم ظاهر مشاهده کنیم. عدم کفایت و نارسائی نظامات کلی برای تنظیم روابط روز افزون بین ملل و تضاد آشتی ناپذیر سیستمهای مختلفه اقتصادی که مبتنی بر رقابت های ملی و فاقه روح عدالت و انصافند در قلب یک مدنیت محروم از تربیت الهی شرایط مصیبت باری بوجود آورده است که صاحبان عقل و بصیرت اضطراب و نگرانی بر آن نظاره میکنند. فساد و تعدی در حیات فردی که موجب مرگ شخصیت اخلاقی انسان عصر ما شده، آشوب و اختلال در حیات اجتماعی که باعث یروزمشاکل روز افزون در جامعه های بشری گردیده، جنگ ها و کشتارهای متنوعه مولود تضاد سیستم های اقتصادی که آتش آنها مستمراً متوالیاً در نقاط مختلفه عالم شعله ور میشود و هر روز بر دامنه و وسعت و شدت آنها افزوده میگردد، اتلاف منابع قدرت و انرژی متعلقه به نوع آدمی، استیلای روح نگرانی و عدم امنیت و وحشت از حوادث خطر فردا که در قلب همه جا معها از فقیر و غنی حکم فرماست فقط رؤس مشاکلی است که باختصار کمال میتوان از آنها نام برد. در این میان تکنولوژی متمدنی عصر ما با پیروزیهای اعجاب آورش چهره حیات بر سطح کره خاک را سریعاً و عمیقاً دگرگون ساخته جا معهای انسانی در شمال و جنوب و شرق و غرب را شدیداً بهم مرتبط نموده و به نوبه خود به بیداری توده های محروم ورنج دیده عالم کمک کرده است. در حالیکه

به برکت این تکنولوژی روز بروز استیلای بشر بر منابع انرژیهای مودوعه بر کمره ارض که با راده های قدیر برای رفاه و آسایش نوع انسان مقدر گردیده بیشتر میشود با کمال تأسف و تحسّر شاهد آنیم که چگونه این انرژیها برای جنگ و قتال و کشتار و ویرانی در گوشه و کنار عالم انسانی مصروف میگردد. حضرت ولی مقدس امر الله تصویر این جهان منقلب و پیرا بتلار چنین توصیف فرموده اند:

"از جهتی مقدمات حدوث انقلاب عظیم اعظم و وقوع عذاب کبیرا کبر در عالم فراهم و آثار نفاق و بغی و بغضا و انشقاق در مجمع نمایندگان ملل و امپیدیاد رقابت و خصومت در بین دول و اجناس و ادیان و طبقات آنجا فتنه در آید و دو مکیا دسیاسیه و دسائس حزبیّه و منازعات دینیّه و مخاصمات جنسیّه در انتشار معدّات حربیه و آلات جهنمیّه و وسائل نصف و حرق و بوار و رومادر در اکثر ممالک و دیار مهیا و سیل محن و آفات گوناگون از هر سوئی منهدم و بحران اقتصادی شدید مشاجرات بین رنجبران و سرمایه داران متزاید، نگران تعصبات جنسیّه و دینیّه و سیاسیّه مشتعل، وجه عالم متغیرونظم جهان مضطرب و ارکان مدنیت متزعزع، دول غافل و ذاهل و امم بر اصنام و اوهام عاکف، سراج دین مستور، دکان فساد متصاعد، افکار مشوش، آراء متناقض، عقاید متزلزل، نفوس در غمرات شهوات مستغرق، مفاسد اخلاقیّه منتشر، عرش سلاطین منهدم، و حنین اغنیاء مرتفع و ناله و فغان ایتم و ارامل و فقر و غربا و اسرا به عنان آسمان متواصل".

دوستان عزیز و قوع این حوادث مقارنت کامل دارد از یک طرف مستقیماً با انتشار سریعی پیام نجات بخش حضرت بهاء الله و استقرار متین و تدریجی ارکان نظم جهان آرای الهی و از طرف دیگر بنحوی غیر مستقیم با ظهور روح انتباه و بیداری در نفوس و عقول و توجه روز افزون مردم جهان باین حقیقت



فا طعه که اگر بنا با شد بر روی کره ارض تمدنی باقی بماند ما محتاج به تربیت انسانی جدید و استقرار نظم بدیع و جهانی ما فـوق رقابتها و منازعات ملی هستیم و وقتی بیا د آوریم که این همان سرنوشت مقدری است که عالم انسانی تحت تاثیر قوای خلاقه و وحدت بخشنده امر الهی بسمت آن سیر میکند احساس میکنیم که بفرموده مبارک "و جهانیان بجآن در جستجوی تو"

دوستان عزیز هر قدر حال و آتیه نزدیک افق عالم تیره و تاریک شد هر قدر طوفان بلایا و مصائب مستولیه شدید و هول انگیز و انقلابات و اضطرابات جامعه های بشری عمیق و مداوم و دامنه مناقشات و منازعات بین آنها وسیع و شدید باشد ما اهل بها در راه ایفا و اجرای رسالت عظیم روحانی خویش برای نوع انسان احساس مسئولیت بیشتری میکنیم مسئولیتی که به حیات حقیر و ناچیز انسانی ما بزرگی و شکوه میبخشد و در عین حال توکل به تائیدات غیبیه الهیه و مداخلات لایبیه بما میدهد و اطمینان میدهد تا از موانع حالیه نهراسیم به ضعف و عجز خود نظر ننماییم به عظمت و اقتدار خداوند مقتدر خویش ناظر بها شیم برا و توکل نماییم و این توکل و تفویض را در مسیر خدمات روحانیه توشه راه سازیم .

خاتمه این مقال را به کلمات گهربار حضرت ولی مقدس امرالله زینت میبخشیم که تحقق و عود الهیه را در میان همه انقلابات و اضطرابات جهان کنونی به زیباترین وجهی بیان میفرمایند .

میفرمایند : "عاقبت الامر طغیان این طوفان منتهی به انقلابی گردد که شبه آن لاجرم عالم ندیده و در هیچ تاریخ ثبت و مدون نگشته و این انقلاب اعظم بنفسه ممدآئین الهی است و مؤسس وحدت عالم انسانی ، تعصبات را زایل نماید و کافه دول و امم را در بسط زمیــــن متوجه و متمسک و مروج وحدت اصلیه گرداند

جهانیان را به تأسیس محکمه کبرای الهی دلالت فرماید و رؤسای ارض را به رفع لواء صلح اعظم مطابقا لنزل من القلم الاعلی و من مبین آیات الکبری مؤید و مفتخر گرداند دعا لم را یک وطن نماید و مصداق اذاتری الارض جنت الابهی بر کافه انام ظاهر و آشکار فرماید ملکوت الله را ترویج و تأسیس نماید و بسط غیرا را آئینه ملاء علی گرداند کرة اخرى نص صریح وعده الهی را بیا د آری د که میفرماید "و مدتی برای این نهجایام می رود و اذاتم المیقات یظهر یغتنه ما ترتعد بسهم فرائض العالم اذ ترتفع الاعلام و تغرد العناد علی الافنان"

دوستان عزیز ترا زدل و جان در بحبوحه این جهان پرا بتلاصیف فضل و موهبت حضرت کبریا هموطنان اسماعظم را در مهدها مرالله فرصتی عظیم و میدانی وسیع برای اجرای خدمات روحانیه بخشیده است تا با اغتنام این فرصت و استفا ده از استعداد شدیدی که در قلوب و عقول حاصل گردیده بر بیا ن حقایق اساسیه امر الهی و رفع و دفع آنها مباد و افترا های ناروا که اذهان ساده دلان را اشغال نموده پردا زیم به کمال عشق و استقامت و شکرانه و سرور با استقبال حوادث فردا رویم و قدر این فرصت ها را که ممکن است هرگز برای نسل های آینده تکرار و تجدید نشود بدانیم و ثابتن کنیم لیاقت اجرای رسالت روحانی اهل بها در عصر تکوین دورا الهی را و اجدوبان عالمییم .

فدای شما



# بیاداران از دست رفته

از آقای دکتر شپور رانج

ای فلک آخر چه شد که ز جمع خوبانم جدا کردی ؟  
وان دگرياران یکدل را بقربانگه رها کردی ؟  
آنهمه گل های عطر آگین بستان الهی را  
ناگهان پامال زان سیه روی جفا کردی ؟  
خادمان امر را از ساحل ایمن برون راندی  
جمله را با زیچه امواج طوفان بـ لاکردی  
خاک ایران را که وقتی جلوه گاه لاله و گل بود  
غرقه دریای خون عاشقان بی ریـا کردی  
چهره پاک "نجی" را در غبار محو پوشیدی  
"یوسف" دل داده را در چاه ظلمت مبتلی کردی  
کلک گوهر پرور "داود" را ناگه زبان بستیدی  
خامه "قائم مقامی" را بیک دم بی صدا کردی  
پاکبازی را که سر بر در گش "تسلیم" بود  
رشته زنجیر زندان محن بردست و پـا کردی  
خادمی شایسته را از قربای خویشتن کندی  
مادری زبیده را از کودکان خود جدا کردی  
"روشنی" را با تن رنجور همچون شمع سوزاندی  
حسم "ابراهیم" را پروانه نـارولا کردی  
"نادری" آن گوهر پاکیزه گنجینه حـق را  
صورت زیبا نهان در پرده سـرخ فاکردی  
طلعتی فرخنده چون "ژینوس" را از جمع ما بردی  
دربهار زندگی آزرده از بادشتـا کردی  
خنده عبا سیان را در سلوک رمز پیچیدی  
نغمه "هوشنگ" را خاموشی بی انتها کردی  
شاخه های لطف را با تند باد قهر کو بییدی  
"کامران" را قامت رعنا بتیر ظلم تا کردی  
"مهدی" و "محمود" و قدرت را بدست ظالمان دادی  
حامیان عصبه مظلوم را یک جا فدا کردی

گه غیزی "را بنا حق درمناک دلت افکندی  
 گه "طیبی" را اسیر بستر رنج و عنا کردی  
 عاشقی پرشعله چون "فرهنگ" را خاکسترا فشا ندی  
 شاعری پرما یه چون "سیروس" را کوته صدا کردی  
 بس دریغ ای چرخ کج رفتا ر سنگین دل دریغ  
 ز آنهمه تا بنده گوهرها که در خاک فنا کردی  
 نی غلط گفتم که شمعی چند را در جمع ما کشتی  
 زان هزاران انجم رخشنده را زیب سما کردی  
 دامن گلها ی خندان را ز باغ زندگی چینی  
 عالمی را سر بر سر مخمور آن عطر صفا کردی  
 دانه های پاک را در خاکدان تیره افکندی  
 خرمن از هردانه ای در ساحت عرش علا کردی  
 عزت امرا الهی را بچشم مردم افشود  
 قدرت محبوب ابهی را بعالم بر ملا کردی  
 گرچه خون در ساغر ما ریختی کامت گوارا باد  
 خوب دنیا را به صهبای محبت آشنا کردی

## کوی دوست

از آقای نصرت‌الله عرفانی «عرفان»

دوباره داغ دل خویش تا زه ترک کردم  
 بجای و دانه دیا رسخن سفر کردم  
 غبار خاک رهش سورمه بصر کردم  
 بخوانا لفتشایک دول حظه سر کردم  
 ز تربت خوش و پاکش بسی بسر کردم  
 گذشتم وز غم دوست دیده تر کردم  
 بکوی خاطر عاشقی نظیر کردم  
 بذوق او همه غمهای دل بدر کردم  
 دوباره زان ره دلدادگی گذر کردم  
 به انتظار بسی سعی بی ثمر کردم  
 بمن نگو که وفا کردم و ضرر کردم  
 مرا ست فخر که خود کسب این هنر کردم

بکوی دوست برویا شبی سفر کردم  
 بزدگان بزرگان علم و شعرو هنر  
 دوباره موطن خود را بشوق بوئی دم  
 سراغیا روا دیبا یکی یکی رفتم  
 بکوی دلکش خواهانیا زدل بردم  
 ز کوچهای که نشانی زیادگان بود  
 بشوق دیدن آنکوبسینه داغش هست  
 بخاک راهنگارم جبین خود سودم  
 بیا دانه همه دیدار و آن حلاوتها  
 بدان امید که در راه افشایم جان  
 اگر چه دل ز کفم شد به عاشقی اما  
 که دولت غم جانان شرف بود عرفان



# جبر و اختیار

«از آقاي دكتر ريش قديمي»

**تعريف:** كلمات جبر و اختيار را از نظر لغوي معاني مختلف دارد. جبر "بمعنای ناچار کردن و بزور بکاری واداشتن - فقیری را غنی کردن - شکسته بندی کردن و التیام دادن - بزرگی - شجاعت - شعبه های علوم ریاضی که در آن برای حل مجهولات از علامات و حروف استفاده میکنند، می باشد ولی در بحث ما بدان معناست که "انسان بآنچه انجام میدهد مجبور است نه مختار".

همچنین "اختیار" بمعنای برگزیدن و پسندیدن نیز می باشد ولی معنای مورد نظر در این مبحث آنستکه "انسان در امور زندگی آزاد است و بر وفق میل و تصمیم خویش عمل میکند". اما در مکاتب جبر و اختیار تعاریف دیگری متضمن توجیهات علتی بعمل آمده است که مجال ذکر آنها نیست.

**اشاره ای به تاریخچه** بیان تاریخچه این دو عقیده و پیدایش این دو مکتب فلسفی و ذکر نام علما و بزرگان و مؤسستین و اصحاب نظر در مکتب جبر و مسلک اختیار نزد براهمه و بودائیها و عبرانیها و در بین آباء مسیحی و در میان علمای اسلامی - در مذاهب حکمای متقدم و یا در مکاتب فلاسفه متأخر... کتابی مفصل و حاشیه های مشروح تراژمتن میگردد ولی مایه تعجب است که در بعضی دائرة المعارفهای غرب وجود این عقیده را میان عبرانیان (یهود) و یونانیان و رومیان محقق دانسته و بیشتر خاص مسلمانان ذکر کرده اند! و از عقاید مذاهب شرق اقصی و حتی آباء کلیسا در قرون اولی و وسطی و یا عقاید جبری بعضی از مصلحین مشهور مسیحی مثل آقای کالوین یادی ننموده و به نظریات و معتقدات جبری حکمای متقدم و یا فلاسفه متأخر هم اشاره ای نکرده اند که چطور با مثل با روخ اسپینوزا Baruch Spinoza حکیم شهیر هلندی در قرن هفدهم و حکمای نظیر او به نوعی و جرمی بنت هام Jeremy Bentham حکیم انگلیسی در اوائل قرن نوزدهم و فلاسفه هم فکر او به نوعی دیگر از انسان سلب اختیار در اعمال نموده اند. یکی انسان را مضطرب و مجبور و فقط خدا را که وجود و فعلش با اقتضای خودش است مختار دانسته و دیگری انسان را مجبور با جرای خواسته های غریزی "جلب لذاغذ" و "دفع آلام" تصور نموده است که البته در قبایل آنها حکمائی نیز مانند روسو (ژان ژاک) بوده اند که بزرگترین مابعد الاختلاف انسان و حیوان را اختیار انسان دانسته نه فهم و فکر بشری.... در اسلام هم بعضی از علماء به جبر و برخی به اختیار معتقد بوده اند. با اشاره عرض شود، "معتزله" معتقد به اختیار بودند و اینها در اوایل دوره امویان ظاهر شدند و پیروان "واحد بن عطا" بودند که با کمک "عمرو بن عبید" این فرقه را بوجود آورد. معتزله مؤسس "علم کلام" یا "علم سائی حق و صفا تش با استدلال عقلی" Theology بودند ولی بسیاری از اهل سنت و حدیث با ایشان مخالفت کردند بطوریکه بتدریج آنها را کافر

خواندند. . . . بعدها "ابوالحسن اشعری" که از اعیان ابوموسی اشعری و متولد ۲۶۰ هجری قمری در بصره بود، فرقه‌ای مبتنی بر عقائد اصلاحی و بعداً بکلی متفاوت بوجود آورده که به "اشاعره" یا "اشعریه" مشهور شدند. ابوالحسن اشعری کتب مشهوری تألیف کرد مثل "اللمعه" - "مقالات" - "الاسلامیین" - "امامة الصدیق" - "ایضاح البرهان" - "الشرح والتفصیل" - "استحسان" - "الخوض فی علم الکلام" و غیره - معتزله، اینها را یعنی اشاعره را حبریه یا مجبره خواندند در حالی که اشاعره حبری ولی معتدل بودند و حبریه محض که بآنها جهمیّه نیز میگفتند پیروان جهم ابی صفاون مکنی به ابومحرز بودند که از اوایل قرن دوم ظهور کردند. . . . علمای بعد هم که در عالم اسلام ظاهر شدند برخی جانبداری از عقیده حبر نمودند و بعضی معتقد به اختیار گشتند و گروهی هم به "لاجبر و لاتفیوض بل امرأ بین الامرین" اکتفا نموده خود را از این بحث کنار کشیدند.

در هر حال دانستن تاریخچه جبر و اختیار در مکاتب فلسفی و یا مذهبی مفید فایده‌ای در جهت منظور و مقصود این مقاله نیست. اشارتی هم که شد فقط برای ذکر قدمت و وجود موضوع در مذاهب فلسفی و مکاتب مذهبی از زمان ودا تا حالا بود.

**عقیده جبر :** جبریون معتقدند که در عالم وجود مؤثری غیر از خدا وجود ندارد (لا مؤثر فی الوجود الا الله) و میگویند که انسان در اعمال و افعال مجبور است و بروفق آنچه بر او مقرر شده عمل مینماید و قادر به خلق هیچ عمل یا فعلی بر حسب اراده خودش نیست و اراده میکند آنچه را که باید انجام دهد و با جرایش مجبور است زیرا اگر غیر از این بود لازم میآمد که خلق کنندگان دیگری هم غیر از خدا وجود داشته باشند و بعلاوه معلوم نبود که اعمال خلق شده بوسیله خود انسان با اعمال مقرر شده بر او از طرف خدا - متضاد و متفاوت نگردد که هر دو صورت مزبور یعنی "خلق فعال و اعمال بطور جدا از خلق اعمال بوسیله خدا" و "تضاد افعال مخلوقه انسان با اعمال مقرر از طرف خدا" شرک و کفر است.

اما از عوامل و علل امروزی که موجب این تصور و عقیده جبر گردیده، دو علت از همه مهمترین کلی ترین نظر میرسد که بدانها اشاره نموده و سپس بذكر دلائل "اختیار" میپردازیم.

از آن دو علت کلی، یکی "قانون علیت" است که هیچ امری در عالم بدون علت وقوع نمییابد و مبتنی بر این قانون بدنیا ل اعمال انسان میروند و بر میخورند با اینکه علت تصمیمات و اعمال و اقوال انسان، غرائز است خصوصاً غرائز "دفع ضرر و الم" و "جلب منفعت و لذت" و "علاقه به نفس و ذات" که در امور عادی هم محور تمام اندیشه‌ها و اعمال میباشند و نتیجه میگیرند که جمیع افعال بشر کم و بیش مانند حیوان با انگیزه همین غرائز و غریزه‌های دیگر و در نتیجه تماماً اجباری است یعنی به انگیزه و جبر غریزه - و میگویند اگر گاهی بشر نمیتواند علت جبری بودن اعمالش را پیدا کند بسبب پیچیده بودن علل و عوامل جبری و غریزی آنهاست و الا انسان عملی انجام نمیدهد که نتیجه یک یا چند خواست غریزی نباشد و لذا مجبور با نجام دادن آن اعمال و برآورده خواسته‌های غریزی است.

در این استدلال موارد خطا متعدد است از جمله اینکه: اولاً علت داشتن امور "دلیل اجباریه انجام دادن امور نمیشود" البته هر عملی علت دارد چه آنها که انجام میدهم و چه آنها که انجام نمیدهم. علت هر امری جزو آن و مقدمه و شروع آنست و از آنجا که هر چیزی در عالم علت دارد مسلماً "اختیار" هم علت دارد و لذا بقیاس و استدلال جبریون "اختیار" هم چون علت دارد اجباری است - در این صورت معلوم نیست کلمه "اختیار" بمعنای حقیقی خودش چطور بوجود آمده است؟!.



زیرا معدوم مطلق که نمیتواند اسم داشته باشد .

ثانیاً علت یا علل وقوع هر حادثه از جزئی تا کلی ، ساده یا پیچیده ، اگر در مورد کائنات طبیعی مثل جمادات و حیوان عالم ظهور آن حوادث و امور می گردد ، در مورد انسان که حاکم بر تمام طبیعت و قادر به تغییر تمام فعل و انفعالات عالم و مسیرها و جریانهای طبیعی میباشد ، باعث اجبار در انجام دادن آنچه میکند نیست - زیرا هر چند اکثر بشر علت محرومیت از تربیت روحانی ، مثل حیوان اسیر غرائز نفسانی است ، مع هذا در امور عقلانی تغییر دهنده روابط علت و معلولی موجودات و پدید آورنده علل جدید و معلولهای تازه و لغو کننده قوانین عادی طبیعت میباشد ، که اگر گفته شود همین ها نیز چون علت دارا جباری است ادعای بی حجت است مثل اینکه گفته شود همین ها چون اسم دارا جباری است ! زیرا مذکور شد که اگر سایر کائنات قادر به کوچکترین تغییر علت و معلولی در طبیعت نیستند ، انسان کاری جز این ندارد و پیوسته در کار تغییر علتها و معلولهاست .

نکته اساسی و مهم اینکه انسان خود خالق علل است و علت اغلب کارها عینکه انجام میدهد ساخته و اختیار شده خود و است مثلاً اگر بعضی جلسات دیر می رود و تا ترس و وقت و بفرودگاه و برای مصاحبه جهت استخدام ، قبل از وقت می رود ، همه علت دارد که خودش ، آن علل و دلائل عمل را سنجیده و اختیار نموده و این منفعت سنجی دلیل مجبور بودن یعنی "جبر" که نتواند نوع دیگری عمل کند نمیباشد و زندگی مشحون از این مثالهای محسوس و عملی است که در مبحث اختیار بدانها اشاره خواهد شد .

قانون علیت ضرورت نتیجه را از علل بیان میکنند مجبور بودن فاعل را با جبر . خصوصاً که فاعل ، خود ، علت آفرین و "علت سنج" باشد مثل انسان که در اغلب موارد علل انجام دادن (یا خودداری از اجرای) کاری را شخصاً می پسندد و بدان عمل میکند و معمولاً قبل از اجراء به دلائل و علل عمل خود مطمئن است و به نتایج فقط امیدوار .

بالاخره این نکته قابل ذکر است که اگر یک مؤجد و خدا پرست هم قانون علیت را دلیل جبر بداند ناچار میشود که قبول نماید که مبتنی بر همین قانون علیت ، چون خلق دنیا هم علت داشته پس اجباری بوده و خداوند هم مجبور است نه مختار !

گفته شد که از دو عامل مهم و بزرگ که باعث اعتقاد به "جبر" گردیده یکی "قانون علیت" بوده است اما دوم آنکه اهل ادیان و بعضی فلاسفه جهان "علم حق را با مور" علت و دلیل "جبر" دانسته و معتقدند که چون حق میدانده هر شخص چه کارهایی را خواهد کرد ، آن کارها باید انجام گیرد و الا اگر بشر اختیار تغییر آنها را داشته باشد ، جور دیگری غیر از آنچه که خدا میداند می گردد و در نتیجه اطلاع و علم خدا غلط از کار در می آید و علم خدا جهل میشود !

سُبْحَانَ اللَّهِ از این حرف بی مایه و استدلال بی پایه که البته در نظریک انسان قرن بیستم آنهم یک بهائی که مفاد و مواضع این احتجاج موجب حیرت و تأسف میشود چه که "علم به شیئی سبب حصول شیئی نمیکردد" یعنی دانستن اینکه فلان امر فلان موقع واقع میشود دلیل وقوع آن نمیکردد . مثلاً :

ه اگر شخصی یک نوع سرطان خاص بگیرد و طبیب بدانند که این سرطان به کجای بدن شعبه میفرستد و سرایت مینماید و مریض حدوداً چقدر عمر میکند و با چه حالتی و علائمی از مرض فوت خواهد کرد ... این علم و اطلاع طبیب موجب پیشرفت مرض بآن ترتیب و فوت مریض بآن شرح نمیکردد و یا وقتی که

شخصی‌های Rabies می‌گیرد، پزشک میداننده حدوداً چه موقع و دقیقاً با چه علائم و به چه طریقی بیمار فوت میکند که این علم و اطلاع طبیب موجب ظهور آن علائم و فوت نمی‌گردد.

اگر شخصی در هلی کوپتری نشسته باشد و ببیند که از ایستگاهی یک ترن مسافری براه افتاد و همچنین ملاحظه کند که چند مایل جلوتر، پشت یک پیچ یا تپه بر روی خط آهن یک درخت افتاده و یا یک ترن باری خراب و متوقف شده، پیش‌بینی میکند و می‌فهمد که بعد از چند دقیقه آن ترن مسافری تصادف خواهد کرد و احیاناً از ریل خارج خواهد شد که در هر حال این علم و اطلاع شخص با لاموجب حادثه در پائین نمی‌شود.

چه بسا همه ما بعضی امور را پیش‌بینی میکنیم و از قبل بر نتایج حاصله وقوف داریم حتی مواردی هست که با قضاوت تخصصی که داریم دقیقاً و یقیناً میدانیم که چطور خواهد شد و هما‌طور هم میشود که در هیچ مورد از آنها علم و اطلاع ما سبب وقوع امور نمی‌گردد.

علم خدا و ندهم با مور مخلوقات و بآتیه‌هایی که ما بوجود می‌آوریم دلیل وقوع آنها نمیشود. آیا چون خداوند از قبل میدانده که این شخص بعلت سگته قلبی از این عالم خواهد رفت، این شخص مجبور است که سگته قلبی بکند و یا برعکس، سگته قلبی او را که بععل متعدد ارثی و اکتسابی است، خدا از قبل میدانسته؟ این "از قبل" دانستن را در مورد سگته طبیب هم ممکنست بدانند تا چه رسد بـه خالق آنها یعنی خداوند.

در علم ما هم خیلی امور از قبل دانسته و معلوم است مثلاً ما میدانیم که برگهای سبزه‌های در پائیز و زمستان زرد گشته و بر باد می‌رود و قس علی‌هذا که هیچکدام بعلت علم و اطلاع قبلی ما واقع نمیشود. همین‌طور است علم الهی برای امور که سبب و علت وقوع آنها نیست.

\*\*\*\*\*

اختیار بمفهوم فرمایش مبارک حضرت عبدالبهاء در مفاد و ضوابط انسان در امور خیر و شر مختار است و اجبارش در بعضی امور حیاتی است مانند تنفس و خواب و پیر شدن و مرگ - ایضاً تشریح می‌فرماید که مدد و نیرو و قوه حیات از حق است ولی انتخاب اعمال و آزادی در افعال در اختیار انسان. نیروی حیات که از حق است اگر نرسد انسان مرده است و قادر به هیچ کاری نه ولی چون مدد در سدا در به خیر و شر، هر دو می‌باشد. سپس مثالی می‌زنند باین معنی که در کشتیرانی نیروی کشتی از نا خدا نیست ولی اختیار حرکت و هدایت کشتی با نا خداست که سگان آنرا بدست دارد و میتواند به شرق یا غرب، شمال یا جنوب، تند یا آهسته براند. و در مثال دیگری حاکم منطقه که نماینده دولت یا پادشاه باشد قدرتش از قدرت دولت یا پادشاهی است که او را حاکم نموده اما اینکه ظلم بکند یا عدل، مطابق دستورات و وظایفش عمل نماید یا مخالف آن، کل در اختیار خودش است... حضرت عبدالبهاء در این قطعه از مفاد و ضوابط پنج‌بار تکرار می‌فرماید که اختیار خیر و شر را جعبه انسان است و در بدایع الاثر نیز همین مطلب را ذکر می‌فرماید که هر کلمه‌اش اهل ایمان را حجتی است الهی و برهانی است کافی. در این مقاله در تشریح مطلب براهین و حجج بیشتری تحت همان هدایت کلی که حق فرموده منتهی با ادله و امثله بشری ذکر میشود تا در اقامه دلیل جهت اثبات مدعا برای خلقی که این کلام خدا را نمیشناسند نظیر و نصیر گردد.

۱- اگر بشر در اعمالش مجبور بود و اختیار نداشت دیگر بعث و ظهور پیغمبران برای هدایت اهل جهان عبث و بیمورد میشد - چه هدایتی و چه تعالیمی برای بشری که بهر عملی که میکند مجبور باشد و از خود اختیار نداشته باشد؟ او ابرو نواهی - بکن ها و نکن ها برای کسانی است که



اختیار عمل داشته باشند. پس ادیان الهی که مجموعه‌ای از اوامرونها و تعالیم و نصایح است برای مردمی است که اختیار عمل به نیک و بد داشته باشند و الا خداوند به بشر مجبور نمی‌فرماید: "و یختاروا ما هو المختار..."

۲- اگر انسان مختار و آزاد نبود و در اعمالش مجبور بود دیگر توبه‌ها و مناجات‌ها و دعا‌های طلب عفو و بخشش و آمرزش گناه یا آن کارها را بکند و از خود اختیار نداشته و در اعمالش اسیر جبر بوده، دیگر برای چه طلب عفو بکند؟ برای کاری که مجبور یا جبراً بوده؟؟ - اگر طبق عقیده جبر یونان در اعمالش همانطور که به تنفس مجبور است مجبور باشد چطور **مکننت** از عملی که بدان مجبور بوده و از خود اختیار نداشته عذرخواهی و طلب عفو کند؟ از فرقه‌هایی از اهل ادیان که به جبر اعتقاد دارند با دید پرسید که دعا‌های طلب مغفرت آنها برای چیست و از چه جهت تلاوت میکنند؟

۳- آنجا که اختیار نباشد مؤخذه و مجازات هم نیست و بهترین مثالش مجازات نکردن دیوانه و بیمار روانی است - زیرا دیوانه اختیار اعمالش را ندارد و آنچه میکند از روی عقل و اراده و اختیار نیست. بلکه از روی غرائز و تحریکات مغزی بدون اختیار روبه چپ و راست می‌پزد، مرتکب جرم یا خلاف می‌گردد که چون اختیار نداشته از مجازات معاف است. در عالم انسان هم اگر اختیار نبود مؤخذه و مجازات نبود در حالی که می‌بینیم که انسان هم در مقابل حکومت و قانون و هم در مقابل حق و عدالت الهی مسئول اعمالش می‌باشد. بعبارۀ آخری نفس مسئولیت - مؤخذه و جزا چه دنیوی و چه اخروی دلیل بر آنست که انسان در اعمال و افعالش مختار است و بر مبنای همین اختیار، جا معه و حق او را مسئول میدانند

گرنه با شد فعل خلق اندر میان پس مگو کس را چرا کردی چنان  
۴- دیگر مسئله قوانین است که قانون می‌گوید این کار ممنوع است - آن کار خلاف است - آن کار جرم است و آن کار جنایت که نفس این قوانین دلیل و برهان بر اختیار انسان است و آگاه نمودن او بر اینکه چه‌ها نباید بکند که اگر مرتکب شود مجازات می‌گردد.  
بر مجبور که قانون وضع نمی‌کنند! در جبر که اختیاری وجود ندارد که بگویند این کار را بکن آن کار را نکن!

۵- دیگر مسئله پند و اندرز و نصیحت و دلالت است که اگر انسان بر اعمالش مجبور بود، پند و اندرز از هر مقامی (الهی یا بشری) عبث و بیهوده می‌شد مثل اینکه به شیر نصیحت کنند که شکار نکن و به ماهی که شنا ننماید و به کبوتر که نپر! اینها همه مجبورند. مجبور را چه نصیحتی و چه پندی؟ مثلاً تنفس اجباری است نصیحت کنند که نفس نکش! پس وقتی که نصیحت میکنند که آنجا نرو یا برو - آن کار را نکن یا بکن - این را نپوش آن را بپوش - ملایم باش - مهربان باش - ببخش و در گذر و صدها نصیحت دیگر، کل میرساند که انسان را مختاری یعنی صاحب اختیار در اعمالش دانسته‌اند.

۶- دیگر مسئله انتخاب و ترجیح است که بزرگترین علامت اختیار است و مادر زندگی روزانه چه در اعمال ظاهری و چه در اندیشه‌ها و افکار پیوسته در حال مقایسه و ترجیح و انتخاب هستیم که این کار را انجام دهیم یا آن را؟ بروم یا نروم؟ این را بخرم یا آنرا؟ این را بگویم یا آنرا و هزاران نظائر آنها که پیوسته بذهن میرسد و همیشه کاری را انجام می‌دهیم که ترجیح داده و انتخاب کرده‌ایم. نفس این ترجیح دادن یعنی "اختیار"

این که گوئی این کنم یا آن کنم این دلیل اختیار است ای صنم

۷- دیگر مسئله پیشمانی است که این حالت نیز دلیل و معرف اختیار انسان است زیرا هیچوقت هیچ موجودی منجمله انسان از عملی که بدان مجبور بوده پیشمان و نادم نمیگردد بلکه "مجبور بودن" تسلای دل از اجرای عملی ناصواب تحت شرائط جبر است و عذری "موجه و یا مخفف هر خطای جبری است". پس این ندامتها و پیشمانیها که چه بسا با ملامتها درونی توأم است کل معرف وجود اختیار است بقول مولوی :

یک مثال ای دل پی فرقی بیار	تا بدانی جبر را از اختیار
دست کان لرزان بود! زار تعاش	و آنکه دستی را تزلزانی ز جاش
هر دو جنبش آفریده حق شناس	لیک نتوان کرد این با آن قیاس
ز آن پیشمانی که لرزانیدیش	چون پیشمان نیست مردم مرتعش
زاری باشد دلیل اختیار	خجلت باشد دلیل اختیار
گرنبودی اختیار این شرم چیست	وین دریغ و خجلت و آزر چیست

۸- در مورد آنها که معتقدند که انسان در اعمال خود مجبور غریزی است و اظهار میدارد که بشر مطیع و اسیر جبر غرائز است زیرا هر عملش انگیزه ای دارد و انگیزه های اعمالش دارای ریشه غریزی است مثل غریزه جلب لذت و دفع مضرت . . . . :

با یاد جواب گفت که مسلماً مهمت روحیاتی ترا ز غریزه جلب لذت و دفع مضرت ، غریزه "خوردن و آشامیدن" است و از آن مهمتر که حافظ حیات است غریزه "حفظ جان" است اما انسان بقدری مسلط بر آن که میتواند آنقدر نخورد و نیاشامد تا بمیرد و یا آنقدر شکنجه های مهیب تحمل نماید تا زیر شکنجه فوت کند ولی کلام خلاف حقیقت نگوید و علیرغم غریزه "حفظ حیات و جان" با سینه باز مقابل جوخه آتش برود و یا طناب دار بوسد و یک کلمه نگوید که بهائی نیست و جاننش را حفظ نکند و آزاد گردد .

\*\*\*\*\*

مختار مطلق : مختار مطلق پروردگار است که موجد عالم و عالمیان است و معطی اختیار با انسان و مقدس از هر وصف و بیان و منزه از هر اندیشه و گمان. کلمه "مطلق" که برای اختیار الهی انتخاب شده از آن جهت است که اختیار انسان محدود است به حدود و قوانین آفرینش خصوصاً قوانین محیطه که انسان را در تغییر و تبدیل آنها اختیاری نبوده مگر به دعا از ساحت کبریا .

مثلاً اگر انسان قادر است که برخلاف قانون جاذبه زمین از کره ارض جدا شده و بفضائی فاقد این جاذبه رود و یا امکان زندگی را در قعر دریاها و یا در فضای عاری از این هوا فراهم سازد و یا هزاران قانون مادی و محسوس طبیعی را تعبیر دهد و الی غیر اینها "جدید" و "بدیع" بوجود آورد، در مورد قوانین محیطه آفرینش توانائی تغییر نداشته و در قبضه قدرت آنها اسیر است و چه بسا که آنها را نمیشناسد .

مثلاً اگر فرض کنیم که از این قوانین محیطه کلیه آفرینش که در خارج "صورت" محسوس نداشت و در وجود و مفهوم است و گاهی به "قانون الهی" و یا به "اراده محیطه الهیه" تعبیر شده یکی آن باشد که : "بلافی سبیل الله" همیشه :

اولاً موجب مجازات دنیوی و اخروی ظالم گردد .

ثانیاً موجب کمال روحانی و عزت جاودانی روح شخص مضطهد و بلا دیده شود .

ثالثاً موجب اشتها ردین الله و انتشا را مرالله گردد .



رابعاً موجب ظهور حوادث مهمه در زمینه پیشرفت شریعت الله شود. " حال بشر با تمام اختیاری که در اعمال خیر و شر دارد قاصر نیست برخلاف این قانون عمل کند و تغییری در نتایج مقرر وجود آورد. البته مختار است که جزو ظالمین گردد اما نمیتواند مجازات نبیند- همچنین مختار است که جزو مظلومین و محتملین بلافی سبیل الله شود اما نمیتواند تعارف کند و اجر عظیم و ثواب جزیل اخروی نبرد و احدی هم قاصر نیست جلوی نتایج عمومی بلافی سبیل الله را بگیرد.

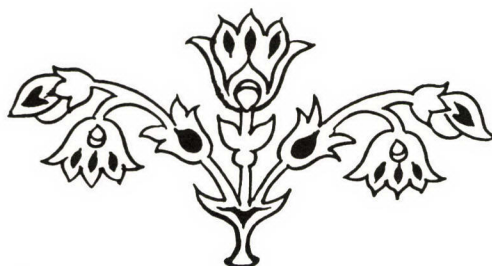
مثال دیگر آنکه فرض کنیم برابر اراده محیطه نافذه کلیه الهیه بل قانون معنوی خلقت: "حرمت والدین و خدمت به پدر و مادر و جلب رضایت آنها موجب نزول تا ثید و حصول برکت و توفیق باشد و عدم رعایت آن مستلزم خبیث و محرومیت و مجازات از حضرت احدیت" حال ما مختاریم که حرمت والدین بداریم و خدمت آنها بنمائیم و یا بی اعتنائی کنیم و خدای نکرده دل آنها را بشکنیم- اما اختیا رو قدرت نداریم که جلوی عواقب این دونوع اقدام را بگیریم، ثواب نبریم و یا مجازات نشویم و قس علی ذلک ....

دیگر اینکه "اختیار" انسان در این جهان سلب اختیار خالق متعال نمی نماید که اوست ذات یفعل ما یشاء و لا یسئل عما شاء و قاهر مطلق بقوله کُن فیکون - در آن مثال هم اگر جهت و سرعت کشتی در اختیارنا خداست صاعقه و برق و طوفان و موج و انقلاب هوا و دریا و مسلماً مرگ خارج از یدنا خداست.

صحت از قوانین محیطه الهیه و اراده مطلقه حضرت احدیه و اختیار مطلق جمال هوّیه بود که چون گفته شود امری برخلاف اراده الهی انجام نمیگیرد و صف احاطه و نفوذ قوانین قضائیه و اراده قدریه حضرت احدیه شده نه اشاره به هیچگونه جبر در انسان اعمال خیر و شر- حال اگر نفسی بقیاس بگوید که بر وفق این توصیف قدرت احدیه، هر کس هر چه نماید بر طبق اراده الهی و جبر حضرت باری است قیاس مع الفارق نموده چه که فارق بین اختیار انسان در اعمال خیر و شر از طرفی و تسلیمش در قبال قوانین و اراده محیطه الهیه از طرف دیگر نمودار و آشکار میباید شد.

ذکر قضا و قدر شد- گفته اند که قضا قوانین لایتغیر خلقت است و قدر را اراده خاص الهی در تغییر قضا که به معجزه نیز تعبیر شده است مثل ایجا دو ظهور عنصری حضرت مسیح از روح القدس و یا عدم اصابت یا عدم تأثیر صدها گلوله که در مرتبه اولی به هیکل اقدس اطهر حضرت رب اعلی شلیک شد که کل قدریا معجزه یا تغییر قضا با اراده خدا در آن دفعه ها بوده است و هرگاه که ما بدعا رجای شفا یا عفوگنا یا رفع جزا و نظائرها مینمائیم "اراده محیطه غالبه خاص" حضرتش را مسئلت میکنیم چه که به عفو و صفح و رأفت و عطوفت و رحمت و شفقت و عطا و سخا و یش و اقفیم و به غلبه محیطه و قدرت نافذه اراده حضرتش و اثنی .

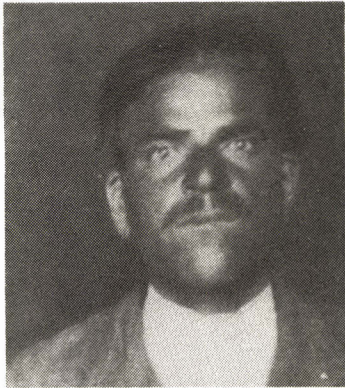
والسلام علی من اتبع الهدی



## تاریخ زرین شہادت

(بہم ہنر نفحاتِ نبیہ آقائے مہجبتِ نبیہ مائی)

شرح سوزائیدن و شہادت زربین نیر محمد حسین معصوم  
شکرنا صحراگرد در قریہ نوک - بیرجند



یوم البہاء من شہر القول سنہ ۱۳۷ بدیع مطابق یکم آذر ماہ سال ۱۳۵۹ شمسی و یوم شنبہ ۱۳ شہر محرم الحرام سال ۱۴۰۱ ہجری قمری بود کہ خورشید جہا نتاب در افق قریہ نوک NOOK کہ از توابع شہر بیرجند قائنات است پنہان گردید و قمر آسمانی در لیلہ ۱۴ زکرا نہ طالع شد و نورش بر بر و بحر تابید زوجین نیر محمد حسین معصومی و قرینہ اش شکرنا صحراگردا زکارہای سخت فلاحتی کہ ہموارہ از با متاشام برگزار میشد فراغت یافتہ بخانہ خود در قریہ نوک قدم نہادہ بدرون اطاق محقر خویش وارد شدند و پس از ادای فراغ دنیانتی کہ قرائت صلوٰۃ و تلاوت مناجات بود برای خوردن شام در کنار سفرہ رو بروی ہم نشستند و شام و غذای آنشب (کلہ پا چہ بود) کہ گوسفندشان را یوم قبل ذبح کردہ بودند و گوشت ہای آن را (قرمہ) و داغ کردہ بودند کہ برای زمستان آمادہ باشد . هنگام تناول شام کہ گوشتی مقدّر بودہ آخرین شامی با شد کہ ہر دو با ہم می خوردند بیا دفرزندانشان خود افتادہ با ہم گفتند جای بچہ ہا مان خالی پسربزرگ ما محمدولی و قرینہ اش در کرمان و ضیاء اللہ با زوجہ اش در مشهد و دختر بزرگ ما حوا با شوہرش در زیٹوک و پسرو دختر کوچک ما در بیرجند بہ تحصیل مشغول ہر یک از دایرہ جمع بجائی رفتند ما بماندیم و خیال تو بیک جای مقیم آری در گوشہ این قریہ تنہا مانندہ و با این ہمہ دشمنانی کہ در اطراف خود داریم چند سال است زندہ مانندہ و فقط بذکر حق دل خوش و بیا د محبوب ابہی مانوس بودہ و ہستیم پس از صرف غذا و اینگونہ سخن ہا با ہم بیکار نہ نشستیم



و مقداری با دام داشتیم که برای شکستن آوردیم تا مغزهای آنها را برای فروش آماده کنیم این کار را دامهای مفت و صدای شکستن با دامها که با صدای ضربه‌های چکش توام شده بود ما را از محیط اطراف خود بی خبر کرده بود و پوسته‌ها با دام را از مغز جدا میکردیم و مغزها را در ظرف مخصوص میریختیم که با زار بیرجند بیریم بفروشیم. حدود ساعت ۹ بعد از ظهر بود که برای رفع خستگی بفکر نوشیدن چای افتادیم سما و را آت کردیم و روشن کردیم تا آت سما و رجوش آت برای چای و شکستن با دامها ادا ما دادیم تا آت جوش موجود شود در این حین که ما سرگرم کار خود بودیم گویا جنایتی هولناک که نقشه کشتن ما در آن مکنون بود در شرف انجام بود و دشمنان ما که مدت‌ها بود با یمن و آن میگفتند که با ید قریه نوک را از وجود یمن دو نفر زن و مرد بهائی پاک کرد در آن وقت شب که ساعت ده بعد از ظهر بود بر بالای ما و اطراف منزل ما در انتظار فرصت و موقعیت بودند که نقشه‌های خود را عمل کنند و ما در آن موقع بدون خبر در اتاق منزلمان به شکستن با دام اشتغال داشتیم و در آن شب تمام نقشه طراحی شده آنان بر وفق مرادشان حاصل شده بود و ما بی اطلاع و هرگز گمان چنین حمله‌ای را نمیکردیم گرچه ما جمین بخوبی واقف بودیم که بهائیان اهل مدافعه نیستند و میدانستند که بهائیان کشته میشوند ولی کسی را نمیکشند و مقابل بهائیان را مرتکب نمیشوند، البته اگر کوچک تریمن خبری میداشتیم شاید در منزل خودمان نیمه اندیم و مانند زمستان سال قبل که از هر طرف اعدا زدهات مجاوره نقشه قتل ما را داشتند و تمام شبهای زمستان گذشته را در کوهها با نهایت سختی در هوای بسیار سرد گذرانیدیم حال هم اگر میدانستیم و از نقشه آنها با خبر میشدیم حتما بجبال میرفتیم و شبها را در کوهها بروز میرساندیم ولی مخاصمین و ما جمین در سر نقشه خود را کاملاً تنظیم کرده بودند چنانچه

منزل مجاور که خانه و محل سکونت برادر معصومی بود در این شب بکلی از سکنه خالی شده بود زیرا افراد این منزل بشهر بیرجند مسافرت کرده و تنها کسی که در این منزل ساکن و باقی بود همان برادر محمد حسین معصومی بود ولی ما جمین با حيله و نیرنگ به برادر معصومی گفته اند که تنها ماندن شما در شب در این منزل پسندیده نیست و به بهانه اینکه نباید در منزل تنها باشید با آخره او را بعنوان میهمان بمنزل بعید و دور دستی دعوت کرده اند و چنین کرده اند که او در آنجا بخوابد و شبانه بمنزلش مراجعت ننماید تا خیالشان برای اجرای نقشه مورد نظرشان راحت باشد زیرا بخوبی میدانستند که برادر معصومی با وجود آنکه او بهائی نیست ولی محبت برادری را و موجود است و سرو صدا و صدای پای ما جمین را میشنود و میفهمد و هرگز حاضر نیست برادر وزن برادرش را آغشته بخون و محروق مشاهده کند و لوبقیمت جاننش تمام شود بنا براین ما جمین او را مساعد کرده و بطوریکه مکرراً از افواه شنیده میشد که با ید را از وجود این زن و مرد بهائی پاک کرد لذا "این شب وعداست که تا آخر ندارد". ما در آسمان بالا آمد بود و بر زمین پرتو افکن گشته و هر چیز را میتوان زیر نظر گرفت و همه چیز برای حمله آماده است و ما جمین هریک بگوشه و محلی که سنگرشان بوده خزیده و در کمین اند پس چرا حمله نکرده اند و با طاق ما نیا مده اند و از قرائن چنین بر میآید که گویا ترسیده اند که ما با محمد حسین معصومی در اتاق اسلحه‌ای داشته باشند که اگر او را طاق شوند درگیری بوجود آید و ممکن است یکی از آنها زخمی شود و فردا همه در جنگ قانون دچا رآیند پس باید صبر کرد تا مردان با طاق بیرون آید. ما بی خبر از آنچه در اطراف منزل موجود است با دام شکستیم تا چای آماده نوشیدن شد محمد حسین گفت بروم به آغل و اسطبل و قدری علوفه

خشک به گوسفندها بدهم و آخورشان را پرکنم و برگردم و از طاق خارج شد در حین خروجش با و گفتم زود برگرد چای دم کشیده مرد گفت چای را بریز تو ی فنجان الآن بر میگردم — فنجان چای را برایش در فنجان ریختم و یک فنجان هم برای خودم ریختم و چند لحظه صبر کردم و فنجان چای را برای نوشیدن بدست گرفتم هنوز چای در فنجان من نیمه تمام بود که صدای باز شدن در طاق را شنیدم اما کسی وارد طاق نشد چون پرده طاق پائین بود و نمیشد پشت پرده را دید صدادم و گفتم (محمد حسین شما هستید) کسی جواب مرا نداد و ناگهان چند نفر مرد ناشناس پرده را کنار زده و وارد طاق شدند در حالیکه سرو صورت خود را با پارچه پوشانده بودند من یکباره خورده وحشت کردم و چراغ گورد سوز در طاق میسوخت ولی شناختن آنها برای من مقدور نبود و دانستم که میهمان نیستند زیرا در منزل بسته است و این ها از دیوار آمده اند و البته خیال شومی دارند من از شدت وحشت بلرزه افتادم و فنجان چای از دستم بزمین افتاد و مردهای نقابدار با حرف نمیزدند و بطرف من آمدند و با زوها و دستهای مرا گرفتند و از زمین بلند کردند من فریادم محمد حسین محمد حسین کجائی بدادم برس اما جوابی نشنیدم و یکی از آنها گلویم را فشار داد و فهمیدم که باید داد نز کنم و الا خفهام میکنند سکوت کردم گلویم را رها کردند و بعد بآرامی بآنها گفتم شما را بخدا بر من رحم کنید من دوجه صغیر دارم که در بیرجند درس میخواندم و آنها منتظرند که من فردا برای آنان نان بپزم به بیرجند بفرستم من که بهیچکدام شما بدی نکرده ام شما را بخدا به بچه هایم رحم کنید شما را بخدا قسم میدهم به شوهرم آزاری نرسانیدم آزارمان بموچه نرسیده تا چه رسد به آدم و از این نوع التماسها بآرامی باناله های جانش سوز بآنها میگفتم ولی مرا محکم نگاه داشته بودند و یکنفر از آنها

از طاق خارج شد و بعد آمد و طنابی را با خود آورد و من وقتی طناب را دیدم میداورشدم و پیش خود خیال کردم که میخواهند دست و پای مرا به بندند و مرا بگذارند و بروند ولی هدف آنها این نبود و مرا کاملاً طناب پیچ کردند و من در این اثنا بآنها التماس میکردم و آنها را بخدا و تمام انبیاء قسم میدادم که بشوهرم آزاری نرسانیدم اما آنها قسمها و التماسها و ناله های مرانانیده و ناشنیده گرفتند و وقتی کار طناب پیچی تمام شد مرا از طاق بیرون برده در دهلیز طاق کنار دیوارش مرا خوابانیدند و در چوبی و سنگین که بالای ما خانه ما بود آوردند و روی من گذاشتند با خود میگفتم اینها میخواهند چه میکنند و برای چه این درسگین را روی من گذاشته اند آیا میخواهند که من نتوانم خود را از طناب بیرون آورم آیا میخواهند من نتوانم تکان بخورم یا بغلطم ولی آنها پس از گذاشتن در بروی من رفتند بیرون و مقداری هیزم و بته آوردند و روی تخته ریختند و تمام نفت های چراغ گرد سوز و چراغ وال را روی بدن و لباس و روی هیزم ها و روی در ریختند که فهمیدم اینها میخواهند زنده زنده مرا بسوزانند و خاکستر کنند و خدا میداند که در آن لحظات چه اندیشه ها و چه افکاری برای من آمد و چقدر خاطرم خطور کرد که جز خدای مهربانم کسی خبر نخواهد یافت و یک حالت تسلیم و رضا و توجه و تضرعی در قلبم پدید آمد که روحم را با هتزاز آورد و آرامش عجیبی در خود احساس کردم و برخدا توکل نمودم . آنها ئیکه از سلاله نمرود بودند خشم و غضب خود را در کبریت و آلات محرقه ای که در بغل خود داشتند متمرکز کردند و فندک و کبریت را مشتعل نمودند و هیزم ها که با نفت آلوده شده بود آتش زدند و ایستادند تا شعله ها بالا آید و آتش ظلمشان زبانه کشد تا مطمئن شوند که من عنقریب خاکستر خواهم شد و هم آن گه که



آتش و دود غلیظ دهلیز را فرا گرفت آنگاه مرا رها کرده بیرون رفتند که گویا بسراغ شوهرم رفتند تا او را بهمین سرنوشت مبتلا سازند هیزمها بهمراهی نفت وظیفه خود را انجام میدادند و شعله ور بودند و از مشاعل سوزان و نیران فروزان خود اندام مرا در عشق محبوب جان و مقصود روانم میگذاختند و بریسان میساختند و من در حال سوختن یا دم باین شعر آمد "آنکه دایم هوس سوختن ما میکرد کاش میآمد و از دور تماشا میکرد" و با صدای رسا فریاد میزدم یا بهاء الله بفریادم برس و در فکر شوهرم بودم و یقین کردم این ظالمان خونخوار که از نسل نمرود جبار هستند البته شوهر مرا هم بچنین شعله های جانسوزی مبتلا ساخته اند و در آن کیفیت ناامیدی به محبوب ابهام گفتم که بعشق رخ تابان تو میسوزم و میسازم تا روح و روان را بره عشق تو در بازم. در واقع فریادرس من حضرت بهاء الله بود شعله های آتش کم کم بطنا بها سرایت کرد و طنا بها از جنس نایلون بود و از شعله های آتش آب شد و نرم گشت و من توانستم از میان شعله های آتش خود را بیرون کشم و آن در سنگین را که بر روی من انداخته بودند در حال سوختن بکنا را فکندم و از میان شعله ها بیرون جستم و تمام لباسها یم سوخته و بدنم بریان بود و چون نگران شوهرم میبودم پالتوی او را از چوب لباسی درآوردم و بخود گرفتم و خود را بمنزل همسایه رساندم، منزل همسایه درنداشت و ارد منزل او شدم و در اطاقشان را کوبیدم همسایه پس از شناسائی صدای من در اطاق را باز کرد و از دیدن وضع من که با دستها سوخته و سیاه که فقط استخوان هایش پیدا بود وحشت کرد و بچه های همسایه همگی گریستند و من شرح حال خود را از اول که شام میخوردیم و بعد بادام میخکستیم تا آخرین لحظات را یک بیک برای آنها گفتم و تقاضای کمک کردم که

بسراغ شوهرم برویم ولی مرد همسایه جرئت خارج شدن از منزل را نداشت و سرگردان و متفکر بود که چگونه بمن کمک کند من با التماس کردم که برو دبه بیند چه بر سر شوهرم آمده مرد همسایه بیرون رفت و از بالای بام داخل آغل گوسفندها را بوسیله نور مهتاب نظاره کرد اما چیزی ندید و آمد و دیگر جرئت نکرد قدمی فراتر بجائی بگذارد و من طاقت از دست رفت فانونس همسایه را بدست سوخته و مجروح خود گرفتم و از خانه شان بعزم پییدا کردن شوهرم بیرون رفتم چند متری که از خانه همسایه دور شدم آتشی که در درون گودال شعله ور بود نظرم را جلب کرد و وقتی که بربل گودال رسیدم دانستم که چه بر سر شوهرم آمده او در عشق محبوبش سوخته بود مرد مده و همسایه ها و کسانیکه از صداها و نعره های محمد حسین معصومی باخبر شدند و از پنجره و سوراخهای منزلشان و کنا ردیوار کوچه ها و پشت درها و در سایه مهتاب ایستاده و او را مشاهده کرده اند حکایت کرده و گفته اند وقتی که زوجه محمد حسین معصومی با فانونس بردست بربل گودال رسید و شوهرش را در آن حال دید فریاد کشید و گفت ای ظالمان بیرحم اگر از دستگاه قانون و انتقام و مجازات فرار کنید من در روز قیامت در پیشگاه عدل الهی با دستهای سوخته ام دامن شما را میگیرم و داد این ظلم نمیرود شما را از خدا و ندرحمان طلب خواهم کردم اگر غیر از مهربانی و محبت از ما چه دیده بودید؟ شاهدان عینی حکایت کرده و گفتند یکبار از نظاره کنندگان که رهبری این جنایت فجیع را بعهده داشته و در داخل جمعیت و تماشاچی بعنوان نظاره کردن ایستاده بود وقتی آن زن مظلومه را دید تعجب کرد و آثار رحی و حشمت از صورت و حرکاتش نمایان گشت که چگونه آن زن زنده مانده و آن آتش شعله ور برا و گلستان شده و از خرمن آتش نجات یافته لذا باین فکر فرو رفته و مضطرب شده که اگر این

زن زنده باشد مرتکبین کلابه مجازات گرفتار آیند  
 فوراً حیلۀ بی بکا برده و آن تزویر این بود  
 که به بهانه اینکه بروم به بینم چه شده خود را  
 از هیئت ناظرین جدا کرده و بسرعت خود را  
 بآن زن رسانیده و معلوم نیست چه ضرباتی  
 بر آن زن بی پناه وارد ساخت که آن دیگر  
 حرفی نزد و ساکت شد و آن جلاد هم بمیان  
 ناظرین آمد و ایستاد و بالاخره تماشاچیان  
 و مرتکبین هریک بمنزل خود رفتند و هیچ  
 کدام از آنها با خود نگفتند که این زن سوخته  
 را کمک کنیم و او را بمنزل خود ببریم یا او را  
 پناه دهیم حتی داماد این زن را خبر نکردند  
 که به کمک و پذیرائی مادر زنش بیاید یا آنکه  
 دامادشان (علی محمد محمدی) در قریه زیڑک  
 ساکن بوده و از قریه نوک که این سوختن رخ  
 داده تا قریه زیڑک تنها یک کیلومتر فاصله  
 است. و تصورات و پنداشت مردم در السُّن  
 و افواه چنین بوده که زبان آن زن را با گاز  
 انبر بیرون کشیده اند و لی در زبان شکر نساء  
 مظلومه و محروقه زخمی وجود نداشت.  
 بالاخره آن زن مظلومه محروقه مجروحه جسد  
 سوخته شده شوهرش را با مید خدا گذاشت و دل  
 سوخته و بدن سوخته در حال سوز و گداز واقعی  
 بمنزل خود و اطاق خود رفت و در آن هوای سرد  
 در گوشه ای از اطاق سوخته خود بقیه شب را بصبح  
 آورد و در منزل را بروی خود بست. صبح روز  
 یکشنبه ۲۲ ذرماه اول طلوع آفتاب (غلام ولد  
 علی جان) که خودش یکی از متهمین و  
 مرتکبین این احتراق و قتل است بقریه  
 زیرک رفته و علی محمد محمدی را که داماد  
 محمد حسین معصومی است خبر میدهد و میگوید  
 "خانه پدر زن را در نوک آتش زده اند"  
 دامادشان در محوطه باغ خود در زیرک مشغول  
 آبپاری بوده به محض شنیدن این حرف بیلی  
 که بوسیله آن آبپاری میکرده از دست خود  
 انداخته و سراسیمه دوان دوان خود را به نوک  
 رسانید و وقتی بدر منزل پدر زن و مادر زن

رسید در را بسته دید که از داخل بسته شده  
 بناچار بالای با مرفت و از راه پله های با م  
 بداخل حیاط وارد شد. وقتی چشمش بدراطاق  
 افتاد و دید سوخته است زیا دوحشت نکرد با خود  
 گفت این سوختگی خطر جانی ندارد پس آیا  
 پدر زن و مادر زنم کجا هستند چون صدائی از  
 آنها شنیده نمیشود با دلهره و اضطراب بدر  
 اطاق رسید و بدرون اطاق نظرافکنند چیزی  
 شبیه انسان در گوشه اطاق بالحقاف مچاله شده  
 دید و چها رچوب در اطاق و قسمتی از در سوخته  
 و مقداری خاکستر جلوی در اطاق در داخل  
 دهلیز بچشم میخورد پدیده های اطاق و فرش  
 اطاق تا نیمه سوخته بود و پوست های با دام  
 با مغزها درهم ریخته و بر روی آنها گرد خاکستر  
 و دود نشست بود یک فنجان پراز چای تـوی  
 نعلبکی هم چنان دست نخورده روی زمین  
 قرار داشت و یک فنجان دیگر خالی روی زمین  
 غلطیده و دیوارهای دهلیز و اطاق را دود سیاه  
 پوشانده بود و سماور که در گوشه اطاق قرار  
 داشت پراز آب و روی آن را دود سیاه پوشانده  
 و قوری که تا نیمه اش چای بود در کنار سماور  
 دیده میشد یک چرخ خیاطی دستی که تا نیمه  
 سوخته بود نزدیک سماور قرار داشت. بالاخره  
 بطرف آن لحاف مچاله شده رفت نمیتوانست  
 آن سوخته را تشخیص دهد که پدر زن است یا ماد  
 زن قدری جلو تر رفت دید مادر زن است پرسید  
 چه شده چه بر سر تان آمد؟ مادر زن سوخته  
 شده هر چه سعی کرد بلند حرف بزند نشد و نتوا  
 واضح سخن بگوید و لبهایش را بهم زد و اشک  
 از چشمهایش سرازیر شد اما دیر رسید در کجا  
 شما را سوزانده اند آهسته گفت و با اشاره  
 انگشت در اطاق داخل دهلیز را نشان داد،  
 اما مدفکر پدر زن افتاد و با عجله خود را از  
 حیاط بیرون انداخت و دیوانه وار بحال  
 وحشت در کوچه دوید چشمهایش قدرت بینائی  
 دقیق نداشت خون کوچه را رنگین کرده بود  
 ولی اثری از پدر زن نبود لذا بخانه یکی



از ساکنین، تپرسید پدر زنم کجا است؟ با او گفتند جلوی در کا رخانه (کا رگا ه قالی بافی) دوباره با عجله بیرون پرید و مضطربانه بطرف کا رگا ه رفت چشمش بداخل گودال افتاد عجب شایده عوضی میبینم شاید از خطای با صره است به چشمهایش اطمینان نکرد جلوتر رفت دید که پدر زنش را در گودال زیرها لئی ازدود و خاکستری که بر روی صورتش نشسته است مشاهده میکنند و دید که پاها و دستها و شکم زیاد سوخته و بریان شده فقط سرو سینه سالم بود و بقیه بدن سوخته و مجروح بود در این حال قدرت حرکت از پایهای او بیرون رفته بود و نتوانست از جای خود بر خیزد و در ایندم تصمیم گرفت که مادر زن را ببرد بپیر جندید کتر برساند ولی قوه حرکت ازدوپایش سلب شده بود خود را با دست و زانوهای روی زمین کشید چند متری کشان کشان رفت تا پایهایش بحرکت آید و کساله خون را در تمامی طول کوچه مشاهده میکرد و بحرکت خفیف خود ادامه میداد زیرا اتوبوسی که از ده مسافر بشهر میبرد ساعت حرکتش نزدیک میشد و ادامه میداد آن مرکب برای مداوا بشهر برساند بالاخره خود را بهر زحمتی بود بخانه رسانید و چون خودش به تنهایی نمیتوانست مادر زن را تا کنار جاده اتوبوس برساند چند نفر را صدا زد تا مادر زنش را روی یک لحاف گذاشتند و همگی اطراف لحاف را گرفتند تا بکنار جادهئی که عبور اتوبوس است برسند در این اثنا زوجه اش که دختر معصومی بود و جوانا مداشت در حالی که میدوید و فریاد میزد و مشت بر سر خود میکوبید بآنها رسید و مادر خود را در وسط لحاف بحال سوخته دیدش و او بیشتر شد و سراغ پدر را گرفت شوهر اندیشید که زنش حامله است اگر بداند بر سر پدرش چه آمده و ماجری را بفهمد ممکن است جاننش بخطر افتد به هر جان کنده بود او را قانع کرد که پدرت کاملاً سالم است و احتیاج بدکتر و دوا ندارد و لازم است به همراه ما درت به

شهر بروی و لذا به همراه مادر بشهر رفت و آن زن مجروح و محروق را تحت مداوا قرار دادند و در بیمارستان بستری کردند ولی جهش پزشکان و داروی بیمارستان اثری نکرد و بعد آن زن بحال اغما رفت و پس از عروزمدا از این جهان پر رنج و غنا بدا را خری و ملکوت اعلی روح مقدسش صعود کرد و بین یدی الله فی محضرا لاهی بنعمای لاتعد و لاتحصى مرزوق و متنعم گشت و جسد شریف او در قریه نوک درجوا مرقد شوهرش به آداب امری و مراسم دینائی مدفون گردید.

حال به بینیم محمد حسین معصومی که از اطاق منزلش بیرون رفت تا قدری علوفه خشک به گوسفندهایش بدهد و برگردد چه شد که برنگشت و چه بر سرش آمد؟ محققین و متحریان این واقعه در آثار و علائم و امکنه و مشخصات حاصله نظر دقیق افکنده و چنین نظرداده و همسایهها که از سوراخ منزلشان واقعه را مشاهده کرده گفته اند: محمد حسین معصومی وقتی از اطاق خارج شده که از انباری که علوفه خشک دارد مقدار ی علوفه برای گوسفندهایش با صطل ببرد در حین بردن علوفهها متوجه موضوع شده و صدای زنش را شنیده و با خود یک عدد بیل بداخل اصطبل برده تا بیل را داخل اصطبل بدرتکیه دهد که مهایمین نتوانند بداخل اصطبل وارد شوند و اصطبل از طرف کوچه سوراخی داشت و محمد حسین بطرف سوراخ رفته و سنگهای اطراف سوراخ را یک یک با احتیاط برداشته و در داخل اصطبل بآرامی روی هم گذاشته که صدای سنگها از خا رج شنیده نشود و وقتی که سوراخ بحد کفایت باز شده با احتیاط داخل کوچه که مهتاب بوده همه چیز را مشاهده کرده که مبادا کسی در اطراف با شد ولی در کوچه کسی را ندیده و لابد خوش حال شده که الان میروم بیرون و برای نجات زنش کمک خبر میکنند و وقتی بخیال خودش مطمئن شده که در کوچه کسی نیست از سوراخ اصطبل خود را بیرون

انداخته و بداخل کوچه می‌رود اما صیاد کین در دو متری کوچه در جایی که دیده میشد با کلنگ بحال آمده باش ایستاده بود و در گوشه‌ای تنگ کمین کرده و منتظر بود که معصومی از پناه گاه بیرون آید به محض آنکه معصومی در مقابل او واقع شد با کلنگ ضربه‌ای بر یک طرف سر معصومی وارد که خون فوراً نمود و ضربه دیگر را با پشت کلنگ بر او وارد ساخت معصومی با صدای بلند فریاد می‌زد و کمک می‌خواست فوراً خون دیواری را که در دو متری قرار داشت تا ارتفاع یک و نیم متری رنگین کرده بود و او پشت سر هم فریاد می‌زد مهاجمین آمدند و هر یک با چوبهائی که در دست داشتند بر بدن او فرود آوردند و معصومی از داخل کوچه سنگ بر میداشت و بداخل خانه مجاور پرتاب می‌کرد که بدانش برسند اما ساکنین آن منزل از پشت پنجره اطاق نظاره می‌کرده و جریان واقعه را خوبی میدیده اند ولی جرئت بیرون آمدن و کمک کردن را نداشته اند (یا نخواسته اند بیرون آیند و کمک کنند) هنوز معصومی توان حرکت داشته که مقداری بته را مهاجمین آوردند و آتش زدند و او را در میان آتش انداختند و معصومی در حال ریزش خون از سرش از میان شعله‌های آتش گریخت و بدیواری که حدود یک متر و نیم ارتفاع داشت دست انداخته با لارود و بگریزد آتش را انگشت‌های او بعلت خونی بودن دستهایش بر روی سنگی که بر آن دست انداخته تا خود را با لاکش و برود اینقدر واضح بود که گوئی بر روی سنگ با خون انگشت نگاری کرده اند قطعات سوخته لباس و لخته‌های خون دیوار گلی و سنگی را سرخ و سیاه کرده بود بالاخره او را از دیوار زیر کشیدند در میان شعله‌های آتش افکندند و صبر کردند تا هیزمها کاملاً بسوزد (یکی از شاهدان عینی گفته است که کشتن انسان آنقدر هم ساده نیست زیرا شنیدن صداها با رقصهای محمدحسین معصومی در میان شعله‌های آتش دیوانه‌کننده بود و من

پشیمانم که چرا آن منظره دلخراش را تماشا کرده‌ام) محمدحسین معصومی دیگر قوه فرار نداشت و هنوز جان در بدن داشت که طنابی بپای او بستند و او را حدود ۳۵ متر روی زمین کشیدند تا بداخل گودال انداختند (گودال حدود پنج متر از کوچه اصلی ده فاصله دارد و در کنار راهی است که بخارج ده می‌رود) باز هم هیزم و بته آوردند و بر روی او به گودال ریخته و آتش زدند و در دو طرف آتش ایستادند تا زبانه‌های آتش فروکش کند و معصومی کاملاً گداخته شود.

روزی که شب از بزرگنیک عده ژاندارم و دادستان و طبیب قانونی بر سر آن گودال آمدند و طبیب قانونی گفته است که معصومی در میان این گودال خیلی تلاش کرده که خود را نجات دهد ولی نتوانسته است و پس از اجازة گواهی طبیب قانونی جسد آن مرد شریف و مهربان و مستقیم بر ارجمال رحمان را چند نفر از اعیان شستشوداده و صورت و سینه سالم بوده و بقیه بدن بتمامه بریان گشته (ونیش کلنگ یک طرف سر را سوراخ کرده بود) و جسد او را در قریه نوک در محل مرتفعی با مراسم بهائی مدفون ساختند.

محمدحسین معصومی فرزند غلامرضا در ۱۱ شهرالعلم سنه ۷۴ مطابق ۱۳۲۳ بان ماه ۱۲۹۶ بدینیا آمده و بهائی زاده بود و سواد فارسی داشت و شغل او کشاورزی بود و او اول آذر ماه ۱۳۵۹ بشرحی که گذشت در ساعت ۱۱ بعد از ظهر صعود نمود و روح پاک و نازنین او در ملکوت ابهی در ظل عنایات لاتحصى و لقاء مولی الوری و نعماء جنت علیا شاد و مسرور است.

امه الله شکر نساء صحرا گرد بنت حبیب الله اهل سیکان در شهر العظمه ۸۱ مطابق ۳ خرداد ۱۳۵۳ بدینیا آمده و بهائی زاده بود و شغل او خانه داری و روز ۸ شهرالقول ۱۳۷ مطابق ۲۸ آذر ۱۳۵۹ بشرحی که گذشت بملکوت ابهی صعود نمود و در قریه نوک جنب مرقد شوهرش بمراسم



بها ئی مدفون شده است ، محمد معصومی پسر  
 عمه ئی دارد که عا جزو ناقص الخلقه و مسلمان  
 است و در همان قریه نوک اقامت داشته و او  
 بعد از شهادت محمد حسین معصومی بقریه  
 خونیک نقل مکان کرده و گفته است اقامت  
 من در نوک بدون وجود محمد حسین مقدور  
 نیست زیرا در نوک احدی به من کمک نمی کرد  
 و فقط این پسر دائی که او را سوزانند  
 دلسوز و کمک حال من بود که هر مشکلی داشتم  
 او حل می کرد و همیشه مواظب من بود که به  
 من سخت نگذرد و برادر زاده محمد حسین که  
 نامش غلام و مسلمان و پسر علی جان است و  
 قبلاً شکر نساء زوجه محمد حسین را سخت کتک  
 زده بود و دولت و اولیای امور کشوری غلام  
 را حبس نمودند و مدت عماره که او در حبس ماند  
 محمد حسین معصومی رضایت داد و از حبس رها  
 شد بلکه متنبه شود ولی غلام بر جرئت و جسارت  
 خود افزود و مردم را تحریک می کرد که برضد  
 بها ئیان و برضد محمد حسین و خانمش قیام  
 کنند و بهمه می گفت با محمد حسین معصومی  
 معاشرت نکنید و ده را از وجود این دو بهائی  
 پاک کنید و دائم به من می گفت بمنزل پسر  
 دائی خود که محمد حسین است قدم نگذار و با او  
 رفت و آمد نکن ولی من بحرفهایش اعتنا  
 نمی کردم و بمنزل پسر دائی که مهربان ترین  
 افراد بود رفت و آمد داشتم و همین غلام است  
 که سبب اصلی این فاجعه می باشد و سردسته  
 این فاجعه و مصیبت کبری همان غلام پسر  
 علی جان است که همیشه در تعصب و خشونت  
 خود در تهور می باشد . بعد از حرقت و شهادت  
 محمد حسین معصومی زوجه و شکر نساء اولیای  
 امور کشوری پس از تحقیقات افرادی را که  
 متهم باین ماجری بودند دستگیر نمودند ولی  
 چند نفر از اهالی مسلمان از نوغاب وزیرک  
 و جای دیگر به بیرجند رفته و استخلاص متهمین  
 را از اولیای امور درخواست کرده اند و دولت  
 وقت با قید کفیل ضمانت آن متهمین را آزاد

کرده است .  
 نگارنده شرح این واقعه جانگذا را از روی  
 نامه ها و مراسلات واصله از بیرجند که از محمد  
 ولی پسر بزرگ شهیدین و از یک نفر از اعضای  
 محفل روحانی بیرجند و از فامیل نزدیک آن  
 دوشهید بدستم رسید استخراخ و خلاصه آن نامه ها  
 را تحریر نمودم نگارنده در سنوات قبل اسفار  
 عدیده بصفحات قائنات نموده ام و احبای  
 عزیز بیرجند که در ایمان و ایقان بی مثیل  
 و احبای قراء اطرافش را که در ثبوت و استقامت  
 بی نظیرند مکرر ملاقات نموده و از مصاحبت  
 با آن جوان هروجد لذات معنوی برده ام که  
 هیچگاه از خاطرنرفته و نخواهد رفت و محبت هر  
 یک از آنان در قلبم عمیقانه مکنون و برجاست  
 و مرثیه ئی مسدس در رثاء این دوشهید مجید  
 سروده ام .

محمد حسین معصومی را هر وقت میدیدم مسرتی  
 عجیب در قلبم پدیدار میشد و مردی بود متوسط  
 القامه و متبسم و خندان و خوش رفتار و مهربان  
 و متمسک با مرجع مال متان و مستقیم بر شریعت  
 رحمان و قرینه او شکر نساء در نهایت عفت و  
 حیا و متانت و وفا و صابر در بلا ۳ پسر و ۲ دختر  
 از آن دو وجود شهید بیا دگار باقی که هر یک  
 شمع انجمن یاران و نور دیده دوستانند .  
 محمد حسین معصومی و خانمش در قریه نوک  
 اقامت داشتند و لازال مورد ایذاء و جور و جفای  
 اعداء واقع میشدند و در عوض بآنها محبت  
 و مهربانی ابراز میداشتند و همین دونفر  
 شهید در آن قریه بهائی می بودند که واحد  
 کالاف نمایان بودند و روحی لوفائهم و  
 کینونتی لتراب مرا قدهما الفداء



# تاریخ زرین شهادت

## شرح حال شهید محمد جناب رحمت الله حکیمان علیه رضوان الله

هو الله تبارک و تعالی شانه

ستایش پاک پروردگار را جلت قدرته که ظلم ظالمین و تعدی معتدین را علت وصول عاشقان به مقامات قرب معشوق و ورود مخلصان به جنان وصل مقصود مقرر فرموده و به ظهور بلایا و رزایا کلمه امریه را منتشر و اعلام ذکریه را مرتفع نموده تعالت قدرته الغالبه و اراته المحیطه که از نار نور و از حزن سرور ظاهر میفرماید.

غافلان به گمان باطل قتل و صلب را علت انخمادنا رکلمه الهیه تصور نموده اند و شهادت را نهاده اذیت پنداشته اند و غافل از آنکه سبب ارتفاع و علای امر الهی است و علت وصول شهیدان به مقامات قرب نامتناهی تعالی الحکیم الذی یفعل ما یشاء و یحکم ما یرید.

"از جمال قدم جل جلاله"

(از خانم گلنوش حکیمان)

اولین لاله بخون نشسته کویر کرمان  
نخستین پرنده رها گشته از قفس آن سامان



او به تاریخ ۲۸ خرداد ۱۳۱۱ هجری شمسی در شهرستان کرمان از استان کرمان متولد شد. پدرش جناب دکتر صادق حکیمان از اطباء خوش کردار و خوشنام و مادرش سرکار کبری خانم حکیمان بودند که هر دو سالهاست به ملکوت ابهی صعود نموده اند. یک خواهر و پنج برادر دیگر، این خانواده بهائی را کاملاً میکند. خانواده بلا به جان خریده ای که در عرض یکسال دوفون مطهر جلال و رحمت الله را عاشقانه به پای شجره انیسا نثار نمود. او تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در کرمان به اتمام رساند و در اوان جوانی به کار در وزارت کشاورزی پرداخت. کاری صادقانه و پیگیر با روحیه ای بهائیه و خستگی ناپذیر که از آرزوی خدمت به هم وطنانش نشأت میگرفت چنانکه در عرض ۳۱ سال خدمت اداری کوشش و فعالیت و صداقتش زبانزد خاص و عام بود.



آن وجودگرمی از چند سال قبل از شهادت همه ساله با عضویت در محفل مقدس روحانی شهر کرمان افتخار قدم برداشتن در راه خدمت هر چه بیشتر به امر حضرت مقصود را بدست آوردند و در مقام امانت صندوق سالها امین حبیبان الهی بودند. انقطاع، وارستگی از شئون این خاکدان فانی وتوسل به حبل ایمن و وقار و صبر و اطمینان و خدمت به جمال مبارک و یارانش در نهایت فروتنی و انکسار، از صفات ممیزه این عاشق حقیقی بود و هر چند آنکه برگزیده حق تعالی گشت و دست توانای صاحب ملکوت، اکلیل مرصع عزت سرمدی را بر سرش نهاد از قضاوت دیگر بندگان مبرا است، لکن، سرچشمه فیاض محبت جمال مبارک چنان در رگهای این فدائی طریقت حقیقت خون عبودیت جاری میساخت که از او به جز صفات و اعمال حسنه مشاهده نمیگشت.

پس از شدت گرفتن موج عدوان و دشمنی و تعطیلی تشکیلات امری در سراسر ایران به تار و پود مهرماه سال ۱۳۶۲ هجری شمسی به اطلاع رسید که حکومت یک نفر از اعضای محفل روحانی کرمان را دستگیر نموده است. با وجود این آگاهی و نیز اطلاع بر قریب الوقوع بودن اسارت و مسجونیت، آن یار با وفای دوست ابدی در انتظار تقدیری نشست که از روز ازل بر تارک حیاتش نقش بسته بود.

صبح روز جمعه ۹ دی ماه ۱۳۶۲ برابر با ۳۰ دسامبر ۱۹۸۳، بدنبال مراجعه گروهی از پاسداران انقلاب اسلامی به منزل و پس از ۸ ساعت جستجو و تحقیق و ضبط کلیه کتب و نواریهای امری و مقداری از وسائل شخصی او را به دادستانی سپاه انتقال داده و همانند دیگر اعضای محفل ممنوع الملاقات نمودند. مسئله جریان طبیعی خود را طی میکرد تا این که در روز ۱۷ دی ماه پس از یک اتفاق تصادفی با دیدن جواز دفن آن عزیز در دفتر دادستانی ابتدا خانواده و سپس تمامی احباب از شهادت ناگهانی آن مظلوم پاک در تار و پود ۱۵ دی ماه ۱۳۶۲ برابر با ۵ ژانویه ۱۹۸۴ آگاهی یافتند موج عجیبی از شور و هیجان و حسرت و حرمان نه تنها جا معه امیر که اغیار را نیز در بر گرفت. خون تازه ای در رگهای فسرده یاران به جنبش آمد چرا که زمان زمان ابلاغ کلمه الله و تبلیغ دین الله بود و با اهدای خونس به دیانت بهائی اثبات حقانیت جمال اقدس ابهی و اعتلای امر الله را خواستار بود. پرواز شهدا از حیژ امکان به قطب لامکان بدنبال هدف استحکام اساس دیانت است و مادرپی آنان باید بسوی این هدف والاگام برداریم. همسر آن وجودنا زنین به عنوان تظلم و ادخواهی و انتباه و آگاهی مراجعات مکرری به کلیه مقامات محلی و مملکتی نموده و پس از بیان اصول عقاید اهل بهاء چگونگی جان باختن همسرش را جویا گشت اما ظلم و عداوت و تعصب و شقاوت پاسخی به جز شمشیر و گلوله و بهتان و افترا و تهمت نداشته و ندارد و نخواهد داشت.

طریقه پرواز آن مرغ چمنگاه حقیقت هرگز نمیتواند به اهمیت اصل این بال و پر زدن خدشهای وارد سازد. او شهید شد و به درگاهی راه یافت که منتهی آرزوی مقربین و راجین است، و جامی نوشید که ما اسیران آب و رنگ این جهان تاریک و تنگ در آرزوی یک قطره اش گرفتار هزار گونه بلائیم. "عاشق صادق را حیات در وصال است و موت در فراق، صدرشان از صبر خالی و قلوبشان از اضطبار مقدس از صد هزار جان درگذرند و به کوی جانان شتابند."

تن بی آرایش او توسط سپاه پاسداران بدون اطلاع خانواده در گلستان جاوید کرمان در نقطه ای در صدر همه رفتگان به عالم بالا به خاک کویری سپرده شد و کلیه دوستان را راه پروردگاری بر خاک متبرک این جاودان دانه حیات ساز آیات و الواح رحمن تلاوت کردند و برای دمیدن گلهای سرخ و خونین ایمن، عرفان، عشق و عمل از این دانه پاک، بدرگاه قدس دعا نمودند این اولین بذرمحبت بود که در کویر تشنه و طالب به دست باغبان حدیقه معرفت به دل خاک سپرده میشد. باشد که خرمن خرمن گل وریا حین اعتلا و ارتفاع صیت امر الله را از آن بگیریم. از آن وجود مقدس

سه فرزند به نامهای گلنوش، نغمه، دلا را که شمره ازدواج ایشان با خانم پروین دخت کا تبی (حکیمان) میباشند به یادگار مانده است که همه در ظل امر مبارک میباشند و نهایت آرزویشان قدم گذاشتن بر جای اقدام آن عزیز است.

\*\*\*\*\*

## شرح حال شهید مجید جناب جلال حکیمان علیه رضوان الله

(از خانم دکتر طاهره خدا دوست  
فرزعی)



سال گذشته شرح حال جناب جلال حکیمان از شهدای اخیر امرالله در کشور مقدس ایران توسط سرکار خانم طاهره خدا دوست فروغی به عندلیب واصل ولی چون عین آن در مجله شریفه "پیام بهائی" بچاپ رسیده بود لذا استفاده از آن به موقع مناسبی موکول گردید. اینک که جناب رحمت الله حکیمان نیز شربت شهادت را الاجرعه نوشیده و شرح حالشان توسط فرزندان رجمندها در تهنیه و به عندلیب ارسال گردیده و شعری در باره ایشان از نه طریق دارالانشاء بیت العدل اعظم الهی شیداللهارکا نیز واصل شده، شرح حال جناب جلال حکیمان نیز با استفاده از مرقومه سرکار خانم خدا دوست فروغی تلخیص

و بنظر خوانندگان ارجمند مجله عندلیب میرسد. علاقمندان بشرح تفصیلی میتوانند به پیام بهائی چاپ کشور فرانسه مراجعه نمایند.

جناب جلال حکیمان در اوایل قرن سیزدهم شمسی در شهر کرمان در یک خانواده خدوم بهائی بدنیآ آمدند. پدر بزرگوارشان سالها عضو رئیس محفل روحانی کرمان و در بین یارو غیار به حسن خلق و خدمت به خلق مشارباً الهیان بودند. جلال تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در شهر کرمان بپایان رسانید و برای ادامه تحصیل و ورود بدانشگاه به طهران عزیمت نمود و در رشته‌ها ادبیات، روانشناسی و زبان انگلیسی فارغ التحصیل شد.

معلومات امریه را در محضر دانشمندان امر از جمله جنابان: فاضل یزدی، ناطق اصفهانی، فاضل مازندرانی، وحید کشفی، دکتر یونس خان افروخته و دیگران فرا گرفت و بر اشتیاق فراوان بمطالعه از این طریق مرتباً معلومات خویش را وسعت بخشیدایشان چندی درسیان با مرتدیس اطفال و احباباً الاخص حضرات اماء الرحمن اشتغال داشت سه سال در کرمان شاہ بسربرد و بقیه عمر را در طهران بخدمات روحانیه پرداخت. در وزارت بهداشتی بعنوان مترجم استخدام و مورد اعتماد و احترام اولیای مربوطه بود و چون اشتیاق وافر بمطالعه داشت بیشتر حقوق ماهانه خویش را صرف خرید و مطالعه کتب مینمود چنانچه کتابخانه او را شامل چند هزار کتاب دانسته اند. وجودی بود و ارسته و مظهر ادب و وقار، نفسی را نرنجاند و با مردم با ظرافت و ادب و لطف رفتار مینمود. در سال ۱۹۷۹ ز شغل خویش بازنشسته گردید و فرصت یافت که نتیجه مطالعات خویش را برشته تحریر



آورد. کتابی در پنج جلد به نام رویا تالیف و به محفل مقدس روحانی ملی بهائیان ایران برای تصویب تقدیم کرد. ضمناً محل سکونت خویش را به اصفهان منتقل نمود و در همین شهر بود که در اکتبر ۱۹۸۲ بعثت ایمانش با مرجعاً لقدمجل ذکره الاعظم گرفتار زندانی گردید و پس از چند ماه بطهران اعزام شد. در طهران ابتدا در زندان قزوین و سپس در زندان اوین زندانی شد تا اینکه در اول ماه مه ۱۹۸۳ بدرجه شهادت واصل گردید و بستگان یک هفته بعد از این واقعه با خبر شدند. علیه رضوان الله

\*\*\*\*\*

## خونِ عشق

باید حجت آیت میماند در رنج گمان بهشت رید

مهتاب از این معاشقه دلگیر میشود  
او بند را گشوده، بسی دیر میشود  
عاشق کجا به بند تو، زنجیر میشود  
او کی اسیر خاک و زمین گیر میشود  
با لانشین معبد تکبیر میشود  
تا صبح دم نگشته جها نگیر میشود  
در بستر زمانه سا طیر میشود  
با درد و رنج فاجعه تسخیر میشود  
آگه شود ز غیب چه تقدیر میشود  
با این سکوت شبزده تفسیر میشود  
و جدان شب از اینهمه تحقیر میشود  
حرفی مزین که باعث تکفیر میشود  
از عمر خویش بسکه دلم سیر میشود  
همراه عمر شب دل من پیر میشود  
یادش به لوح خاطره تصویر میشود  
با این کلام حادّه تعبیر میشود  
تا از بهشت دوست چه تبشیر میشود  
الطاف دوست باعث تأثیر میشود  
چون پانها در حرّمش شیر میشود  
هر کس که رفت عالم و تحریر میشود  
با امرارق هر آینه تدبیر میشود  
با جوهر سرشک غمزده تحریر میشود  
با خون عاشق است که تطهیر میشود

امشب حدیث عشق تو تفسیر میشود  
گفتم به شب همی که صدایش مزین، مزین  
او را صدا مزین که از این دامگه پرید  
او را صدا مزین که به افلاک رفته است  
او را صدا مزین که به همراه مرغ عشق  
او را صدا مزین که رهائی روح او  
او را صدا مزین که همین مشت خاک سر  
او را صدا مزین که ز هجران او دلم  
او رفته است در ابدیت رها شود  
گل واژه های عشق زلبهای سرد او  
شب شکوه میکند ز پلیدی روزگار  
از ظلم روزگار مگو شکوه هم مکن  
شب را چگونه صبح کنم در فراق دوست  
با راهیان شب به صبوری نشستهم  
رحمت برفت رحمت حق با دهم رهش  
نوشیده است با قدح جان زلال عشق  
شب زنده دار و منتظر وعده های صبح  
آزاده پرور است دبستان عاشقانی  
آنجا چو بیشه ایست که هر نورسیده ای  
آنجا مظفرند همه راهیان عشق  
ای دوست سرنوشت من و تو در اینجهان  
فردا حکایت تو و نا ریخ عصر ما  
آلوده پیکر است جهان خراب ما

ترجمه متن نامه

## رئیس و معاون شورای دانشگاه مک‌مستر خطاب به وزیر کابینه کانادا در مورد تضییقات اجبای ایران

جناب جوزف کلارک - وزیر مشاور در امور خارجی

اطلاع دارم که در شانزدهم جولای ۱۹۸۰ و نهم جون ۱۹۸۱ مجلس عوام قطعنامه‌های صادروطنی آن‌ها تضییقات وارده به جامعه‌های ایرانی را محکوم ساخته‌اند. این قطعنامه‌ها اقدامات مهمی بوده که محتمل بر گزارشها و قطعنامه‌هایی که متعاقباً از جانب سازمان ملل صادر شده اثر گذاشته است. ولی بهر حال از آن پس نیز تضییقات وارده بر این گروه مذهبی با هدف انهدام کامل آن در ایران ادامه داشته است. هنوز اقتضای درگیر شدن با این تضییقات و از آن جهت حمایت‌ها در ایران در پارلمان، سازمان ملل متحد و مستقیماً به دولت ایران، با شدت هر چه بیشتر محکوم گردد. بهائیان از هرگونه حمایت ممکن قانونی محروم هستند. ایشان از سال ۱۹۲۱ هدف تبعیضات قانون بوده‌اند. اینان اجازه ندارند ازدواج کنند. ما ذون به اجتماع، عبادت، یا نشر آثارشان نمیشناسند. مجاز نیستند به مدرسه بروند و رهبرانشان کشته شده و میشوند. من بشما توصیه میکنم که تا جای که امکان دارد در باره این تضییقات آگاهی حاصل کنید تا بتوانید ربات مطبوعات و اعضای پارلمان را از آن با خبر سازید تا آنکه بهائیان در انظار عموم بفراوانی سیرده نشوند. بدولت ایران نیز تا کنید تا شکایت‌ها را بآزار بهائیان دست بردارند.

با مصمیمت، الوین ا. لی



McMASTER UNIVERSITY

President and Vice-Chancellor

1280 Main Street West

Hamilton, Ontario

L8S 4L8

Telephone: 525-9140 Local 4340

December 4, 1984

The Right Hon. Joseph Clark  
Secretary of State for External Affairs

Dear Sir:

I am aware that on July 16, 1980 and June 9, 1981 the House of Commons passed resolutions condemning the persecution of the Bahá'í community in Iran. These were important actions which may well have influenced subsequent reports and resolutions in the United Nations. Since then, however, persecutions of this religious group have continued with the purpose of exterminating it entirely in Iran.

The hideous treatment of the Bahá'ís in Iran still needs to be condemned as strongly as possible in Parliament, at the United Nations, and directly to the Iranian government. The Bahá'ís have been deprived of any form of protection under the law; they have been the object of discriminatory legislation since 1921; they are not permitted to marry; they are not permitted to meet, worship or circulate writings; they are not allowed to go to school, and their leaders are being killed.

I urge you to become as fully informed about this persecution as possible; to keep members of the press and of Parliament aware of it so that the Bahá'ís are not forgotten by the public; and to urge Iran to cease the persecution of the Bahá'ís.

Yours sincerely,

Alvin A. Lee



# ترجمہ پیام بیت العدل اعظم بمناسبت برگزاری نهمین کنفرانس سالانه انجمن مطالعات بهائی

اشواق قلبی ما را به مناسبت استقبال مشتاقانہای کہ از کنفرانس منعقدہ توسط انجمن مطالعات بہائی در مورد بینش حضرت ولی امر اللہ بعمل آمدہ بہ آن ہیئت ابلاغ نمایند . در عتاب مقدسہ جہت موفقیت این اقدام بموقع نسبت بہ معرفی ولایت الہام آمیز حضرت ولی امر اللہ دعا مینمائیم .  
بیت العدل اعظم

تسمیعین بہ فی الاستقبال وتشاہدینہ با کمل صورۃ واعظم مویہۃ واتم کمال واعظم قوۃ واشد قدرۃ یتلئلا وجہہ تلالوا یتنور بہ الافاق فلاتنسی ہذہ کیفیۃ مادمت حیا لان لها آثار علی ممر الدہور والاعصار . . . . . ع

"بینش حضرت ولی امر اللہ - موضوع نهمین کنفرانس سالانہ انجمن مطالعات بہائی"

انجمن مطالعات بہائی از دوّم الی چہارم نوامبر ۱۹۸۴موفق بہ تشکیل کنفرانسی تحت عنوان "بینش حضرت ولی امر اللہ" گردید کہ باید آنرا از لحاظ کیفیّت و کمیّت بزرگترین کنفرانس سالانہای کہ تا کنون منعقد گردیدہ بر شمرد : شرکت ۱۱۵۰ نفر از ہشت کشور جہان ، حضور سہ نفر از ایدیان امر اللہ ، جناب ذکر اللہ خادم ، جناب جان ربارتزوجنا بعلیمحمد و رقادر سراسر مدّت کنفرانس ، وصول مقالہای از جناب علی اکبر فروتن ایدای امر اللہ تحت عنوان "حضرت ولی امر اللہ و بلاد شرق" ، پیام محبت آمیز جناب ویلیام سیرز ایدای امر اللہ و بالاخرہ همکاری و مشارکت در برنامہای کنفرانس توسط تعداد زیادی از افراد صاحب نظر را میتوان از مشخصات بارز این کنفرانس منظور داشت .

ہمہ سالہ یکی از محققین بہائی در برنامہای کہ بنام ایدای متصاعدا امر اللہ جناب حسن بالیوزی تأسیس شدہ مقالہ ویا رسالہای تحقیقی ارائه مینماید . امسال جہت این برنامہ جناب دیوید

ها فمّن عضویت العدل اعظم مقاله محققانه ای درباره حضرت ولی امرالله تحت عنوان "شوقی افندی - مبین آیات الله" ارسال فرموده بودند که بوسیله صیّه ایشان خانم دکتر می هافمن بالریو قرائت گردید. مجموعه ۲۱ سخنرانی ارائه شده در کنفرانس را میتوان در چهار گروه بارز بشرح زیر طبقه بندی و خلاصه نمود:

الف - بیان خاطره هائی از تشرف جناب خادم و جناب ربّا رتبه حضور حضرت ولی امرالله: متعاقب این برنامه در یک جلسه سؤال و جواب مشاّر الیها با قرینه های محترمه شان و هم چنین سرکار خانم سمیعہ بنانی همسرایادی فقید امرالله جناب موسی بنانی شرکت نموده و به سؤالات حاضرین ضمن بیان خاطره های خود پاسخ دادند.

ب - ارائه ۹ مقاله تحقیقی درباره "بینش حضرت ولی امرالله که در آنها تجزیه و تحلیلی عمیق از نقش حضرت ولی امرالله در اجرای تعالیم حضرت بهاء الله جهت استقرار نظم جهان آرای الهی، تأسیس مدنیت جهانی حضرت بهاء الله، تشریح و تفهیم و بثمر رساندن فرامین تبلیغی حضرت عبداله بهاء و ترجمه آثار الهی بزبان انگلیسی بعمل آمده بود.

ج - معرفی سه اثر از آثار معروف حضرت ولی امرالله بشرح زیر:

بررسی کتاب "قرن بدیع" توسط جناب گلن ایفورد  
بررسی کتاب "دوربهای" توسط جناب ویلیام هچر  
بررسی کتاب "ظهور عدل الهی" توسط جناب ریچارد توماس

د - اجرای برنامه مخصوصی در موضوع صلح: در این برنامه یکی از شخصیت های برجسته غربهای یعنی جناب آقای دکتر در ریگوکا رازو رئیس فعلی دانشگاه صلح سازمان ملل متحد و رئیس جمهور گذشته کاستاریکا تحت عنوان: "صلح یک وظیفه عمومی است" سخنرانی جالبی براساس بینش حضرت ولی امرالله ایراد نموده و بطور موسع از آثار حضرت ولی امرالله شاهد آوردند. سخنران بهائی این قسمت از برنامه جناب آقای دکتر حسین دانش بودند که تحت عنوان "وحدت - اساس خلاصه صلح" نظرات دیانت بهائی را در تحقیق صلح ابراز داشتند - مکمل این برنامه بیانات گرم و قابل توجه سرکار خانم ماریون دوارشهر دارشهر آتا و اجرای برنامه موسیقی توسط خانم نَنسی اِکِرْمَن وجان گریز بود.

در این کنفرانس برنامه های موسیقی بسیار ارزنده ای اجرا گردید که بعضی از آنها صرفاً جهت این مؤتمر مهم تاریخی تنظیم شده بود. در این برنامه ها هنرمندانی از قبیل جک لنز - گردی مونرو - نیتوا ایزرلین - مارک اشو و اعضاء گروه کُرطاهره شرکت نمودند. از آخرین مراحل کنفرانس بایده سه مطالعه گروهی که بصورت همزمان درباره سه موضوع مهم یعنی صلح، تنظیم برنامه های آموزشی و تهجی کلمات فارسی و عربی به انگلیسی (Transliteration) تشکیل شد اشاره نمود.

کلیه سخنرانی های کنفرانس روی نوار کاست ضبط و اکثر شرکت کنندگان نوارهای مزبور را ابتیاع نمودند. مضافاً سخنرانی حضرات ایادی و بعضی دیگر از ناظرین بر نوار ویدیو نیز ضبط گردیده است. با توجه به عمق و دقت مطالب ارائه شده در این کنفرانس که بنوبه خود بی نظیر بوده است انجمن مطالعات بهائی در نظر دارد اقدام به انتشار کتابی تحت عنوان "بینش حضرت ولی امرالله" نماید که اکثر این مطالب را شامل خواهد شد. جهت اطلاع خوانندگان محترم این



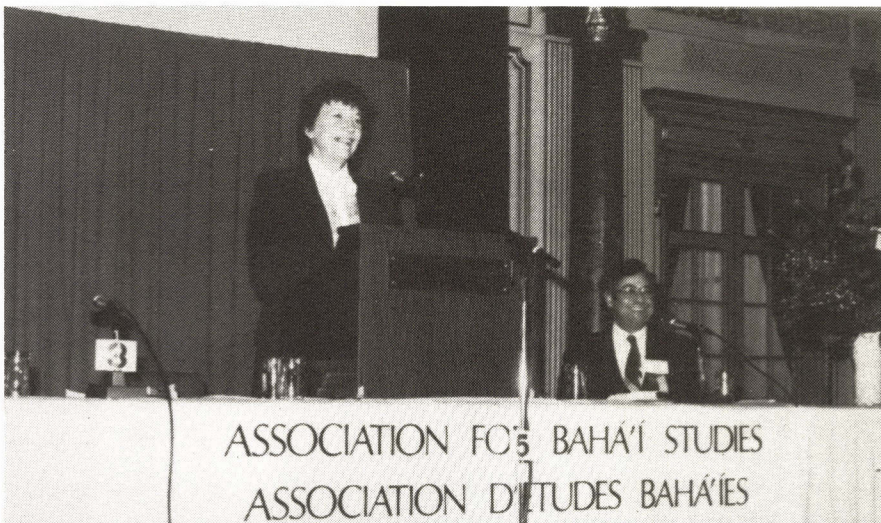
## عکس از راست به چپ



۱- جناب خادم - خانم زبارتز  
جناب زبارتز - خانم بنانی و خانم خادم



۲ - خانم کارازو - جناب کارازو  
جناب دانش - جناب ارباب



۳ - جناب دانش  
بانو دوار شهردار آتادوا



سطور مطالبی چند از سخنرانی ارائه شده را بطور نمونه نقل نموده و امیدوار است در آتیه با کسب اجازه از تهیه کنندگان مطالب کنفرانس موفق به ارائه متن کامل کلیه مقالات و سخنرانی ها گردد.

۱- جناب ایادی امرالله علی اکبر فروتن رقیمه خویش را چنین آغاز مینمایند: "این عبد دوبا را افتخار تشریف بساحت اقدس داشته و بزیارت اماکن مشرفه و روی دلجوی مولای عزیز حضرت ولی امرالله نائل گشته ام... هیکل مبارک... پس از صعود حضرت مولی الوری زمام امور اهل بها را در شرق و غرب عالم بر حسب وصایای مبارکه مرکز عهد جمال قدم بدست توانای خویش گرفته و در طول سی و شش سال ولایت عظمی چنان امر اقدس ابهی را با وجاعتلاء رساندند که خیره مانند در آن دیده اولواالبصار." سپس شرحی کامل و جامع و موجز از دوران ولایت بیان مینمایند. افتتاح و اختتام رقیمه ایشان با اشاره به بیت العدل اعظم صورت میگیرد: "حضرت ولی امرالله در اولین پیامی که بخط زیبای معجز آسای خویش خطاب به یاران ایران مرقوم نموده اند من جمله چنین میفرمایند قوله الاحلی: "تمهیدات لازمه کار برای انتخاب و تاسیس بیت العدل عمومی پس از مشورت و دقت تام ابلاغ به یاران خواهد شد..."

سپس به تأکیدات و راهنمایی های مبارک درباره لزوم تأسیس محافل روحانیه در کلیه شهرها و قرئ و قصبات و آشنا نمودن یاران به اصول نظم بدیع در کشورهای ایران، هندوستان، پاکستان، برمه، مصر، سودان، ترکستان روس و ممالک عثمانیان و همچنین توجه یاران به اصول روحانی و احترام از ناقضین میثاق ضمن توافقی متعدد اشاره مینمایند. در این رقیمه امور مهمه ای که درد و ره ولایت مبارک در ایران و کشور های مجاور و وقوع پیوسته در چهار قسمت عمده یعنی جمع آوری الواح و آثار مبارک، تحکیم اساسی احصائیه احباء و تسجیل آنان در دفتر سجلات امری، توجه احباء به منصوصات کتاب مستطاب اقدس و الواح وصایای حضرت عبدالبها و بالاخره تشکیل محافل ملیّه، اعمده بیت العدل اعظم الهی، تقسیم بندی شده است. امور مهمه دیگری از قبیل عضویت نسوان در محافل روحانی محلی و ملی، ایصال مرقومه محفل ملی آمریکا و کانادا به رضاشاه، اعزام میس مارثا روت و میسیس کهلر به ایران، تأکید در تقدیم تبرعات، تربیت اطفال و لزوم مهاجرت به اطراف و اکناف عالم را اشاره نموده و بیانات خویش را چنین خاتمه میدهند "استقامت و جانفشانی و شهادت یاران ایران... نتیجه تربیت و تعلیم ملکوتی مولای عزیز در طی سی و شش سال است والحمد لله در زمانی زندگی مینمائیم که آرزوی هیکل مبارک یعنی تأسیس بیت العدل اعظم کاملاً تحقق یافته و آنچه را... در سال ۱۹۲۲ بیاوران ایران مؤده تحقق آنرا داده بودند در سال ۱۹۶۳ تحقق یافت."

۲- مقاله جناب دیوید هافمن تحت عنوان "حضرت ولی امرالله - مبین آیات الله"، سیوری تحقیقی در حیات و آثار و اقدامات حضرت ولی امرالله ز سال ۱۹۲۱ که به بمقام ولایت امرالله منصوب شدند میباشد.

در این مقاله بدو اساس نصوص صریحه الواح مبارکه و وصایای حضرت عبدالبها دو مقام یعنی وظیفه صیانت امرالله - "حصن حصین امرالله به اطاعت من هو ولی امرالله محفوظ و مصون ماند" و وظیفه تبیین آیات الله - "اوست مبین آیات الله"، مشخص شده و تعریفی جامع و کامل از مبین و رابطله آن با شارع امر و مفسر آیات او بعمل آمده است: "حضرت ولی امرالله آنچه را در بطون آثار رطلعات ثلاثه امرالهی مستور بوده برای جامعه بھائی تبیین فرموده و قوانین و احکام نازل در آثار الهی را بر اساس ما موریت محوله جامعه عمل پوشانیده و درباره نظم اداری بوضوح اشاره نموده اند که



«همینکه اجزای مرکبه و تأسیسات اصلیه اش با کمال اتقان و جدیت شروع به فعالیت نمود دعوی خود را مبرهن داشته، ثابت خواهد کرد که نه تنها قابلیت آن را دارد راست که بمنزله هسته نظم بدیع الهی محسوب گردد بلکه نمونه کامل آنست و باید در میقات خود عالم انسانی را فرا گیرد.»<sup>۳</sup>

در جای دیگر مقاله اش اشاره باین اصل نموده اند که هما گونه که رشد و نمای هر ذیروح فقط بسته به قابلیت آن ذیروح نبوده و عوامل خارجی از قبیل نور و حرارت نیز لازم رشد آن ذیروح محسوب میشوند نقش حضرت ولی امرالله نیز شکل دادن و عملی نمودن قابلیت رشد افراد و جامعه بوده و در سراسر تاریخ جهان شخصیت منحصر به فردی محسوب میشوند که بزرگترین اثر را بر طریق حقیقی تشکیل جامعه بشری اعمال نموده اند. مبدء این حرکت تکاملی را حضرت بهاء الله باین بیان که "آنچه دارید بنمائید" ابراز داشته و حضرت ولی امرالله آنرا به منصفه ظهور آورده اند. به عقیده نویسنده مقاله در حقیقت قالب نهائی اجتماع انسانی شکل گرفته ولی ترقی انفرادی را درون این قالب کلی هرگز پایانی متصور نیست. احبای اولیه معا صرخویش را که مانع سد سربازانی جانبا ز در خدمتش بودند تعلیم فرموده، دیدی گسترده عطا نموده و آنان را بسوی فتح و فیروزی هدایت فرموده است. توقیعات مبارکه در سالهای ۱۹۲۲ و ۱۹۲۳ مشحون از نرمی و قاطعیت کلام بوده و هدف آنها شناساندن عظمت یوم الله به جامعه بهائی بوده است.

در جای دیگر مقاله اش اشاره شده است که هیکل مبارک سه مشخصه کامل را از متون سه اثر مهم الهی در انظار اهل بها جلوه داده اند که عبارتند از: اول الواح مبارکه و صایای حضرت عبدالبها به عنوان "منشور نظم جهانی" ثانی لوح کرمل به عنوان "منشور استقرار مرکزاداری امرالله بر جبل الهی" به استناد "سوف تجری سفینه الله علیک" و ثالث ۴ لوح تاریخی یا فرامین تبلیغی حضرت عبدالبها که در اثناء جنگ اول جهانی خطاب به احبای آمریکائی شمالی جهت تبلیغ امرالله نازل گردیده اند.

نویسنده محترم مقاله با اشاره به آثار شناخته شده حضرت ولی امرالله از قبیل "قد ظهر یوم المیعاد" "ظهور عدل الهی"، "کتاب قرن بدیع" و غیره بینش حقیقی هیکل مبارک را با موشکافی خاصی ترسیم و تشریح نموده و نتیجه میگیرند که ولی امرالله عملاً ولی وحدت، ولی تربیت، ولی هدایت برادر حقیقی ما و بعبارة آخری "مبین آیات الله بوده اند.

در پایان مقاله قسمتی از بیانات معجز آسای حضرت ولی امرالله که در آن بانهایت ایجاز و اتقان تصویری روشن از وضع کنونی نظم بدیع و اساس آن، مرکز الهام آن، حامیان آن، اعمده و تأسیسات آن و خاصیت جهانی بودن آن مرتسم گشته و اشاره به استقرار صلح اکبر و ظهور عصر ذهبی و استقرار ملکوت حضرت بهاء الله میباشد مسک الختام قرا گرفته است.

۳- جناب آقای دکتر در ریگوکا رازو رئیس دانشگاه صلح سازمان ملل متحد سخن خود را از تشکیل کنگره بین المللی صلح متشکله در سال ۱۸۴۳ شروع کرده و اشاره نموده اند که از آن تاریخ به بعد موضوع صلح به دفعات عنوان شده و امروز دیگر وظیفه ما این نیست که بدنبال آزمایش روشهای مختلف گردیم بلکه باید دانش کافی جهت استقرار صلح را بیا موزیم. قرارداد های صلح اگر چه طرفین متعهد را خوشنود میکند ولی اعتبار آنها بیش از مجموعه ای از اوراق رویه مانده نباشته شده نبوده و بهیچوجه امنیتی را که مورد نظر است به عالم بشری عرضه نداشته و آینده ای مطمئن به نسل ما مژده نمیدهد. باید قیود فکری را از میان برداشت و ارتباط را با گذشته گسیخت و روشی نو برای استقرار صلح اتخاذ کرد سپس به دنیای موجود در هیئت اجتماع اشاره میکنند که یکی "نیروی تجزیه طلب" و دیگری نیروی "مولفه" نامیده میشود و بهائیان را در زمره حامیان نیروی

مولفه میخوانند .

پس از شرح مبسوطی که درباره اقدامات ، اهداف ، تشکیلات و آئینده دانشگاه صلح سا زمان ملل  
ا برار میدارند مجدداً خطاب به شرکت کنندگان در کنفرانس چنین میگویند : " برای من افتخاری  
نا درو شفاف انگیزاست که با حضار جلسه ای صحبت کنم که عرض اندام در قبال افکار بلندشان مشکل  
است . جناب آقای کارازو در سخنرانی خود به کرات به شخص حضرت ولی امرالله و آثار مبارک  
ا اشاره مینمایند .

" حضرت شوقی افندی ملاک کار را برایمان و عمل گذاشته و میفرمایند : " آثار گوناگون توسعه  
دائماً لاتساع تشکیلات نظم داری که طلوعه استقرار تمدن جهانی محسوب میشوند شواهد قاطعی  
هستند که بفرموده حضرت بهاء الله " این جنگ های مخرب محو شده و صلح اعظم استقرار خواهد یافت  
نزاع وجدال و خونریزی از میان رفته و آثار داندانی بمنزله افرادیک خاندان تلقی خواهند  
شد " ( ترجمه )

از زمانیکه تکنولوژی امکان داد که کره زمین را از دور و بر صفحه تلویزیون مشاهده کنیم ایمن  
احساس الهام بخش که " عالم یک وطن " و آثار داندانی افرادیک خاندان هستند بوضوح در درون  
ما زنده شد :

در پایان نطق خود باین بیان حضرت ولی امرالله اشاره مینمایند که میفرمایند " رسالت ایشان  
( حضرت بهاء الله ) ، اظهار این مطلب است که دوران صباوت نسل بشری بسرآمده و انقلابات  
ناشیه از دوران شبابتدریجا و با تألم راه را برای دوران بلوغ عالم هموار میسازد " حضرت  
بهاء الله دورانی را وعده میدهند که آنرا میتوان عصرالاعمارنامید ، دورانی که شمشیرها  
تبدیل به گاوآهن شده و ملکوت الهی که حضرت مسیح مژده آنرا داده اند استقرار یافته و صلح حقیقی  
و دائمی بر کره ارض مستقر گردد . " و بالاخره باین جمله بیانات خود را خاتمه میدهند :  
" با مطالعه آثار حضرت شوقی افندی خوشبینی من در اثر مطالع البهائمیزی که از سخنان  
ایشان مکشوف میگردد از دیا دیا فته و میتوانم راه مشکلی را که برای استقرار صلح در پیش گرفته ام  
ادامه دهم " :

\*\*\*\*\*

قابل توجه خوانندگان : کمیسیون انتشارات فارسی انجمن مطالعات بهائی به منظور نیل به  
هدفهای زیر تشکیل گردیده و کلیه محققین محترم بهائی را به همکاری دعوت مینماید .  
۱- ایجاد زمینه و وسیله ای برای دانشمندان بهائی که مایلند به زبان فارسی تحقیقات  
تازه ای ارائه نمایند .

۲- تحقیق در آثار فضلای امرای قبایل ابوالفضائل گلیایانی ، فاضل مازندرانی ، اشراق  
خاوری و نظائر آنان به هر یک از دو منظور زیر :  
الف - آشنائی بیشتر به نوع و نتایج تحقیقات فضلای فوق الذکر  
ب - تهیه مطالب متناسب از مطالعات این فضلا که ترجمه آنها به زبانهای دیگر در جهت معرفی  
بیشتر امر به جامعه محققین بهائی و غیر بهائی مؤثر باشد .

۳- تهیه مقدمات ایجاد دایرة المعارفی از اصطلاحات بکار رفته در آثار امیری که آشنائی با  
ریشه و تاریخ آن اصطلاحات به درک عمیق تر مطالب کمک مینماید .  
از کلیه علاقمندان به همکاری در موارد فوق الذکر خواهشمند است تحقیقات و مطالعات خود را به  
آدرس زیر ارسال نمایند .

Association For Baha'i Studies  
P. O. Box 91055  
WEST VANCOUVER B.C. V7V 3N3  
CANADA





## آخذ کتاب منتخبی از آثار حضرت بهاء الله

«از آقامی و کتر حید رافقی»

حضرت ولیّ عزیزا مرالله در سال ۱۹۳۵ میلادی جامعه بهائی غرب را به داشتن مجموعه‌ای ازمنتخبات آثار حضرت بهاء الله که تحت عنوان :

Gleanings from the Writings of Bahá'u'lláh

ترجمه نموده بودند مفتخر فرمودند . قبل از ترجمه و انتشار این مجموعه حضرت ولیّ امرالله بعضی از مناجاتهای جمال قدم و کلمات مبارکه مکنونه را در سال ۱۹۲۳ و ایقان شریف را در سال ۱۹۳۱ ترجمه و منتشر فرموده بودند و پس از انتشار کتاب گلینینگز نیز ترجمه انگلیسی مجموعه‌ای از ادعیه و مناجاتهای حضرت بهاء الله و لوح مبارک شیخ را به ترتیب در سال های ۱۹۳۶ و ۱۹۴۱ میلادی منتشر ساختند . با توجه با این نکته که تا سنه ۱۹۳۵ میلادی فقط چند اثر مهم جمال قدم به انگلیسی ترجمه شده بود میتوان تصور کرد که انتشار کتاب گلینینگز تا چه حدّ به تقویت بنیه معنوی جامعه غرب و تقرب یاران آن سامان به روح تعالیم جمال قدم و توسعه بینش و جهان بینی آنان مساعدت نمود .

نگاهی سریع به مندرجات کتاب نشان میدهد که حضرت ولیّ امرالله نصوصی از اولین تا آخرین آثارنازله از قلم جمال قدم را که خطاب به افراد بهائی و غیر بهائی به السنه فارسی و عربی عزّ نزول یافته در کتاب گلینینگز جمع آوری فرموده اند . گرچه این مجموعه شامل تمام مسائل مطروحه در آثار جمال قدم نیست اما امّات مطالب را ولو باختصار در بردارد و لذا میتواند عماره اعتقادات اصلیّه اهل بهاء را بدست دهد . مندرجات این اثر مقام جمال قدم و هدف از رسالت و مشکلات و مصائب حضرتش را عرضه میدارد ، اساسی ترین تعالیم اخلاقی شریعت بهائی نظیر ادب ، صدق ، انصاف و اطاعت از حکومت را ارائه میدهد و خواننده را با اهمّ مواضع عرفانی و فلسفی مندرج در آثار حضرت بهاء الله نظیر خلقت ، عوالم الهی ، موت و حیات ، اجل محتوم و معلّق ، مقام و استمرار تجلّی مظهر مقدّسه الهیه و مقام انسان آشنا میسازد . بعلاوه این مجموعه الواح صیام ، رضوان ، کرمل و حج را که هر يك از آثار مهمّه نازله از قلم جمال قدم میباشد دربر دارد .

غناي سرشار مطالبی که شمه‌ای از آن بر شمرده شد سبب گردید که این کتاب در بین کتب و مطبوعات بهائی مقامی خاصّ و استثنائی پیدا نماید و از لحظه انتشار تا امروز در محافل و مجالس و کلاسها و مدارس تا بستانه بهائی مورد مطالعه و رجوع قرار گیرد و قطعاتش در مدها مقاله و جزوه و کتابی که در ظرف نیم قرن اخیر به زبان انگلیسی نشر گشته بطور

مستقیم و غیرمستقیم نقل گردد و تمام و یا قسمتهائی از آن به السنه عدیده در سراسر عالم بهائی ترجمه و نشر شود.

اهمیت این کتاب از نظر حضرت ولی امرالله بحدی بود که مطالعه آن را به کرات به احبای الهی و ناشرین نفعات الله مخصوصاً جوانان بهائی متذکر شدند و باینجهت امروزه تدریس آن بعنوان یکی از مواد اصلی برنامه های آموزشی غالب مدارس تا بستانه بهائی درآمده و نیز در بسیاری از کلاسهای مطالعه معارف بهائی در سراسر عالم بهائی تدریس میگردد. پس از طبع و انتشار این اثر تعدادی از احبای غرب سؤالاتی درباره بعضی از نکات و مطالب مندرجه در کتاب مطرح نمودند که در جواب آنها از طرف حضرت ولی امرالله توضیحات و تصریحات مهمی صادر گشته که قسمت اعظم آنها هنوز طبع نرسیده است.

پس از نشر کتاب گلینینگز همواره علاقه و فیری بین احبای شرق وجود داشت تا اصل فارسی و عربی نصوص مندرج در این مجموعه را زیارت نمایند. نفس نفیسی که در این سبیل پیشقدم گردید و با صرف وقت بسیار و پشتکاری تحسین انگیز با مراجعه به ده ها مجموعه خطی و چاپی آثار مبارکه اصل قطعات عدیده از کتاب را تعیین و مشخص نمود فاضل جلیل القدر جناب عبدالحمید اشراق خاوری علیه رضوان الله بود که مجموعه ای نفیس از یافته های خود ترتیب داد اما عمر پربارش به اتمام این کار وفا ننمود ولی سرانجام آنچه آن نفس بزرگوار یافته بود بتدریج تکمیل گردید و بالاخره در سال ۱۹۸۳ میلادی لجنه نشر آثار امری به السنه شرقیه در آلمان توفیق یافت تا اصل این نصوص را که از طرف معهدا علی تکمیل و تنظیم گشته بود در مجلّدی وزین و نفیس تحت عنوان منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله منتشر سازد و به انتظار و اشتیاق پناه ساله یاران شرق پایان دهد!

ترتیب قطعات مندرجه در این مجموعه که در ۲۲۲ صفحه و بخطی خوش نشر گردیده عیناً مانند نسخه انگلیسی است جز آنکه به دو قطعه مجزا که در نسخه انگلیسی به اشتباه یک شماره داده شده (شماره ۱۶۱) در کتاب منتخبات دوشماره اختصاص یافته و لذا تعداد قطعات که در کتاب انگلیسی ۱۶۵ قطعه میباشد در کتاب منتخبات به ۱۶۶ قطعه بالغ گردیده است.

برای احبای الهی و مخصوصاً نفوسی که به تحقیق و تتبع در آثار بهائی مشغولند حائز اهمیت و فیر است که مأخذ و نام مخاطب هر قطعه را بدانند تا بتوانند در صورت احتیاج به اصل مأخذ رجوع نموده تمام لوح را که در اکثر موارد فقط قطعه ای از آن ترجمه گشته مطالعه نمایند - به این منظور در صورت ذیل اسم اثر و اسم مخاطب و مطلع و مأخذ هر قطعه را به ترتیب شماره ای که در کتاب منتخبات به هر قطعه داده شد عرضه میدارد





کلمات و علائم اختصاری	مشخصات کامل
تسبیح	رساله تسبیح و تهلیل ، تألیف عبدالحمید اشراق خاوری (طهران: مؤسسه مکی مطبوعات امری، ۱۲۹ بدیع)، ۳۲۲ صفحه
ج	جلد - مجلد
حیات	حیات بهائی ، تألیف عنایت الله سهراب (طهران: مؤسسه مکی مطبوعات امری، ۱۲۲ بدیع) ، ۲۰۲ صفحه
رحیق	رحیق مختوم ، تألیف عبدالحمید اشراق خاوری (طهران: مؤسسه مکی مطبوعات امری ، ۱۳۰ بدیع) ، جلد اول ، ۷۶۳ صفحه
سوره	سورة الملوك (محل و نام ناشر و تاریخ ندادن چاپ سری) ، ۳۸ صفحه
شیخ	لوح مبارک خطاب به شیخ محمد تقی مجتهد صفهائی معروف به نجفی (قا هره : سعادت ، ۱۹۲۰) ، ۱۳۵ صفحه
ص	صفحه
طن	طبع نشده است
مآئده	مآئده آسمانی ، تألیف عبدالحمید اشراق خاوری (طهران: مؤسسه مکی مطبوعات امری ، ۱۲۹ بدیع) ، جلد چهارم (۳۷۲ صفحه) ، جلد هفتم (۲۵۵ صفحه) ، جلد هشتم (۱۹۳ صفحه) مجموعه ای از الواح جمال اقدس ابهی که بعد از کتاب اقدس نازل شده (لانگنها یین : لجنه نشر آثا را مری بلسان فارسی و عربی ، ۱۳۷ بدیع) ، ۱۷۵ صفحه
مجموعه آلمان	
مجموعه بمبئی	[مجموعه الواح جمال قدم مشهور به اقدس بزرگ] (بمبئی : ناصری ، ۱۳۱۴ هـ ق) ، ۲۶۳ صفحه
مجموعه مصر	مجموعه الواح مبارکه حضرت بهاء الله (قا هره : سعادت ، ۱۹۲۰) ، ۴۱۲ صفحه
محاضرات	محاضرات ، تألیف عبدالحمید اشراق خاوری (طهران : مؤسسه مکی مطبوعات امری ، ۱۲۱ بدیع) ، جلد دوم ، ص ۵۸۶ تا ۱۱۲۸
م ف	مأخذ فوق
مقصود	لوح مقصود (قا هره : سعادت ، ۱۹۲۰) ، ۳۲ صفحه



شماره	اسم اثر	اسم من طلب	مطلع	ماخذ
۱	-	آقا محمدحسن	سبحانك اللّٰه يا الهى كيف اذكرك بعدا لذى ايقنت بان	ط ن
۲	-	جمعى از احبّاء	قد تحرك القلم الاعلى و اراد ان يذكر اولياءه الذين قبلوا	آثار، ج ۲، ص ۶۰
۳	-	استاد محمد سلما نى	امرى كه لم يزل و لا يزال مقصود نبين و غايه رجاى مرسلين	ط ن
۴	-	غلام حسين	يا غلام قيل حسين مخصوص جميع اسامى المذكوره در نامه آيات	ط ن
۵	-	جمال	اى جمال به مقرر اقدس وارد شدى و به منظرا كبريا نرگشتى	اقتدارات، ص ۲۲۰-۲۲۱-۲۲۲
۶	-	-	الحمد لله از درياى عنايت الهى آشا مىدى و به افقا على توجه	ط ن
۷	-	جناب ميرزا ماقوق مشرف فوج	انشاء الله بعنايت حق حلّ جلاله از حقيق عرفان بياشامى و	ط ن
۸	-	-	(نگاه كنيد به يادداشت شماره ۵)	ط ن
۹	-	حسين	يا حسين بعضى از احباب ارض منتظر ظهور حسيني بودند چه كه	ط ن
۱۰	-	احبّاءى خراسان	قلم اعلى در سخن عكابه احبّاءى ارض خا ء توجه نموده يعنى	مجموعه مصر، ص ۲۶۸-۲۶۹
۱۱	لوح كرم	-	حبّذا هذا اليوم الذى فيه تضرّعت نفحات الرحمن فى	مجموعه آلمان، ص ۱-۲
۱۲	رضوان العدل	سيد محمد رضا شه ميرزا	هذا لوح فيه بعث الله اسمه العادل و نفخ منه روح العدل	آثار، ج ۴، ص ۲۵۴
۱۳	كتاب ايقان	سيد محمد خا ل اكبر	الباب المذكور فى بيان ان العباد لن يصلوا الى شاطئ	ايقان، ص ۱۱۰۳-۱۱۲، ۸-۹، ۱۴-۱۵-۱۶-۱۷-۱۸-۱۹-۲۰-۲۱-۲۲-۲۳-۲۴-۲۵-۲۶-۲۷-۲۸-۲۹-۳۰-۳۱-۳۲-۳۳-۳۴-۳۵-۳۶-۳۷-۳۸-۳۹-۴۰-۴۱-۴۲-۴۳-۴۴-۴۵-۴۶-۴۷-۴۸-۴۹-۵۰-۵۱-۵۲-۵۳-۵۴-۵۵-۵۶-۵۷-۵۸-۵۹-۶۰-۶۱-۶۲-۶۳-۶۴-۶۵-۶۶-۶۷-۶۸-۶۹-۷۰-۷۱-۷۲-۷۳-۷۴-۷۵-۷۶-۷۷-۷۸-۷۹-۸۰-۸۱-۸۲-۸۳-۸۴-۸۵-۸۶-۸۷-۸۸-۸۹-۹۰-۹۱-۹۲-۹۳-۹۴-۹۵-۹۶-۹۷-۹۸-۹۹-۱۰۰-۱۰۱-۱۰۲-۱۰۳-۱۰۴-۱۰۵-۱۰۶-۱۰۷-۱۰۸-۱۰۹-۱۱۰-۱۱۱-۱۱۲-۱۱۳-۱۱۴-۱۱۵-۱۱۶-۱۱۷-۱۱۸-۱۱۹-۱۲۰-۱۲۱-۱۲۲-۱۲۳-۱۲۴-۱۲۵-۱۲۶-۱۲۷-۱۲۸-۱۲۹-۱۳۰-۱۳۱-۱۳۲-۱۳۳-۱۳۴-۱۳۵-۱۳۶-۱۳۷-۱۳۸-۱۳۹-۱۴۰-۱۴۱-۱۴۲-۱۴۳-۱۴۴-۱۴۵-۱۴۶-۱۴۷-۱۴۸-۱۴۹-۱۵۰-۱۵۱-۱۵۲-۱۵۳-۱۵۴-۱۵۵-۱۵۶-۱۵۷-۱۵۸-۱۵۹-۱۶۰-۱۶۱-۱۶۲-۱۶۳-۱۶۴-۱۶۵-۱۶۶-۱۶۷-۱۶۸-۱۶۹-۱۷۰-۱۷۱-۱۷۲-۱۷۳-۱۷۴-۱۷۵-۱۷۶-۱۷۷-۱۷۸-۱۷۹-۱۸۰-۱۸۱-۱۸۲-۱۸۳-۱۸۴-۱۸۵-۱۸۶-۱۸۷-۱۸۸-۱۸۹-۱۹۰-۱۹۱-۱۹۲-۱۹۳-۱۹۴-۱۹۵-۱۹۶-۱۹۷-۱۹۸-۱۹۹-۲۰۰-۲۰۱-۲۰۲-۲۰۳-۲۰۴-۲۰۵-۲۰۶-۲۰۷-۲۰۸-۲۰۹-۲۱۰-۲۱۱-۲۱۲-۲۱۳-۲۱۴-۲۱۵-۲۱۶-۲۱۷-۲۱۸-۲۱۹-۲۲۰-۲۲۱-۲۲۲-۲۲۳-۲۲۴-۲۲۵-۲۲۶-۲۲۷-۲۲۸-۲۲۹-۲۳۰-۲۳۱-۲۳۲-۲۳۳-۲۳۴-۲۳۵-۲۳۶-۲۳۷-۲۳۸-۲۳۹-۲۴۰-۲۴۱-۲۴۲-۲۴۳-۲۴۴-۲۴۵-۲۴۶-۲۴۷-۲۴۸-۲۴۹-۲۵۰-۲۵۱-۲۵۲-۲۵۳-۲۵۴-۲۵۵-۲۵۶-۲۵۷-۲۵۸-۲۵۹-۲۶۰-۲۶۱-۲۶۲-۲۶۳-۲۶۴-۲۶۵-۲۶۶-۲۶۷-۲۶۸-۲۶۹-۲۷۰-۲۷۱-۲۷۲-۲۷۳-۲۷۴-۲۷۵-۲۷۶-۲۷۷-۲۷۸-۲۷۹-۲۸۰-۲۸۱-۲۸۲-۲۸۳-۲۸۴-۲۸۵-۲۸۶-۲۸۷-۲۸۸-۲۸۹-۲۹۰-۲۹۱-۲۹۲-۲۹۳-۲۹۴-۲۹۵-۲۹۶-۲۹۷-۲۹۸-۲۹۹-۳۰۰-۳۰۱-۳۰۲-۳۰۳-۳۰۴-۳۰۵-۳۰۶-۳۰۷-۳۰۸-۳۰۹-۳۱۰-۳۱۱-۳۱۲-۳۱۳-۳۱۴-۳۱۵-۳۱۶-۳۱۷-۳۱۸-۳۱۹-۳۲۰-۳۲۱-۳۲۲-۳۲۳-۳۲۴-۳۲۵-۳۲۶-۳۲۷-۳۲۸-۳۲۹-۳۳۰-۳۳۱-۳۳۲-۳۳۳-۳۳۴-۳۳۵-۳۳۶-۳۳۷-۳۳۸-۳۳۹-۳۴۰-۳۴۱-۳۴۲-۳۴۳-۳۴۴-۳۴۵-۳۴۶-۳۴۷-۳۴۸-۳۴۹-۳۵۰-۳۵۱-۳۵۲-۳۵۳-۳۵۴-۳۵۵-۳۵۶-۳۵۷-۳۵۸-۳۵۹-۳۶۰-۳۶۱-۳۶۲-۳۶۳-۳۶۴-۳۶۵-۳۶۶-۳۶۷-۳۶۸-۳۶۹-۳۷۰-۳۷۱-۳۷۲-۳۷۳-۳۷۴-۳۷۵-۳۷۶-۳۷۷-۳۷۸-۳۷۹-۳۸۰-۳۸۱-۳۸۲-۳۸۳-۳۸۴-۳۸۵-۳۸۶-۳۸۷-۳۸۸-۳۸۹-۳۹۰-۳۹۱-۳۹۲-۳۹۳-۳۹۴-۳۹۵-۳۹۶-۳۹۷-۳۹۸-۳۹۹-۴۰۰-۴۰۱-۴۰۲-۴۰۳-۴۰۴-۴۰۵-۴۰۶-۴۰۷-۴۰۸-۴۰۹-۴۱۰-۴۱۱-۴۱۲-۴۱۳-۴۱۴-۴۱۵-۴۱۶-۴۱۷-۴۱۸-۴۱۹-۴۲۰-۴۲۱-۴۲۲-۴۲۳-۴۲۴-۴۲۵-۴۲۶-۴۲۷-۴۲۸-۴۲۹-۴۳۰-۴۳۱-۴۳۲-۴۳۳-۴۳۴-۴۳۵-۴۳۶-۴۳۷-۴۳۸-۴۳۹-۴۴۰-۴۴۱-۴۴۲-۴۴۳-۴۴۴-۴۴۵-۴۴۶-۴۴۷-۴۴۸-۴۴۹-۴۵۰-۴۵۱-۴۵۲-۴۵۳-۴۵۴-۴۵۵-۴۵۶-۴۵۷-۴۵۸-۴۵۹-۴۶۰-۴۶۱-۴۶۲-۴۶۳-۴۶۴-۴۶۵-۴۶۶-۴۶۷-۴۶۸-۴۶۹-۴۷۰-۴۷۱-۴۷۲-۴۷۳-۴۷۴-۴۷۵-۴۷۶-۴۷۷-۴۷۸-۴۷۹-۴۸۰-۴۸۱-۴۸۲-۴۸۳-۴۸۴-۴۸۵-۴۸۶-۴۸۷-۴۸۸-۴۸۹-۴۹۰-۴۹۱-۴۹۲-۴۹۳-۴۹۴-۴۹۵-۴۹۶-۴۹۷-۴۹۸-۴۹۹-۵۰۰-۵۰۱-۵۰۲-۵۰۳-۵۰۴-۵۰۵-۵۰۶-۵۰۷-۵۰۸-۵۰۹-۵۱۰-۵۱۱-۵۱۲-۵۱۳-۵۱۴-۵۱۵-۵۱۶-۵۱۷-۵۱۸-۵۱۹-۵۲۰-۵۲۱-۵۲۲-۵۲۳-۵۲۴-۵۲۵-۵۲۶-۵۲۷-۵۲۸-۵۲۹-۵۳۰-۵۳۱-۵۳۲-۵۳۳-۵۳۴-۵۳۵-۵۳۶-۵۳۷-۵۳۸-۵۳۹-۵۴۰-۵۴۱-۵۴۲-۵۴۳-۵۴۴-۵۴۵-۵۴۶-۵۴۷-۵۴۸-۵۴۹-۵۵۰-۵۵۱-۵۵۲-۵۵۳-۵۵۴-۵۵۵-۵۵۶-۵۵۷-۵۵۸-۵۵۹-۵۶۰-۵۶۱-۵۶۲-۵۶۳-۵۶۴-۵۶۵-۵۶۶-۵۶۷-۵۶۸-۵۶۹-۵۷۰-۵۷۱-۵۷۲-۵۷۳-۵۷۴-۵۷۵-۵۷۶-۵۷۷-۵۷۸-۵۷۹-۵۸۰-۵۸۱-۵۸۲-۵۸۳-۵۸۴-۵۸۵-۵۸۶-۵۸۷-۵۸۸-۵۸۹-۵۹۰-۵۹۱-۵۹۲-۵۹۳-۵۹۴-۵۹۵-۵۹۶-۵۹۷-۵۹۸-۵۹۹-۶۰۰-۶۰۱-۶۰۲-۶۰۳-۶۰۴-۶۰۵-۶۰۶-۶۰۷-۶۰۸-۶۰۹-۶۱۰-۶۱۱-۶۱۲-۶۱۳-۶۱۴-۶۱۵-۶۱۶-۶۱۷-۶۱۸-۶۱۹-۶۲۰-۶۲۱-۶۲۲-۶۲۳-۶۲۴-۶۲۵-۶۲۶-۶۲۷-۶۲۸-۶۲۹-۶۳۰-۶۳۱-۶۳۲-۶۳۳-۶۳۴-۶۳۵-۶۳۶-۶۳۷-۶۳۸-۶۳۹-۶۴۰-۶۴۱-۶۴۲-۶۴۳-۶۴۴-۶۴۵-۶۴۶-۶۴۷-۶۴۸-۶۴۹-۶۵۰-۶۵۱-۶۵۲-۶۵۳-۶۵۴-۶۵۵-۶۵۶-۶۵۷-۶۵۸-۶۵۹-۶۶۰-۶۶۱-۶۶۲-۶۶۳-۶۶۴-۶۶۵-۶۶۶-۶۶۷-۶۶۸-۶۶۹-۶۷۰-۶۷۱-۶۷۲-۶۷۳-۶۷۴-۶۷۵-۶۷۶-۶۷۷-۶۷۸-۶۷۹-۶۸۰-۶۸۱-۶۸۲-۶۸۳-۶۸۴-۶۸۵-۶۸۶-۶۸۷-۶۸۸-۶۸۹-۶۹۰-۶۹۱-۶۹۲-۶۹۳-۶۹۴-۶۹۵-۶۹۶-۶۹۷-۶۹۸-۶۹۹-۷۰۰-۷۰۱-۷۰۲-۷۰۳-۷۰۴-۷۰۵-۷۰۶-۷۰۷-۷۰۸-۷۰۹-۷۱۰-۷۱۱-۷۱۲-۷۱۳-۷۱۴-۷۱۵-۷۱۶-۷۱۷-۷۱۸-۷۱۹-۷۲۰-۷۲۱-۷۲۲-۷۲۳-۷۲۴-۷۲۵-۷۲۶-۷۲۷-۷۲۸-۷۲۹-۷۳۰-۷۳۱-۷۳۲-۷۳۳-۷۳۴-۷۳۵-۷۳۶-۷۳۷-۷۳۸-۷۳۹-۷۴۰-۷۴۱-۷۴۲-۷۴۳-۷۴۴-۷۴۵-۷۴۶-۷۴۷-۷۴۸-۷۴۹-۷۵۰-۷۵۱-۷۵۲-۷۵۳-۷۵۴-۷۵۵-۷۵۶-۷۵۷-۷۵۸-۷۵۹-۷۶۰-۷۶۱-۷۶۲-۷۶۳-۷۶۴-۷۶۵-۷۶۶-۷۶۷-۷۶۸-۷۶۹-۷۷۰-۷۷۱-۷۷۲-۷۷۳-۷۷۴-۷۷۵-۷۷۶-۷۷۷-۷۷۸-۷۷۹-۷۸۰-۷۸۱-۷۸۲-۷۸۳-۷۸۴-۷۸۵-۷۸۶-۷۸۷-۷۸۸-۷۸۹-۷۹۰-۷۹۱-۷۹۲-۷۹۳-۷۹۴-۷۹۵-۷۹۶-۷۹۷-۷۹۸-۷۹۹-۸۰۰-۸۰۱-۸۰۲-۸۰۳-۸۰۴-۸۰۵-۸۰۶-۸۰۷-۸۰۸-۸۰۹-۸۱۰-۸۱۱-۸۱۲-۸۱۳-۸۱۴-۸۱۵-۸۱۶-۸۱۷-۸۱۸-۸۱۹-۸۲۰-۸۲۱-۸۲۲-۸۲۳-۸۲۴-۸۲۵-۸۲۶-۸۲۷-۸۲۸-۸۲۹-۸۳۰-۸۳۱-۸۳۲-۸۳۳-۸۳۴-۸۳۵-۸۳۶-۸۳۷-۸۳۸-۸۳۹-۸۴۰-۸۴۱-۸۴۲-۸۴۳-۸۴۴-۸۴۵-۸۴۶-۸۴۷-۸۴۸-۸۴۹-۸۵۰-۸۵۱-۸۵۲-۸۵۳-۸۵۴-۸۵۵-۸۵۶-۸۵۷-۸۵۸-۸۵۹-۸۶۰-۸۶۱-۸۶۲-۸۶۳-۸۶۴-۸۶۵-۸۶۶-۸۶۷-۸۶۸-۸۶۹-۸۷۰-۸۷۱-۸۷۲-۸۷۳-۸۷۴-۸۷۵-۸۷۶-۸۷۷-۸۷۸-۸۷۹-۸۸۰-۸۸۱-۸۸۲-۸۸۳-۸۸۴-۸۸۵-۸۸۶-۸۸۷-۸۸۸-۸۸۹-۸۹۰-۸۹۱-۸۹۲-۸۹۳-۸۹۴-۸۹۵-۸۹۶-۸۹۷-۸۹۸-۸۹۹-۹۰۰-۹۰۱-۹۰۲-۹۰۳-۹۰۴-۹۰۵-۹۰۶-۹۰۷-۹۰۸-۹۰۹-۹۱۰-۹۱۱-۹۱۲-۹۱۳-۹۱۴-۹۱۵-۹۱۶-۹۱۷-۹۱۸-۹۱۹-۹۲۰-۹۲۱-۹۲۲-۹۲۳-۹۲۴-۹۲۵-۹۲۶-۹۲۷-۹۲۸-۹۲۹-۹۳۰-۹۳۱-۹۳۲-۹۳۳-۹۳۴-۹۳۵-۹۳۶-۹۳۷-۹۳۸-۹۳۹-۹۴۰-۹۴۱-۹۴۲-۹۴۳-۹۴۴-۹۴۵-۹۴۶-۹۴۷-۹۴۸-۹۴۹-۹۵۰-۹۵۱-۹۵۲-۹۵۳-۹۵۴-۹۵۵-۹۵۶-۹۵۷-۹۵۸-۹۵۹-۹۶۰-۹۶۱-۹۶۲-۹۶۳-۹۶۴-۹۶۵-۹۶۶-۹۶۷-۹۶۸-۹۶۹-۹۷۰-۹۷۱-۹۷۲-۹۷۳-۹۷۴-۹۷۵-۹۷۶-۹۷۷-۹۷۸-۹۷۹-۹۸۰-۹۸۱-۹۸۲-۹۸۳-۹۸۴-۹۸۵-۹۸۶-۹۸۷-۹۸۸-۹۸۹-۹۹۰-۹۹۱-۹۹۲-۹۹۳-۹۹۴-۹۹۵-۹۹۶-۹۹۷-۹۹۸-۹۹۹-۱۰۰۰-۱۰۰۱-۱۰۰۲-۱۰۰۳-۱۰۰۴-۱۰۰۵-۱۰۰۶-۱۰۰۷-۱۰۰۸-۱۰۰۹-۱۰۱۰-۱۰۱۱-۱۰۱۲-۱۰۱۳-۱۰۱۴-۱۰۱۵-۱۰۱۶-۱۰۱۷-۱۰۱۸-۱۰۱۹-۱۰۲۰-۱۰۲۱-۱۰۲۲-۱۰۲۳-۱۰۲۴-۱۰۲۵-۱۰۲۶-۱۰۲۷-۱۰۲۸-۱۰۲۹-۱۰۳۰-۱۰۳۱-۱۰۳۲-۱۰۳۳-۱۰۳۴-۱۰۳۵-۱۰۳۶-۱۰۳۷-۱۰۳۸-۱۰۳۹-۱۰۴۰-۱۰۴۱-۱۰۴۲-۱۰۴۳-۱۰۴۴-۱۰۴۵-۱۰۴۶-۱۰۴۷-۱۰۴۸-۱۰۴۹-۱۰۵۰-۱۰۵۱-۱۰۵۲-۱۰۵۳-۱۰۵۴-۱۰۵۵-۱۰۵۶-۱۰۵۷-۱۰۵۸-۱۰۵۹-۱۰۶۰-۱۰۶۱-۱۰۶۲-۱۰۶۳-۱۰۶۴-۱۰۶۵-۱۰۶۶-۱۰۶۷-۱۰۶۸-۱۰۶۹-۱۰۷۰-۱۰۷۱-۱۰۷۲-۱۰۷۳-۱۰۷۴-۱۰۷۵-۱۰۷۶-۱۰۷۷-۱۰۷۸-۱۰۷۹-۱۰۸۰-۱۰۸۱-۱۰۸۲-۱۰۸۳-۱۰۸۴-۱۰۸۵-۱۰۸۶-۱۰۸۷-۱۰۸۸-۱۰۸۹-۱۰۹۰-۱۰۹۱-۱۰۹۲-۱۰۹۳-۱۰۹۴-۱۰۹۵-۱۰۹۶-۱۰۹۷-۱۰۹۸-۱۰۹۹-۱۱۰۰-۱۱۰۱-۱۱۰۲-۱۱۰۳-۱۱۰۴-۱۱۰۵-۱۱۰۶-۱۱۰۷-۱۱۰۸-۱۱۰۹-۱۱۱۰-۱۱۱۱-۱۱۱۲-۱۱۱۳-۱۱۱۴-۱۱۱۵-۱۱۱۶-۱۱۱۷-۱۱۱۸-۱۱۱۹-۱۱۲۰-۱۱۲۱-۱۱۲۲-۱۱۲۳-۱۱۲۴-۱۱۲۵-۱۱۲۶-۱۱۲۷-۱۱۲۸-۱۱۲۹-۱۱۳۰-۱۱۳۱-۱۱۳۲-۱۱۳۳-۱۱۳۴-۱۱۳۵-۱۱۳۶-۱۱۳۷-۱۱۳۸-۱۱۳۹-۱۱۴۰-۱۱۴۱-۱۱۴۲-۱۱۴۳-۱۱۴۴-۱۱۴۵-۱۱۴۶-۱۱۴۷-۱۱۴۸-۱۱۴۹-۱۱۵۰-۱۱۵۱-۱۱۵۲-۱۱۵۳-۱۱۵۴-۱۱۵۵-۱۱۵۶-۱۱۵۷-۱۱۵۸-۱۱۵۹-۱۱۶۰-۱۱۶۱-۱۱۶۲-۱۱۶۳-۱۱۶۴-۱۱۶۵-۱۱۶۶-۱۱۶۷-۱۱۶۸-۱۱۶۹-۱۱۷۰-۱۱۷۱-۱۱۷۲-۱۱۷۳-۱۱۷۴-۱۱۷۵-۱۱۷۶-۱۱۷۷-۱۱۷۸-۱۱۷۹-۱۱۸۰-۱۱۸۱-۱۱۸۲-۱۱۸۳-۱۱۸۴-۱۱۸۵-۱۱۸۶-۱۱۸۷-۱۱۸۸-۱۱۸۹-۱۱۹۰-۱۱۹۱-۱۱۹۲-۱۱۹۳-۱۱۹۴-۱۱۹۵-۱۱۹۶-۱۱۹۷-۱۱۹۸-۱۱۹۹-۱۲۰۰-۱۲۰۱-۱۲۰۲-۱۲۰۳-۱۲۰۴-۱۲۰۵-۱۲۰۶-۱۲۰۷-۱۲۰۸-۱۲۰۹-۱۲۱۰-۱۲۱۱-۱۲۱۲-۱۲۱۳-۱۲۱۴-۱۲۱۵-۱۲۱۶-۱۲۱۷-۱۲۱۸-۱۲۱۹-۱۲۲۰-۱۲۲۱-۱۲۲۲-۱۲۲۳-۱۲۲۴-۱۲۲۵-۱۲۲۶-۱۲۲۷-۱۲۲۸-۱۲۲۹-۱۲۳۰-۱۲۳۱-۱۲۳۲-۱۲۳۳-۱۲۳۴-۱۲۳۵-۱۲۳۶-۱۲۳۷-۱۲۳۸-۱۲۳۹-۱۲۴۰-۱۲۴۱-۱۲۴۲-۱۲۴۳-۱۲۴۴-۱۲۴۵-۱۲۴۶-۱۲۴۷-۱۲۴۸-۱۲۴۹-۱۲۵۰-۱۲۵۱-۱۲۵۲-۱۲۵۳-۱۲۵۴-۱۲۵۵-۱۲۵۶-۱۲۵۷-۱۲۵۸-۱۲۵۹-۱۲۶۰-۱۲۶۱-۱۲۶۲-۱۲۶۳-۱۲۶۴-۱۲۶۵-۱۲۶۶-۱۲۶۷-۱۲۶۸-۱۲۶۹-۱۲۷۰-۱۲۷۱-۱۲۷۲-۱۲۷۳-۱۲۷۴-۱۲۷۵-۱۲۷۶-۱۲۷۷-۱۲۷۸-۱۲۷۹-۱۲۸۰-۱۲۸۱-۱۲۸۲-۱۲۸۳-۱۲۸۴-۱۲۸۵-۱۲۸۶-۱۲۸۷-۱۲۸۸-۱۲۸۹-۱۲۹۰-۱۲۹۱-۱۲۹۲-۱۲۹۳-۱۲۹۴-۱۲۹۵-۱۲۹۶-۱۲۹۷-۱۲۹۸-۱۲۹۹-۱۳۰۰-۱۳۰۱-۱۳۰۲-۱۳۰۳-۱۳۰۴-۱۳۰۵-۱۳۰۶-۱۳۰۷-۱۳۰۸-۱۳۰۹-۱۳۱۰-۱۳۱۱-۱۳۱۲-۱۳۱۳-۱۳۱۴-۱۳۱۵-۱۳۱۶-۱۳۱۷-۱۳۱۸-۱۳۱۹-۱۳۲۰-۱۳۲۱-۱۳۲۲-۱۳۲۳-۱۳۲۴-۱۳۲۵-۱۳۲۶-۱۳۲۷-۱۳۲۸-۱۳۲۹-۱۳۳۰-۱۳۳۱-۱۳۳۲-۱۳۳۳-۱۳۳۴-۱۳۳۵-۱۳۳۶-۱۳۳۷-۱۳۳۸-۱۳۳۹-۱۳۴۰-۱۳۴۱-۱۳۴۲-۱۳۴۳-۱۳۴۴-۱۳۴۵-۱۳۴۶-۱۳۴۷-۱۳۴۸-۱۳۴۹-۱۳۵۰-۱۳۵۱-۱۳۵۲-۱۳۵۳-۱۳۵۴-۱۳۵۵-۱۳۵۶-۱۳۵۷-۱۳۵۸-۱۳۵۹-۱۳۶۰-۱۳۶۱-۱۳۶۲-۱۳۶۳-۱۳۶۴-۱۳۶۵-۱۳۶۶-۱۳۶۷-۱۳۶۸-۱۳۶۹-۱۳۷۰-۱۳۷۱-۱۳۷۲-۱۳۷۳-۱۳۷۴-۱۳۷۵-۱۳۷۶-۱۳۷۷-۱۳۷۸-۱۳۷۹-۱۳۸۰-۱۳۸۱-۱۳۸۲-۱۳۸۳-۱۳۸۴-۱۳۸۵-۱۳۸۶-۱۳۸۷-۱۳۸۸-۱۳۸۹-۱۳۹۰-۱۳۹۱-۱۳۹۲-۱۳۹۳-۱۳۹۴-۱۳۹۵-۱۳۹۶-۱۳۹۷-۱۳۹۸-۱۳۹۹-۱۴۰۰-۱۴۰۱-۱۴۰۲-۱۴۰۳-۱۴۰۴-۱۴۰۵-۱۴۰۶-۱۴۰۷-۱۴۰۸-۱۴۰۹-۱۴۱۰-۱۴۱۱-۱۴۱۲-۱۴۱۳-۱۴۱۴-۱۴۱۵-۱۴۱۶-۱۴۱۷-۱۴۱۸-۱۴۱۹-۱۴۲۰-۱۴۲۱-۱۴۲۲-۱۴۲۳-۱۴۲۴-۱۴۲۵-۱۴۲۶-۱۴۲۷-۱۴۲۸-۱۴۲۹-۱۴۳۰-۱۴۳۱-۱۴۳۲-۱۴۳۳-۱۴۳۴-۱۴۳۵-۱۴۳۶-۱۴۳۷-۱۴۳۸-۱۴۳۹-۱۴۴۰-۱۴۴۱-۱۴۴۲-۱۴۴۳-۱۴۴۴-۱۴۴۵-۱۴۴۶-۱۴۴۷-۱۴۴۸-۱۴۴۹-۱۴۵۰-۱۴۵۱-۱۴۵۲-۱۴۵۳-۱۴۵۴-۱۴۵۵-۱۴۵۶-۱۴۵۷-۱۴۵۸-۱۴۵۹-۱۴۶۰-۱۴۶۱-۱۴۶۲-۱۴۶۳-۱۴۶۴-۱۴۶۵-۱۴۶۶-۱۴۶۷-۱۴۶۸-۱۴۶۹-۱۴۷۰-۱۴۷۱-۱۴۷۲-۱۴۷۳-۱۴۷۴-۱۴۷۵-۱۴۷۶-۱۴۷۷-۱۴۷۸-۱۴۷۹-۱۴۸۰-۱۴۸۱-۱۴۸۲-۱۴۸۳-۱۴۸۴-۱۴۸۵-۱۴۸۶-۱۴۸۷-۱۴۸۸-۱۴۸۹-۱۴۹۰-۱۴۹۱-۱۴۹۲-۱۴۹۳-۱۴۹۴-۱۴۹۵-۱۴۹۶-۱۴۹۷-۱۴۹۸-۱۴۹۹-۱۵۰۰-۱۵۰۱-۱۵۰۲-۱۵۰۳-۱۵۰۴-۱۵۰۵-۱۵۰۶-۱۵۰۷-۱۵۰۸-۱۵۰۹-۱۵۱۰-۱۵۱۱-۱۵۱۲-۱۵۱۳-۱۵۱۴-۱۵۱۵-۱۵۱۶-۱۵۱۷-۱۵۱۸-۱۵۱۹-۱۵۲۰-۱۵۲۱-

شماره	اسم اثر	اسم من طلب	مطلع	ماخذ
۲۵	-	-	( نگاه کنیده یا دداشت شماره ۶ )	مجموعه مصر ، ص ۳۰۷-۳۰۸-۳۰۹-۳۱۰
۲۶	لوح توحید	-	حمد مقدس از عرفان ممکنات و منزّه از ادراک مدرکات ملک	۳۱۱
۲۷	-	-	جواهر توحید و لطائف تحمید متصاعد بساط حضرت سلطان بی مثال	مجموعه مصر ، ص ۳۳۸-۳۳۹-۳۴۰-۳۴۱
۲۸	-	جمعی از احباب	سبحان الّذی اظهر امره و انطق لاشیاء علی الله لا اله الا هو الحق	مجموعه مصر ، ص ۲۲۱-۲۲۲
۲۹	-	-	لم یزل نفحات قدس از رضوان عنایت الهی درو زیدن بوده	مجموعه مصر ، ص ۳۶۸-۳۶۹-۳۷۰-۳۷۱
۳۰	-	علی نورا صفها فی	شهد الله الله لا اله الا هو العزیز المحبوب له الجود والفضل	طن
۳۱	سورة العباد	سید مهدی دهجی	شهد الله الله لا اله الا هو وانا کمال له عابدون شهد الله الله لا اله	آثار ، ج ۴ ، ص ۲۴-۲۵
۳۲	لوح رضا	رضا	انیا رضا قد ذکر لدی العرش ذکرک و هذا جواب ما اردته	مجموعه مصر ، ص ۳۳۲-۳۳۳
۳۳	-	محمد ابراهیم خلیل	ان یا ایها السائل فاعلم بان حضری بنیدینا کتاب من الّذی	مأثده ، ج ۸ ، ص ۱۷۲
۳۴	-	قزوینی مشهوریه مبلغ	سپاس و ستایش خداوندی را سزاوارکه آفرینش را بتوانائی خود	آهنگ ، سال ۲۸ ، شماره ۱۰ و ۹ ، ص ۲
۳۵	-	-	هذا کتاب من لدی المظلوم الی من تمسک بالعلوم لعلّه یحرق	مجموعه مصر ، ص ۲۳۶-۲۳۷-۲۳۸
۳۶	-	فتح اعظم	رائحه احزان جمال رحمن را احاطه نموده و ابواب فرج و بهجت از	اقتدارات ، ص ۹۳
۳۷	کتاب اقدس	-	انّ اوّل ما کتب الله علی لعباده عرفان مشرق و حیه و مطلع امره	مجموعه بمبئی ، ص ۴۲-۴۳
۳۸	-	محمد ابراهیم خلیل	ان یا محمد اسمع نداء ربک من هذا المقام الّذی لن یمل	مأثده ، ج ۸ ، ص ۱۷۲
۳۹	سورة الدم	قزوینی مشهوریه مبلغ	ای محبوب روحی در دل دمیدی و مرا از من اخذ نمودی و بعد ما بین	آثار ، ج ۴ ، ص ۶۴-۶۵
۴۰	-	-	هذا کتاب فیہ یذکر ما یجرى عنه الدموع من عین المقربین انیا	طن
۴۱	-	ابوالحسن فی الشین	ای صاحبان هوش و گوش اوّل سروش دوست این است	طن
۴۲	کلمات مکتونه	-	حمد و ثنا سلطان مبین را لایق و سزااست که سجن متین را	مجموعه مصر ، ص ۳۹۶
۴۳	لوح دنیا	ملّا علی اکبر اید و ابوالحسن امین	یا معشر العلماء اتقوا الله ثم انصفوا فی امر هذا الامی الّذی	مجموعه آلمان ، ص ۴۶-۴۷-۴۸-۴۹
۴۴	-	مشهدی سمعیله زرقان	هذا کتاب من لدنّ الی الّذی سلك سبیل الله الواضح	۵۰-۵۳-۵۴
۴۵	-	محمد قیل رضا	قدا خدا المیثاق حین اشراق من الّذین امنوا ان لا یعبدوا	آثار ، ج ۱ ، ص ۲۴۴
۴۶	-	میرزا علی نقی	هذا کتاب من الله المهیمن القیوم الی الّذی آمن به و	آثار ، ج ۱ ، ص ۲۷۳
۴۷	-	-		طن



شماره	اسم اثر	اسم من طلب	مطلع	ماخذ
۴۸	-	جناب ذبیح	اَنا اخبارنا الناس بايّا ما الشّدا دوما يحدث فيها في لوح عزّ	ط ن
۴۹	-	-	ان يا غلام اسمع ندا هذا الغلام عن جهة العرش ليحبك ندا	ط ن
۵۰	-	على محمّد سراج	نا مه آن جناب بين يدي العرش حاضر و بر مقرر آتّه لا يعرف بما سواه	مأئده ، ج ۷ ، ص ۵۷
۵۱	-	آقا سيّد محمّد في ارض ا	اذا نطق لسان الله في كلّ شئ بايّا في هذا الافق الذي	ط ن
۵۲	لوح اشرف	اشرف	ان يا اشرف اسمع ما يلقيك لسان القدم ولا تكن من الغافلين	مجموعه مصر ، ص ۲۱۲-۲۱۳-۲۱۴
۵۳	لوح نصير	نصير	بنا م خدا ونديكنا عزتوحيد و تغريده قلم على لازال براسم	مجموعه مصر ، ص ۱۷۰
۵۴	-	ق جناب محمّد	هذا كتاب من لدى المسجون الى الذي آمن بالله ربّه العلى	ط ن
۵۵	لوح ارض طا	احياء الله	يا ارض الطاء يا دآ رهنكامي را كه مقرر عرش بودي و انوارش	رحيق ، ج ۱ ، ص ۹۲-۹۳-۹۴
۵۶	كتاب اقدس	-	شماره ۳۷	مجموعه بمبئي ، ص ۲۷
۵۷	لوح حج	محمّد زرندي - نبيل عظم	يا ايها التّا طرا الى المنظر لأكبر اسمع ندا جمال القدم من	آثار ، ج ۱ ، ص ۱۸۷-۱۸۸-۱۸۹
۵۸	-	زين المقرّبين	يا ايها التّا طرا الى وجهي والشارب كآس عنايتي وكؤب رحمتي	آثار ، ج ۱ ، ص ۱۷۶
۵۹	-	-	هر منصفى شهادت داده و ميدهد كه اين مظلوم زاول ظهور كلّ را	ط ن
۶۰	لوح السحاب	-	هذا كتاب من لدى الرّحمن الى الذينهم اقبلوا الى قبلة من	آثار ، ج ۱ ، ص ۱۵۲-۱۵۳
۶۱	-	محمّد ابراهيم خليل قزويني مشهور به مبلغ	احمدوا شكر من جعلني فائزا بنفحات بيا نكم اسبح واقدس من	اسرار ، ج ۱ ، ص ۲۱-۲۲
۶۲	-	-	(اصل اين قطعه هنوز پيدا نشده است)	
۶۳	-	جمعي از احبّاء	هذا كتاب يخدمه الاشجار عرف الربيع والابنا رائحة الاب	آثار ، ج ۲ ، ص ۸۷
۶۴	-	"	شماره ۶۳	م ف ، ص ۹۹
۶۵	سورة الملوك	-	هذا كتاب من هذا العبد الذي سمى بالحسين في ملكوت الاسماء	سوره ، ص ۸-۹-۱۰-۱۲
۶۶	"	-	شماره ۶۵	م ف ، ص ۱۲-۱۳-۱۴-۱۵-۱۷-۱۸
۶۷	لوح الامر	ملا على بجستاني	هذا لوح الامر قد نزل من لدن مالك القدر ليقرّب الناس	آثار ، ج ۱ ، ص ۱۹۹-۲۰۰
۶۸	-	-	يا شمري و يا ورقتي عليك بها ثي ورحمتي محزون مباشار	اشراقات ، ص ۲۸۴ - ۲۸۵
۶۹	-	-	لاتجزعي من غربتك تال الله لو تنظرين بعيني لتفدين نفسك	آثار ، ج ۱ ، ص ۲۴۶
۷۰	كتاب اقدس	-	شماره ۳۷	مجموعه بمبئي ، ص ۴۸
۷۱	"	-	شماره ۳۷	م ف ، ص ۱۲-۱۳
۷۲	"	-	شماره ۳۷	م ف ، ص ۱۶-۱۷
۷۳	لوح هادي	ها دي	توحيد يدعي مقدّس از تحديد و عرفان موجودات ساخت عزّ حضرت	مجموعه مصر ، ص ۳۵۵-۳۵۶

شماره	اسم اثر	اسم مؤلف	مطلع	مأخذ
۷۴	-	-	ا لله هو جبنئذحی فی هذا الافق العزیز المنیر یشهد ویسری	ط ن
۷۵	لوح نصیر	نصیر	بنام خداوندی کتا عزّ توحیده وتفریده قلم علی لازال بر اسم	مجموعه مصر ، ص ۱۸۶-۱۸۷
۷۶	-	احمدقلی خان	تلك آیات الله قد نزلت بالحق وانها لکتا ب مبین وجعلها	ط ن
۷۷	-	محمد ابراهیم خلیل قزوینی مشهور به مبلغ	تلك آیات الله المہیم القیوم الی الذین هم آمنوا بالله	ط ن
۷۸	لوح عبدالرزاق	عبدالرزاق	مکتوب آنجناب به منظرا کبروا ردوا زقمیس کلما تش نفحات	اقتدارات ، ص ۷۲-۷۳
۷۹	سوره وفا	محمدحسین فی الشین	ان یا وفا ان اشکر ربک بما یتدک علی امره وعرفک مظهر	مجموعه آلمان ، ص ۱۱۶-۱۱۷
۸۰	لوح عبدالرزاق	عبدالرزاق	شماره ۷۸	اقتدارات ، ص ۶۸-۶۹-۷۰-۷۱
۸۱	لوح عبدالوہاب	عبدالوہاب	یا عبدالوہاب علیک بها ءالله العزیز الوہاب اسمع ندا ء	مجموعه مصر ، ص ۱۶۳-۱۶۴-۱۶۵
۸۲	-	محمدعلی	ذکر من لدنا لمن قبل الی الله رب العالمین وحضر کتا به فی	ط ن
۸۳	لوح هادی	هادی	توحید بدیع مقدس از تحدید و عرفان موجودات ساحت عز حضرت	مجموعه مصر ، ص ۳۵۱-۳۵۲-۳۵۳
۸۴	-	-	یوم یوم الله است وکل ما سویه برهستی وعظمت واقتدار او	اقتدارات ، ص ۱۵۸-۱۵۹
۸۵	-	-	ای بندگان سزاوارا بنکه در این بها رجا نغزا از باران نسیان	مجموعه مصر ، ص ۲۵۵-۲۵۶-۲۵۷
۸۶	-	زین المقریین	کتا بیت لدی الوجه حاضر آنچه مسطور مذکور آمدوشنیده شد	اقتدارات ، ص ۲۲۸-۲۲۹-۲۳۰-۲۳۱
۸۷	لوح عبدالرزاق	عبدالرزاق	شماره ۷۸	اقتدارات ، ص ۷۴-۷۵-۷۶-۷۷
۸۸	رضوان العبد	سید محمد رضا شهمیرزادی	شماره ۱۲	آثار ، ج ۴ ، ص ۲۵۳-۲۵۴
۸۹	تفسیر سوره والشمس	شیخ محمود مفتی عکا	الحمد لله الذی انطق ورقا ءالبیان علی افنان دوحه التبیان	مجموعه مصر ، ص ۸-۹
۹۰	کتا ب ایقان	سید محمد خال اکبر	شماره ۱۳	ایقان ، ص ۷۵-۷۶-۷۷
۹۱	کتا ب ایقان	سید محمد خال اکبر	شماره ۱۳	ایقان ، ص ۱۷۲-۱۷۳-۱۷۴-۱۷۵
۹۲	-	-	کتا ب الهی ظا هر و کلمه ناطق ولکن نفوسی که با وتمسک وسبب	ط ن
۹۳	لوح تفسیر بیت سعدی	شیخ سلمان	آنچه از معنی بیت در آیات الهی نازل و از افق سما ء حقیقت	مأخذ ، ج ۱ ، ص ۵۷-۵۸-۵۹-۶۰ ( فقط قسمتی از لوح در این مأخذ درج گردیده است )
۹۴	-	جناب هاشم	ان یا عبد قد حضر بین یدینا کتا بک وعرفنا بما فیہ وکان الله علی	ط ن
۹۵	-	نعمت الله	یا نعمه الله از برای نعمت مراتب لانتها به بوده و خواهد بود در	آثار ، ج ۵ ، ص ۵۱
۹۶	-	-	قلم اعلی در کلّ حین ندا میفرما یدولکن اهل سمع کمیا ب	ط ن
۹۷	-	علی محمد سراج	شماره ۵۰	مأخذ ، ج ۷ ، ص ۱۸
۹۸	کتا ب اقدس	-	شماره ۳۷	مجموعه بمبئی ، ص ۲۸-۲۹



شماره	اسم اثر	اسم من طلب	مطلع	ماخذ
۹۹	-	ملأ علی اکبر یا دی	قدما ح بحر السور ورا بتسم شخرا لله المهيمن القیوم بما بلغ	ط ن
۱۰۰	لوح علی	علی	بعضی ازنا ساری بعضی مخصوص ساخت اقدس رخا رف طلب نموده	اقتدارات ، ص ۲۹۱-۲۹۲-۲۹۳-۲۹۴
۱۰۱	-	استاد شیر محمد	مقصودا زکتابهای آسمانی و آیات الهی آنکه مردمان به راستی	مجموعه مصر ، ص ۳۰۴
۱۰۲	-	ابوالفضا ثل گلیا بگا	حمدوشنا متفهمین بحر تجرید را لایق و سزا که در ظلمت ایام	م ف ، ص ۳۶۵-۳۶۶-۳۶۷
۱۰۳	-	-	( اصل این قطعه هنوز پیدا نشده است )	
۱۰۴	کلمات مکنونه	-	شماره ۴۲	مجموعه مصر ، ص ۳۹۱-۳۹۲
۱۰۵	آنا با اقدس	-	شماره ۳۷	مجموعه بمبئی ، ص ۲۳-۲۴
۱۰۶	لوح مانگی	مانگی صاحب	ستایش بیننده پاینده ای را سزا است که به شبنمی از دریا	مجموعه مصر ، ص ۲۶۱-۲۶۲
۱۰۷	لوح ملک پاریس	پاریس نا پلئون سوم	قل یا ملک الباریس نبأ القسیس بان لایق التواقیس تالله	آثار ، ج ۱ ، ص ۵۶
۱۰۸	-	آقا سیدیوسف امفانی	تلك آیات الله قد نزلت بالحق عن جهة ایمن العرش وجعلها الله	ط ن
۱۰۹	-	کمال [میرزا کمال الدین]	یا قلم الاعلی نحبان نذکر من فاریا نوار الوجه اذکان خلف	ط ن
۱۱۰	لوح مقصود	میرزا مقصود نراقی	حمد مقدس از ذکر و بیان حضرت معبود ما لك غیب و شهودی را لایق	مقصود ، ص ۱۲-۱۳-۱۴-۱۷-۱۸
۱۱۱	لوح اتحاد	آقا سید اسد الله پور تسبیح	ای احزاب مختلفه به اتحاد تو جه نما ئید و بنورا تنفاق منور	مجموعه مصر ، ص ۲۸۴-۲۸۵
۱۱۲	لوح مقصود	میرزا مقصود	شماره ۱۱۰	مقصود ، ص ۵-۶-۷-۸
۱۱۳	سورة الملوك	-	شماره ۶۵	سوره ، ص ۲۶-۲۷-۲۸-۲۹-۳۰-۳۱-۳۲-۳۳-۳۴
۱۱۴	سورة الملوك	-	شماره ۶۵	سوره ، ص ۱۹-۲۰-۲۱-۲۲-۲۳-۲۴-۲۵-۲۶
۱۱۵	لوح ذبیح	ذبیح	ای ذبیح در اکثری از الواح الهیه از قلم امریه نازل جمیع	اقتدارات ، ص ۳۲۳-۳۲۴-۳۲۵-۳۲۶-۳۲۷-۳۲۸
۱۱۶	سورة الملوك	-	شماره ۶۵	سوره ، ص ۵-۶-۷-۸
۱۱۷	لوح مقصود	میرزا مقصود	شماره ۱۱۰	مقصود ، ص ۸-۹-۱۱-۱۲
۱۱۸	سورة الملوك	-	شماره ۶۵	سوره ، ص ۳-۴-۵
۱۱۹	لوح ملکه	ملکه ویکتوریا	یا ایته الملکه فی اللوندرا نا ستمعی ندا یرک مالک البریه	آثار ، ج ۱ ، ص ۶۴-۶۵
۱۲۰	لوح ملکه	ملکه ویکتوریا	شماره ۱۱۹	م ف ، ص ۶۲-۶۳
۱۲۱	-	جواد	ان یا حامل امانت حب ربك العلی المقتدر العظیم فی یوم	ط ن
۱۲۲	لوح مقصود	میرزا مقصود	شماره ۱۱۰	مقصود ، ص ۳-۴
۱۲۳	-	-	یا ایته الناظر الی الوجه اسمع ندائی ولا تضرب عما ورد علی	آثار ، ج ۱ ، ص ۳۵۳

شماره	اسم اثر	اسم من مذهب	مطلع	ماخذ
۱۲۴	لوح هادی	هادی	شماره ۷۳	مجموعه مصر، ص ۳۴۶-۳۴۷-۳۴۸
۱۲۵	ایقان	-	شماره ۱۳	ایقان، ص ۱۴۸-۱۴۹-۱۵۰-۱۵۱-۱۵۲
۱۲۶	-	میرزا حیدر علی	حق جلّ جلاله از برای ظهور جواهر معانی از معدن انسانی آمده	اشراقات، ص ۱۲۷-۱۲۸-۱۲۹
۱۲۷	-	محمد ابراهیم خلیل قزوینی مشهور به مبلغ	شماره ۳۳	ماثله، ج ۸، ص ۱۷۵-۱۷۶
۱۲۸	سورة البیان	محمد ابراهیم خلیل قزوینی مشهور به مبلغ	ذکر اسم ربّك عبده اذ دخل بقعة الفردوس مقرّا لذي استشرق	آثار، ج ۴، ص ۱۱۲-۱۱۳-۱۱۴
۱۲۹	"	"	شماره ۱۲۸	م ف، ص ۱۰۸-۱۰۹-۱۱۰-۱۱۱
۱۳۰	-	عندلیب و جمعی از احباب	یا عندلیب اسمع النداء الله يظهر مرة باسم الحبيب واخرى	م ف، ج ۲، ص ۱۷-۱۸
۱۳۱	-	علی اکبر	لا زال قلم مالك قدم بذكر دوستان مشغول ومتحرّك گاهی	اشراقات، ص ۲۷۸-۲۷۹-۲۸۰
۱۳۲	لوح شیخ	شیخ محمد تقی مجتهد اصفهانی	الحمد لله الباقي بلا فناء والذائم بلا زوال والقائم بلا انتفاء	شیخ، ص ۱۰-۱۱-۱۲
۱۳۳	-	شیخ سلمان - هندیان	انشاء الله در كل احيان از حقيق حيوان بيا شاميد و بذكر محبوب	ط ن
۱۳۴	-	-	شماره ۸۴	اقتدارات، ص ۱۶۲-۱۶۳
۱۳۵	-	محمد باقر حرف حی	ان يا حرف الحي لقد سمعت اذن الله نداك ولاحظت عين الله	ط ن
۱۳۶	-	اسم الله الاصدق	ان يا اسمی اسمع نداء الله من مطلع كل اللسان بائی انا	ط ن
۱۳۷	-	-	قلم اعلی این ایام بلسان پارسی تکلم میفرماید تا طایران	حیات، ص ۲۰-۲۱
۱۳۸	لوح صیام	-	یا اله الرحمن والمقتدر علی الامکان تری عبادك وارقائك	تسبیح، ص ۵۰-۵۱-۵۲-۵۳
۱۳۹	-	محمد زرنندی - نبیل اعظم	ان یا نبیل الاعظم اسمع ما بنا دیک به لسانا لقدم عن جیروت	ط ن
۱۴۰	-	محمد علی	ای محمد قبل علی طوبی لك بما زینت قلبك بطرا زحّب ربّك	ط ن
۱۴۱	-	-	کتاب نزل بالحق لقوم یفقهون و بأمرا لئلا سبالعدل والتقی	آثار، ج ۱، ص ۳۷۲
۱۴۲	-	محمد علی	ای محمد قبل علی بشنوندای محبوب با وفا را که از شرطابی	ماثله، ج ۴، ص ۱۱۱-۱۱۲-۱۱۳
۱۴۳	-	جناب حاجی فرج	هذا کتاب من لدى المظلوم الی الّذی اتّخذ الی الرحمن سیلا	آثار، ج ۱، ص ۴۰۳
۱۴۴	-	-	هذا کتاب من لدنا الی الّذی اخذته نفحات ایات ربّه الرحمن	آثار، ج ۱، ص ۳۳۰-۳۳۱
۱۴۵	سورة البیان	محمد ابراهیم خلیل قزوینی مشهور به مبلغ	شماره ۱۲۸	آثار، ج ۴، ص ۱۱۴-۱۱۵
۱۴۶	-	محمد مصطفی بغدادی	الحمد لله الّذی خلق الماء من بیانه الظاهر فی ملکوت البقا	ط ن
۱۴۷	-	-	سبحانک اللهم یا الهی تشهد وترى کیف ابتليت بین عبادك	مجموعه مصر، ص ۲۳۰-۲۳۱



شماره	اسم اثر	اسم من طلب	مطلع	ماخذ
۱۴۸	لوح سلمان	شیخ سلمان هندیجانی	ای سلمان از شهر جان به نسائم قدس رحمن براهل اکوان	مجموعه مصر ، ص ۱۴۳-۱۴۴
۱۴۹	-	-	تلك ايات الله الملك الحق العادل المبين شرلت بالحق	ط ن
۱۵۰	-	سمعیل صباغ	قل یا قوم لاتخافوا من سطوة الذين هم ظلموا و اشركوا ان	ط ن
۱۵۱	-	-	ای بلبلان الهی از خا رستان دلت بگلستان معنوی بشتا بید	مجموعه مصر ، ص ۳۳۴-۳۳۵-۳۳۶-۳۳۷
۱۵۲	لوح احمد فارسی	احمد کاشانی	ابن است بدایع نصاب الهی که به لسان قدرت در مکن عظمت	م ف ، ص ۳۱۷-۳۱۸-۳۱۹
۱۵۳	"	"	شماره ۱۵۲	م ف ، ص ۳۱۶-۳۲۰-۳۲۱-۳۲۲- ۳۲۴-۳۲۵-۳۲۶-۳۲۸-۳۲۹
۱۵۴	لوح سلمان	سلمان	شماره ۱۴۸	م ف ، ص ۱۵۳-۱۵۴
۱۵۵	کتاب اقدس	-	شماره ۳۷	مجموعه بمبئی ، ص ۲ - ۳ - ۴
۱۵۶	-	-	وجه حق از افق اعلی به اهل بهاء توچه نموده و میفرماید	آهنگ ، سال ۲۳ ، شماره ۵ و ۶ ، ص ۱۱۶
۱۵۷	-	-	هذا کتاب من لدنا الى الذی زین بطرا زرحمة ربّه العزیز	آثار ، ج ۱ ، ص ۳۸۷-۳۸۸
۱۵۸	لوح ملک پاریس	ناپلئون سوم	شماره ۱۰۷	آثار ، ج ۱ ، ص ۵۴
۱۵۹	کتاب اقدس	-	شماره ۳۷	مجموعه بمبئی ، ص ۳۳-۳۴
۱۶۰	لوح شیخ فانی	شیخ فانی	قلم اعلی من فی الانشاء راندا میفرماید و بحق واحد ایت	ط ن
۱۶۱	تفسیر بیت سعدی	-	شماره ۹۳	ط ن
۱۶۲	-	-	حضرت رحمن انسان را بینا و شنوا خلق فرموده اگر چه بعضی	ط ن
۱۶۳	-	زین المقربین	یا زین علیک بهائی و عنایتی مکتوب شما و اسم کریم علیه	ط ن
۱۶۴	-	-	یا معشر البشر تمسکوا بالحبیل المتین الله ینفعکم فی الارض	ط ن
۱۶۵	-	خواهر حرم حضرت باب [ما در میرزا آقا افغان]	یا ورقتی بگوش جان ندای رحمن را بشنوا ز سجنای عظم بتو توچه	ط ن
۱۶۶	کتاب اقدس	-	شماره ۳۷	مجموعه بمبئی ، ص ۱۱-۱۲

- ۱- این کتاب چندین بار در آمریکا و انگلستان طبع گشته است . آخرین طبع کتاب در سال ۱۹۸۳ در آمریکا بعمل آمد . معجم تمام الفاظ آن نیز به انگلیسی Concordance to Gleanings from the Writings of Bahá'u'lláh در سال ۱۹۸۳ در آمریکا تحت عنوان بطبع رسیده است . از این پس برای سهولت از این کتاب با عنوان "گلینینگز" یا دخوا هذگردید .
- ۲- ترجمه مجموعه ادعیه و مناجاتهای جمال قدم با عنوان Prayers and Meditations by Bahá'u'lláh و ترجمه لوح مبارک شیخ با عنوان Epistle to the Son of the Wolf منتشر شده است . اصل عربی و فارسی ادعیه و مناجاتهای جمال قدم در کتابی با عنوان مناجاة - مجموعة اذکار و ادعیه من آثار حضرت بهاء الله در لبنان بسال ۱۹۸۱ منتشر گردیده و اصل لوح شیخ نیز با عنوان لوح مبارک خطاب به شیخ محمد تقی مجتهد اصفهانی معروف به نجفی در قاهره بسال ۱۹۲۰ طبع رسیده و بعداً در طهران تجدید طبع یافته است .
- ۳- مهمترین آثار جمال قدم که قبل از سال ۱۹۳۵ به انگلیسی ترجمه شده عبارت اند از: سوره هیکل (۱۹۰۰) - کتاب عهدی (۱۹۰۱) - طرازات ، تجلیات ، بشارات ، کلمات فردوسی ، لوح دنیا (۱۹۰۶) که عیناً به ضمیمه لوح اشراقات در ۱۹۱۷ تجدید طبع گردید - سوره غصن و لوح الاقدس (۱۹۱۸) - منتخباتی از نصوص والواح جمال قدم که در کتاب Bahá'í Scriptures منتشر شده (۱۹۲۳) و بعلاوه منتخباتی از الواح فوق الذکر شامل فقراتی از ایقان شریف ، هفت وادی ، لوح احمد ، لوح ملاح القدس و لوح روءیا میباشد - لوح مبارک شیخ ( ترجمه خانمم Chandler ) (۱۹۲۸) .
- ۴- چنانکه در مقدمه کتاب تصریح شده اصل فارسی و یا عربی چهار قطعه (قطعات شماره ۵۱ - ۶۲ - ۱۰۳ - ۱۴۴) تا تاریخ نگارش مقدمه (۱۴۱ بدیع) پیدا نشده بوده است . اصل دو قطعه از این چهار قطعه (قطعات ۵۱ و ۱۴۴) که بعد از نگارش مقدمه و انتشار کتاب یافت شده چنین است :



قطعه ۵۱ " یا قوم تالله الحقّ انّ هذا البحر الذی منه طهرت البحور  
والیه یذهب کلّها و منه اشرق الشّمس والیه یرجع کلّها  
ومنه اثمرت سدرات الامر باثما راآتی کلّ واحدة منها بعثت  
علی هیکل نبیّ وارسل الی عالم من عوالم الّتی ما احصاها  
احد الا نفس الله الّتی احاطت الموجودات بحرف من کلمة  
الّتی خرج من قلمه الذی کان محکوما تحت اصبعه الذی کان  
علی الحقّ قویّا "

قطعه ۱۴۴ " قد قدّر لکلّ نفس تبلیغ هذا الامر من القلم الاعلی... الله  
ملهم الذین انقطعوا عمّا سویه ویجرى من قلوبهم سلسبیل  
الحکمة والبیان انّ ربّک الرحمن لهوالمقتدر علی ما یشاء و  
الحاکم علی ما یرید لوتتفکّر فی الدّنیاء وفنائها لاتختار  
لنفسک الا نصرة امر ربّک ولا یمنعک عن ذکره من علی الارض  
اجمعین ان استقم علی الامر و قل یا قوم قد جاء الیوم  
الذی وعدتم به فی کلّ الالواح اتّقوا الله ولا تجعلوا انفسکم  
محرومات عن الذی خلقتم له ان اسرعوا الیه هذا خیر لکم  
عمّا خلق فی الارض ان انتم من العارفین "

۵- نویسنده مشخصات کامل این قطعه را نمیداند . حضرت ولیّ امرالله آنرا در لوح قرن  
احباء شرق (طهران : مؤسسه ملى مطبوعات امری ، ۱۳۴ بدیع ، ص ۱۳ ) نقل فرموده<sup>۴۰</sup>.

۶- نویسنده مشخصات کامل این قطعه را نمیداند . حضرت ولیّ امرالله قسمتی از آنرا  
در لوح قرن احباء شرق ( م ف ، ص ۱۲ ) نقل فرموده اند.

**توجّه:** بموجب مرقومه شریفه مورخ ۴ شهرالشرف ۱۴۱۱ د را الانشاء معهداعلی ، جناب دکترحید  
رافتی مأخذمجموعهالواح مبارکه فوق را حسب الامر بیت العدل اعظم الهی تهیه وتنظیم فرموده<sup>۴۱</sup>  
ازدرا الانشاء معهداعلی که این اثر تحقیقی را برای درج در مجله عندلیب مرحمت فرموده اند  
سپا سگزاریم .  
هیئت تحریر عندلیب





قیام دگارت وفداکاری اوشیه فداکاری انبیاء و اولیاست و برطبق دلیل تقریرکه از ادله محکمه جهت اثبات حقایق انبیای صادقین است و نیز اولاد دعا کرده و ثانیاً ادعای خود را نسبت به خدا داده و ثالثاً در این امر مهم توفیق حاصل نموده بشانیکه در اندک مدت کلیه محققین علوم مادی و فنون و صنایع جدید به پیروی از روش دگارت روش قیاس را کنار گذاشته و در کشف حقایق اشیاء طریق استقرار پیموده و به این سبب در اندک مدت بشر زمینی را آسمانی نموده است. را بعد از خود دگارت اشرجون دُرّ شاهی را و یاقی و یابدا را ست بسا شایسته که مورد تمجید و توصیف مظهر ظهور کلیه الهیه و مبین منصوص آیات او قرار گرفته است.

دگارت آن ستاره سحرگاہی چون طالع شد روش علمی را تغییر داد و مسلک جدید در تحقیقات علمیه در پیش نهاد تا بشر این استعداد را پیدا کرد که در روزی حضرت ربّ العالی در پنجم جمادی الاول ۱۲۶۰ هجری قمری مطابق ۲۳ می ۱۸۴۴ میلادی بمحض اینیکه در سورة الملک از تفسیر سورة یوسف ندا فرمودند که اصحاب اختراع وسیله ای بسا زندگی را محضرت من یظهره الله را در اسرع وقت به اهل عالم ابلاغ نمایند مرس در معنی لبیک گفت و در همان روز یعنی در ۲۳ می ۱۸۴۴ تلگراف را اختراع نمود و بدین وسیله با اعلام جمله معروف کتاب مقدس "خدا کرده است" در اولین تلگراف طلوع شمس تطابق علم و دین را بحقیقت ابلاغ نمود در عظمت و مقام فلاسفه مذکور همین بس که حامل مبارک میفرماید "امروز کتاب صنعت از افق آسمان غرب نمودار" (۱)

بهمان متوال بعدد مسلک جدیداً بنا انسان کتاب طبیعت را گشود و روابط ضروریه منبعث از حقایق اشیاء را آشکارا و آیات تکوین را علی رؤس الاشهاد را برآورد و در موزه چشم سروسرّ مشاهده مینماید که چه گنجینه هائی از آن حوا را سرار در معرض دید انجمن ابرار قرار داده اند که به انواع دستگاه های اختراعی جدید موسوم و در واقع از کتاب عالم سورة های فصیح و بلیغ جهت مطالعه اینا بشرتهایه دیده اند. اینک جهت روشن شدن مطلب مذکور به نصوص مبارکه از آثار قلم اعلی و تنبیّات حضرت مولی الوری اقبال میکنیم تا در قرائت کتاب اعظم نقش عالم توفیق حاصل نمائیم.

### "کتاب عالم"

حما ل قدم جل ذکره الاعظم میفرماید (۲) قوله عزّیانه -

"نقش عالم کتابی است اعظم هر ما حب بصری ادراک مینماید آنچه را که سبب وصول بصراط مستقیم و نیا عظیم است."

و نیز میفرماید "از برای کتاب معانی لائحی بوده و هست و همچنین دقا تر لاتعدیک دفتر است و دنیا است و نفس دنیا از کتاب محسوب و اوست کتابیکه دارای جمیع اشیاء و اقالیم عالم است" انتهی (۳)

از زیبا نایات مبارکه فوق بوضوح ادراک میشود که نقش عالم یعنی آنچه که از عالم مشهود است کتاب بزرگی است و ما اگر کتاب اعظم عالم را بگشاییم و به تحصیل حروف و کلمات و آیات آن سفر عظیم بپردازیم حقایق موجوده آنچنان متین و استوار آشکار میگردد که به پندگنان حضرت پروردگار آن اقتدار را خواهد بخشید که به آن وسیله گمگشتگان وادی گمراهی و ضلال را به ما معین و شربت زلال بصراط مستقیم و نیا عظیم هدایت نمائیم.

بصراط مستقیم و نیا عظیم در الواح مبارکه به شریعت عزّای حما لقدم حضرت نیا الله اطلاق گردیده است من جمله در کتاب اقدس به این بیان احلی ناطق "کذلک یبین الله سبل الحق والهدی وانها انتهت الی سبل واحد و هو هذا الصراط المستقیم" انتهی پس به دلیل فوق قرائت و درک مضامین کتاب اعظم عالم سبب وصول به صراط مستقیم یعنی باعث ورود به ظل ممدود علی العالمین آئین مقدس نهائی میشود.

بعبارت دیگر از مطالعه کتاب اعظم عالم میتوان حقایق امریه را ادراک نموده و بحقیقت ظهور پر نور شمس شایع قدیر و مؤسس کور عظیم بهائی بی برد.

از این نظر که هر کتابی دارای آیاتی است و هر آیه ای شامل کلماتی و هر کلمه ای متشکل از حروف و هر حرفی از اجزای نقاط با نظم خاصی به وجود آمده است پس کتاب عالم نیز با بدای آیات و کلمات و حروف مخصوص به خود باشد.

چه مینا و گوارا است عذبات آیات که مرکز میناق و مبین آیات الله حضرت عبدالله حلّ ثنائیه در تبیین آیات کتاب اعظم عالم نیز فضل بی منتی ابرار فرموده اند و در یکی از الواح میفرماید (۴): قوله الاحلی "هو الاهی ای آیت رحمن حی قیوم چون شمس خرق حجاب غیوم فرمود از مطلع انوار دو آیات ظاهری و با هر گردید آیات تدوینیه و آیات تکوینیه آن در کتب و زبر و صحف و الواح مسطور گشت و این در لوح محفوظ و ورق منشور آفاق مبعوث شد آن بمصاحت و بلاغت و حقایق و معانی معجزه عظیمه بود و این بقوی و کمالات و شئون و اسماء و صفات آیات با هرات گردید.

آن مبین اسرارش و این مشرق انوار آن ملکوت عرفان را بسا راست و این قطب اکوان و حیزا مکان را رشک گلستان حنان کرد (سُزیم آیات تنافی الافاق و فی انفسهم حتی یبین لهم انه الحق) والیه علیک من ملکوت الغیب حیروت الطاف ربک الرحمن الرحیم ع."

(۱) - کتاب اشراقات ص ۱۵۳ (۲) - اشراقات ص ۱۱۶ (۳) - آثار قلم اعلی جلد هفتم ص ۳۰۰ (۴) - کتاب مکاتیب جلد چهارم صفحه ۲۳

در این لوح مبارک کلیه آثار قلم اعلی یعنی آیات بیانات جمال اقدس الهی را که در کتب و زیر و صفح و الواح مسطور است آیات تدوینیه میخوانند که به فصاحت و بلاغت و حقایق و معانی معجزه عظیمه بوده و مبین اسرار است و ملکوت عرفان را آرایش داده است . اما در ظهور آن حی قیوم آیات دیگری نیز ظاهر گردیده است که آن آیات در کتب و صفح مسطور نیستند بلکه در لوح محفوظ ورق منشور آفاق مبعوث گردیده است و بنا بر آیات تکوینیه موسوم میفرمایند که بقوی و کمالات و شئون و اسما و صفات مشهور و مشرق انوار است و قطب اگوان و حیزا مکان را رشک گلستان چنان کرده است .

بعضی از نکات حالب در لوح مزبور را با ن دقت و توجه بیشتر است ، مثلاً ز صافات و خصوصیات نه گانه آیات تکوین و تدوین چهار صفت مخصوص آیات تدوینیه است (فصاحت و بلاغت و حقایق و معانی ) و پنج صفت اختصاص به آیات تکوینیه دارد (قوی کمالات ، شئون اسما و صفات) . مخصوصاً توجه به کلمه قوی باید نمود که در صفحات آتی مورد استفا ده قرار خواهد گرفت .

و نیز در تبیین عبارت ورق منشور حضرت عبداللہاء میفرمایند (۱) قوله الاحلی "در عرصه وجود موجودات بی حد و پایان محشور و حقایق واعیان خارج چون حروف و کلمات در این ورق منشور مشهود و مشهور است"

بنا بر آن چه در لوح مزبور میفرمایند منظور از "رق" منشور عرصه وجود است و مقصود از حروف و کلمات اعیان خارج و حقایق مشهود میباشند . ملاحظه فرمایند که مبین آیات چه شیرین و دلنشین آیات و کلمات و حروف کتاب اعظم عالم را تعلیم میفرمایند .

اعیان خارج و حقایق مشهود حروف و کلمات این کتاب و آیات آن آیات تکوینیه است که در ورق منشور آفاق مبعوث شده یعنی در عرصه وجود مشهود و مشهور گردیده است .

روشن است برای درک مضامین کتاب اعظم عالم نقاط و حروف و کلمات و آیات آن را با بدیبا موزیم اعیان خارج مشهود در عالم امکان از اجزاء اتم شروع و به اجرام عظیمه سماویه منتهی میشوند .

منظور از اجزاء اتم حریمهای ریز و حقیر است که با ترکیب اتمی ذرات را که با اصطلاح علمی اتم نامیده اند بوجود میآورند و ذرات با ترکیب شیمیائی مولکولها را و مولکولها با ترکیب و اجتماع خود تمای موجودات را در عرصه وجود ظاهر ساخته اند .

اجزاء اتم عبارتند از (پروتون، الکترون، نوترون، پی مزون یا پیون، کامزون یا کاژون، مومزون یا موژون، فوتون، نوترینو، گراویتون) همه این اجزاء که حکم نقاط حروف تکوین را دارند به جز گراویتون کشف گردیده و با اصطلاح علمای فیزیک اتمی شکار شده اند (۲)

از ترکیب این اجزاء نه گانه که نقطه های اولیه کتاب تکوین عالم هستند حروف تکوین ظاهر میشوند مثلاً با ترکیب اتمی یک پروتون با یک الکترون ذره ای بوجود میآید که به هیدروژن موسوم داشته اند و حضرت عبداللہاء کلمه معرب این لفظ را ذکر میفرماید و هیدروژن بیان مینماید . و با اگر دو هیدروژن با هم ترکیب شوند و عبارت دیگر دو پروتون با دو الکترون ترکیب اتمی پیدا کنند به این صورت کسه پروتونها در وسط قرار گرفته و با فاصله معینی الکترونها دور آنها بگردند ماده ای بوجود میآید که بنام هلیوم موسوم است .

این اتفاق در هر آن در کره خورشید رخ میدهد و سبب ترکیب میلیونها هیدروژن با هم و تشکیل هلیوم میگردد و در نتیجه حرارت معتدله ای ایجاد میشود که از آن انرژی بکره زمین ما هم میرسد و سبب ادامه حیات گیاه و حیوان و انسان میگردد .

به همین قسم ذرات کوچکتر با ترکیب اتمی یعنی با قرار گرفتن پروتونها و نوترونها در مرکز و اطراف آن کلیه ذرات بزرگتر را نیز ایجاد مینماید و عناصر ۹۴ گانه ما دی را که کیفیات و کمیات آنها در جدول مندلیف مندرج به عرصه وجود وارد میسازند و بحث مفصل در این مسئله مربوط به فیزیک اتمی است و از حوصله مقال ما خارج است .

این عناصر ۹۴ گانه یا بیشتر همان حروف آیات تکوینیه در کتاب اعظم عالم میباشند زیرا حقایق مشهود و اعیان خارج عالم وجود .

حال جهت شناختن کلمات تکوینی بهمان نحوه که در تدوین کتب و صفح کلمات را از حروف ترکیب میکنند در صفح کلمات تکوینی نیز از ترکیب شیمیائی حروف تکوینی استفاده میشود مثلاً با ترکیب دو حرف هیدروژن و یک حرف اکسیژن که علامت اختصاری آنها به ترتیب O, H میباشد یک کلمه تکوین بدست میآید که آب باشد و علامت اختصاری آن با فرمول شیمیائی آن را بصورت H-O-H نشان میدهند که نمایند دو اتم هیدروژن و یک اتم اکسیژن است پس آب یک کلمه تکوینی است . هکذا از ترکیب یک حرف تکوینی کربن ( C ) با چهار حرف تکوینی هیدروژن ( H ) گاز متان ایجاد میشود که فرمول شیمیائی آن بصورت  $H-C-H$  نوشته میشود و نمایند ترکیب یک کربن با چهار هیدروژن است .

پس با این نحو با کلمات تکوینی آشنا میشویم عبارت علمی ترکیب کلمات تکوینی عبارتند از مواد مرکب ای که فرمولهای آن در علم شیمی اثبات و مرقوم گردیده و میگردد .

و حقیقت هر شیئی در فرمولهای شیمیائی آن شیئی نهفته است زیرا با ترکیب آن حقیقت با تمام صفاتش به وجود میآید و با تحلیل آن از بین میرود .

کشف فرمولهای شیمیائی احسام از علوم قطعی الدلاله یعنی است نه تئوری وطنی الدلاله .

(۱) - مکتب جلد پنجم ص ۳۵ (۲) - اقتباس از کتاب شجردرون اتم تالیف اسیموف - ترجمه فرخ شادان





# فهرست کلی موضوعی سه ساله مجله غنایب شماره ۱ تا ۱۲

موضوع	ردیف	عنوان و شرح	ردیف	عنوان و شرح	ردیف	موضوع
الواج و آثار حضرت عباس (ع)	۱	حضرت خاتم انبیا روح ما سواه فداه از مشرق اول	۱۷	ای پروردگار باران را کما مکارکن و عبودیت	۸۱	۳
	۲	هرجیز سرغوب قیمتی را سارقان دوم	۱۸	ای دوست حقیقی جندی است که آهنگ جنگ بلند	۳-۴	۴
	۳	قلم مترجم اول است و در عالم بعد از لسان سوم	۱۹	ای احیای الهی الحمد لله بفضلنا متناهی	۵-۷	۵
	۴	ای بلبلان الهی از خاورستان ذلت بگلستان ۲-۳	۲۰	ای بنده جمال الهی عبودیت عظیم است عظیم	۷	۵
	۵	ای امیر الله علی ظلل من الیاء والمشرق ۸-۱۱	۲۱	ای بنده درگاه سلیمان در کشور روحا نیسی	۶	۶
	۶	حمد الممن تشرف ارض الیاء بقدم من طاف ۱۲				
	۷	بايتها الورقة الماركة النوراء غنی و... ۲۷	۲۲	ای ناطق به ثنائی محبوب معنوی صلاى بیداری	۷	۶
	۸	با غصن اعظم لعمر الله هو ازلک کدر تنی و ۴۶	۲۳	اللهم بما معین الضعفاء ومغیث الفقراء ... ۴۰-۴۲	۴۰-۴۲	۶
	۹	با الهی هذا غصن اشعث من دوحه فردا نیتک ۴۷	۲۴	ای جوانان قرن یزدان شما با بدر این عصر	۶۶	۶
	۱۰	با غصن الاعظم قدح حضرت لدی المظلوم کتا بک ۴۸	۲۵	ای انفحات الله هبی معطره وایا نسیة الله ۳-۶	۳-۶	۷
	۱۱	با علی ما کان گذشت وما یكون از عدم ما بد ۲	۲۶	در جهان و جهانیان بنده سنا نظر نما کسه ۷-۸	۷-۸	۷
	۱۲	با شیخ ابن حزب از خلیج اسماء گذشته اندو ۴۷۸	۲۷	ای اماء رحمن در این اوان که نار امتحان در ۹	۹	۷
	۱۳	ای مریم مظلومیت مظلومیت اسماء و لم را از ۲-۶	۲۸	ای باران و اماء الرحمن الحمد لله ابواب ۵	۵	۸
	۱۴	لوح کرمال ۱-۲	۲۹	ای باران الهی این قرن قرن حدیاست وای ۵	۵	۸
	۱۵	گل معنوی در رضوان الهی بقدم ربیع ۳-۴	۳۰	ای آوارگان سبیل حق سرو سامان و آسودگی و ۶	۶	۸
	۱۶	ای غلام مالک امام و سلطان ایام میفرماید ۵	۳۱	فرمودند ... در این مدت ولودر غرب بودم ولی ۲۱	۲۱	۸
	۱۷	اول امر عرفان حق حل حلاله بود و آخر آن ۳	۳۲	فرمودند ... این مسئله صلح در امر حضرت بها ۶۳	۶۳	۸
	۱۸	اهل الله مخصوص املا عا لم وترتبت امم ۸	۳۳	فقیر ما بر ستر از غنی شاکر است اما فقیر شاکر ۶۳	۶۳	۸
	۱۹	حساب خال ... لازال مظاهرا الهیه به ۳-۷	۳۴	ای بنده حضرت یزدان حمد خدا را که خا ور غنیر ۸-۹	۸-۹	۹
	۲۰	ایا میست که سکر سکان سموات ارض را اخذ ۳	۳۵	شب و روز بدرگاه حضرت بی نیاز عجز و زاری ۱۰	۱۰	۹
	۲۱	امروز اهل ملاه اعلی و جنت علیا یکمال ۴	۳۶	ای بنده الهی صدمات شدید دیدی و مشقات ۵	۵	۱۰
	۲۲	قسمت های از آثار قلم اعلی ۳۰	۳۷	جمیع اولیاء در اعصار و فترت مناضیه گریبان و ۶	۶	۱۰
	۲۳	استقامت نقل از قسمتهای از ایقان شرف ۱۰	۳۸	عصر است و جمیع امم و ملل در حبس و حصر مگر ۷	۷	۱۰
	۲۴	سحان الله اهل عالم امروز از گواهی و ۳	۳۹	ای بار جانی در این روزگار جام شهادت دردبار ۵	۵	۱۱
	۲۵	از هزار نسیم سحری در این نظهور اعظم این کلمه ۴	۴۰	ای نوحم باز غه محبت الله الحمد لله از پیرتو ۶-۷	۶-۷	۱۱
	۲۶	ستایش پاک پروردگاری را حلت قدرته که ۵	۴۱	ای رستم ظلم و ستم را ملاحظه کن که به به رسیده ۶	۶	۱۲
الواج و آثار حضرت عباس (ع)			۴۲	خطبه الواحوصایای مبارک ۷	۷	۱۲
	۱	ای دوستان حقیقی حق مبین الحمد لله ۳-۶	۱	خطاب به بها ثیان شرق بعد از صعود و رقه مبارک ۱۳-۱۸	۱۳-۱۸	۳
	۲	ای باران جمال قدم ... بکوشد تا در جمیع ۱۷	۲	خطاب به احیای ایران در همین مورد ۱۸-۲۴	۱۸-۲۴	۳
	۳	پروردگار را مرزگار را این بندگان را پناه ۴۶	۳	صورت تلگراف منبع مبارک بمناسبت صعود ۳۹	۳۹	۳
	۴	ای باران و اماء رحمن با وفا انصاف اینست ۴۸	۴	ترجمه قسمتی از لوح منبع ظهور عدل الهی که ۶۵-۶۶	۶۵-۶۶	۵
	۵	ای باران آرزوی عبدالسها چنین است ۵۲	۵	قسمتی از توقیع مبارک خطاب به اعضای محفل ۶۰	۶۰	۱۰
	۶	ای یزدان مهربان بارانت بسرو سامانند ۴	۶	قسمتی از توقیع مبارک (معروف به لوح اهراق) ۸-۱۰	۸-۱۰	۱۲
الواج و آثار حضرت عباس (ع)	۷	ای بلبل خوش الحان گلشن عشق وقت آنست ۵	۷	مستخرجاتی از توقیع مبارک خطاب به احیای شرق ۱۱-۱۸	۱۱-۱۸	۱۲
	۸	چند قطعه کوچک از زیارات حضرت مولی الوری ۳۴				
	۹	و اما مسئله ثروت و غنا مقصود غنای حقیقی ۴۲				
	۱۰	ای پروردگار مهربان شرق در هیجان است و ۵۴-۵۵				
	۱۱	ای دوست عزیز خود را غریب نا میدی و این ۱۰				
	۱۲	الحمد لله در امرهای تعصبات جاهلیه نه ۴۹				
	۱۳	سحان الله بنوع کلمه الله را مشاهده ۵۲				
الواج و آثار حضرت عباس (ع)	۱۴	خطاب به احیای کانا دایتم اوریل ۱۹۱۶ ۷۰	۱	هوالمحوب ... قلم قضا حنین امضاء فرمود ۲۸-۳۳	۲۸-۳۳	۳
	۱۵	الواج مبارک حضرت عبدالسها با فتخار رکاب ۷۱-۷۲	۲	امباحات ای پروردگار مهربان وای غمگسار ۸۲	۸۲	۳
	۱۶	خطاب به احیای ایالات متحده آمریکا و کانا ۷۳-۷۵				



موضوع	آثار	عنوان شرح	ناخذ-تاریخ	جلد	موضوع	آثار	عنوان شرح	ناخذ-تاریخ	جلد
تیمهای بیت الدول اعظم	۱	آوارگان صحرای محبت الله	شهرالاسلام	۱-۹	۱۸	بدارآوبختن ده نفر از نسوان در	بدارآوبختن ده نفر از نسوان در	۱۳-۱۴	۷
	۲	احباء ایرانی مقیم بلاد غربیه	شهرالاسلام	۱-۹	۱۹	شیراز در لیل ۱۸ جون (ترجمه)	شیراز در لیل ۱۸ جون (ترجمه)	۱۳-۱۴	۷
	۳	پیام خطاب به بها ئیان عالم	رضا ن	۱۳-۱۵	۲۰	بدارآوبختن جناب سهیل هوشمند	بدارآوبختن جناب سهیل هوشمند	۱۳-۱۴	۷
	۴	پیام خطاب به بها ئیان مجتمع در	رضا ن	۱۳-۱۵	۲۱	ایذاء وحشیانه یاران قراء نزدیک	ایذاء وحشیانه یاران قراء نزدیک	۱۳-۱۴	۷
	۵	کنفرانس بین المللی مونتریا	سیتا میر	۸-۱۳	۲۲	ساری و قریه یاران و در دیده شدن	ساری و قریه یاران و در دیده شدن	۱۳-۱۴	۷
	۶	دستخط خطاب به محافل ملی در	سیتا میر	۸-۱۳	۲۳	حسابان جهانگیر هدایتی واحد	حسابان جهانگیر هدایتی واحد	۱۳-۱۴	۷
	۷	بار ه صندوق اعانات ملهوفین	سیتا میر	۸-۱۳	۲۴	تضییقات یاران روبرو شدناست	تضییقات یاران روبرو شدناست	۱۳-۱۴	۷
	۸	خطاب به بها ئیان ایران ۱۹۷۹	شهرالاسلام	۸-۱۳	۲۵	دستگیری ۲۲ نفر از یاران در ایران	دستگیری ۲۲ نفر از یاران در ایران	۱۳-۱۴	۷
	۹	خطاب به بها ئیان عزیز ایرانی	شهرالاسلام	۸-۱۳	۲۶	توقیف ۱۶ نفر در ۲۸ جولای در طهران	توقیف ۱۶ نفر در ۲۸ جولای در طهران	۱۳-۱۴	۷
	۱۰	مقیم ملاک و دیار ساثره ۱۹۸۰	شهرالاسلام	۸-۱۳	۲۷	زندانی شدن ۲۴ نفر از جمله نسوان	زندانی شدن ۲۴ نفر از جمله نسوان	۱۳-۱۴	۷
	۱۱	خطاب به بها ئیان سراسر جهان	رضا ن	۱۳-۱۵	۲۸	درباره تعطیل تشکلات بها ئی در	درباره تعطیل تشکلات بها ئی در	۱۳-۱۴	۷
	۱۲	خطاب به بها ئیان عالم (ترجمه)	رضا ن	۱۳-۱۵	۲۹	ایران (ترجمه)	ایران (ترجمه)	۱۳-۱۴	۷
	۱۳	بلاغیه خطاب به یاران عالم راجع	رضا ن	۱۳-۱۵	۳۰	از دارالانشاء معهدا علی در باره	از دارالانشاء معهدا علی در باره	۱۳-۱۴	۷
	۱۴	به دارالتبلیغ بین المللی (ترجمه)	رضا ن	۱۳-۱۵	۳۱	تضییقات وارده بعد از تعطیل ...	تضییقات وارده بعد از تعطیل ...	۱۳-۱۴	۷
	۱۵	خطاب به عموم احباء در سراسر جهان	رضا ن	۱۳-۱۵	۳۲	شهادت سه تن توقیف ۲۵۰ تن و ...	شهادت سه تن توقیف ۲۵۰ تن و ...	۱۳-۱۴	۷
	۱۶	خطاب به پیروان حضرت بهاء الله	رضا ن	۱۳-۱۵	۳۳	از دارالانشاء معهدا علی به محفل	از دارالانشاء معهدا علی به محفل	۱۳-۱۴	۷
	۱۷	در هر مرز و قوم (ترجمه)	رضا ن	۱۳-۱۵	۳۴	روحانی ملی آمریکا (ترجمه)	روحانی ملی آمریکا (ترجمه)	۱۳-۱۴	۷
نگارخانه و نگارهای بیت الدول اعظم و دارالانشاء معهدا علی	۱	خطاب به بها ئیان عالم (ترجمه)	رضا ن	۱۳-۱۵	۳۵	ایذاء و آزار احباء بنحوم زور و ...	ایذاء و آزار احباء بنحوم زور و ...	۱۳-۱۴	۷
	۲	خطاب به محفل روحانی ملی	رضا ن	۱۳-۱۵	۳۶	اعدام ۳۰۰ یاران و همچنین اعدام	اعدام ۳۰۰ یاران و همچنین اعدام	۱۳-۱۴	۷
	۳	بها ئیان کانادا (ترجمه)	رضا ن	۱۳-۱۵	۳۷	جناب عبدالحمید شاکری حسین	جناب عبدالحمید شاکری حسین	۱۳-۱۴	۷
	۴	خطاب به قاطبه یاران در سراسر	رضا ن	۱۳-۱۵	۳۸	خطاب به سه روز ویم دیانت بها ئی و	خطاب به سه روز ویم دیانت بها ئی و	۱۳-۱۴	۷
	۵	جهان (ترجمه)	رضا ن	۱۳-۱۵	۳۹	اسلام (ترجمه)	اسلام (ترجمه)	۱۳-۱۴	۷
	۶	خطاب به بها ئیان آمریکا (ترجمه)	رضا ن	۱۳-۱۵	۴۰	قسمتنامه ای از پیام دارالانشاء	قسمتنامه ای از پیام دارالانشاء	۱۳-۱۴	۷
	۷	خطاب به بها ئیان کانادا (ترجمه)	رضا ن	۱۳-۱۵	۴۱	دارالانشاء حضرت الله وحدت	دارالانشاء حضرت الله وحدت	۱۳-۱۴	۷
	۸	خطاب به بها ئیان عالم (ترجمه)	رضا ن	۱۳-۱۵	۴۲	اعدام جناب احسان الله کشری	اعدام جناب احسان الله کشری	۱۳-۱۴	۷
	۹	خطاب به بها ئیان عالم (ترجمه)	رضا ن	۱۳-۱۵	۴۳	اعدام جناب منوچهر روحی و ...	اعدام جناب منوچهر روحی و ...	۱۳-۱۴	۷
	۱۰	خطاب به بها ئیان عالم (ترجمه)	رضا ن	۱۳-۱۵	۴۴	از دارالانشاء معهدا علی خطاب به	از دارالانشاء معهدا علی خطاب به	۱۳-۱۴	۷
	۱۱	خطاب به بها ئیان عالم (ترجمه)	رضا ن	۱۳-۱۵	۴۵	از محافل روحانیه ملی (ترجمه)	از محافل روحانیه ملی (ترجمه)	۱۳-۱۴	۷
	۱۲	خطاب به کنفرانس بین المللی	رضا ن	۱۳-۱۵	۴۶	خطاب به کنفرانس بین المللی	خطاب به کنفرانس بین المللی	۱۳-۱۴	۷
	۱۳	چوانان در کانادا (ترجمه)	رضا ن	۱۳-۱۵	۴۷	چوانان در کانادا (ترجمه)	چوانان در کانادا (ترجمه)	۱۳-۱۴	۷
	۱۴	شهادت جناب شایور مرکزی	رضا ن	۱۳-۱۵	۴۸	شهادت جناب شایور مرکزی	شهادت جناب شایور مرکزی	۱۳-۱۴	۷
	۱۵	صعود جناب امین الله قربان نور	رضا ن	۱۳-۱۵	۴۹	صعود جناب امین الله قربان نور	صعود جناب امین الله قربان نور	۱۳-۱۴	۷
	۱۶	صعود بادی عزیز امیر الله جناب	رضا ن	۱۳-۱۵	۵۰	صعود بادی عزیز امیر الله جناب	صعود بادی عزیز امیر الله جناب	۱۳-۱۴	۷
نگارخانه و نگارهای بیت الدول اعظم و دارالانشاء معهدا علی	۱	اعدام مخفیانه شش تن اعضای محفل	رضا ن	۱۳-۱۵	۱	خطاب به مقامات جمهوری اسلامی	خطاب به مقامات جمهوری اسلامی	۱۳-۱۴	۷
	۲	روحانی طهران و نوشیدرخ	رضا ن	۱۳-۱۵	۲	درباره اعدام بها ئی مخفیانه اعضای	درباره اعدام بها ئی مخفیانه اعضای	۱۳-۱۴	۷
	۳	شهادت جنابان حسین وحدت حق	رضا ن	۱۳-۱۵	۳	قسمتنامه ای از مرقومه هیئت مشاورین	قسمتنامه ای از مرقومه هیئت مشاورین	۱۳-۱۴	۷
	۴	و ابراهیم خیرخواه اصلو (ترجمه)	رضا ن	۱۳-۱۵	۴	قاره ای در آسمان	قاره ای در آسمان	۱۳-۱۴	۷
	۵	شهادت بانوشیدرخ میرکام همسر	رضا ن	۱۳-۱۵	۵	اطلاعات واصله از جامعه بها ئیها	اطلاعات واصله از جامعه بها ئیها	۱۳-۱۴	۷
	۶	منوچهریقا و آردیشوهر اصلو (ترجمه)	رضا ن	۱۳-۱۵	۶	خطاب به مقامات جمهوری اسلامی	خطاب به مقامات جمهوری اسلامی	۱۳-۱۴	۷
	۷	تسربک معهدا علی به خادمان	رضا ن	۱۳-۱۵	۷	درباره اعدام بها ئی مخفیانه اعضای	درباره اعدام بها ئی مخفیانه اعضای	۱۳-۱۴	۷
	۸	جله عندلیب اصل و ترجمه	رضا ن	۱۳-۱۵	۸	قسمتنامه ای از مرقومه هیئت مشاورین	قسمتنامه ای از مرقومه هیئت مشاورین	۱۳-۱۴	۷
	۹	شهادت بنفرازا حباء در بوکان	رضا ن	۱۳-۱۵	۹	قاره ای در آسمان	قاره ای در آسمان	۱۳-۱۴	۷
	۱۰	رومیه، مشهد و کرج (ترجمه)	رضا ن	۱۳-۱۵	۱۰	اطلاعات واصله از جامعه بها ئیها	اطلاعات واصله از جامعه بها ئیها	۱۳-۱۴	۷
	۱۱	شهادت دونفر جناب بهیر الله کیم	رضا ن	۱۳-۱۵	۱۱	خطاب به مقامات جمهوری اسلامی	خطاب به مقامات جمهوری اسلامی	۱۳-۱۴	۷
	۱۲	و امثالهم جلاله مشعل در آرومیه	رضا ن	۱۳-۱۵	۱۲	درباره اعدام بها ئی مخفیانه اعضای	درباره اعدام بها ئی مخفیانه اعضای	۱۳-۱۴	۷
	۱۳	شهادت دونفر جنابان سعد الله	رضا ن	۱۳-۱۵	۱۳	قسمتنامه ای از مرقومه هیئت مشاورین	قسمتنامه ای از مرقومه هیئت مشاورین	۱۳-۱۴	۷
	۱۴	با با زاده و نصر الله امین	رضا ن	۱۳-۱۵	۱۴	قاره ای در آسمان	قاره ای در آسمان	۱۳-۱۴	۷
	۱۵	تضییقات و مشکلات مالی یاران	رضا ن	۱۳-۱۵	۱۵	اطلاعات واصله از جامعه بها ئیها	اطلاعات واصله از جامعه بها ئیها	۱۳-۱۴	۷
	۱۶	و شهادت جنابان حبیب الله ثنی	رضا ن	۱۳-۱۵	۱۶	خطاب به مقامات جمهوری اسلامی	خطاب به مقامات جمهوری اسلامی	۱۳-۱۴	۷
	۱۷	اوچی، سپهر ارفع، و منوچهر وفا	رضا ن	۱۳-۱۵	۱۷	درباره اعدام بها ئی مخفیانه اعضای	درباره اعدام بها ئی مخفیانه اعضای	۱۳-۱۴	۷
نگارخانه و نگارهای بیت الدول اعظم و دارالانشاء معهدا علی	۱	شهادت جناب دکتر ضیاء الله	رضا ن	۱۳-۱۵	۱	خطاب به مقامات جمهوری اسلامی	خطاب به مقامات جمهوری اسلامی	۱۳-۱۴	۷
	۲	احزای در شیراز (ترجمه)	رضا ن	۱۳-۱۵	۲	درباره اعدام بها ئی مخفیانه اعضای	درباره اعدام بها ئی مخفیانه اعضای	۱۳-۱۴	۷
	۳	صعود جناب ایموس گینسن	رضا ن	۱۳-۱۵	۳	قسمتنامه ای از مرقومه هیئت مشاورین	قسمتنامه ای از مرقومه هیئت مشاورین	۱۳-۱۴	۷
	۴	عضو محترم بیت العدل اعظم	رضا ن	۱۳-۱۵	۴	قاره ای در آسمان	قاره ای در آسمان	۱۳-۱۴	۷
	۵	صعود بادی عزیز امیر الله جناب	رضا ن	۱۳-۱۵	۵	اطلاعات واصله از جامعه بها ئیها	اطلاعات واصله از جامعه بها ئیها	۱۳-۱۴	۷
	۶	یل هینی بر اثر تصادف اتومبیل	رضا ن	۱۳-۱۵	۶	خطاب به مقامات جمهوری اسلامی	خطاب به مقامات جمهوری اسلامی	۱۳-۱۴	۷
	۷	دستور دعا در ضیافت شهرالکمال	رضا ن	۱۳-۱۵	۷	درباره اعدام بها ئی مخفیانه اعضای	درباره اعدام بها ئی مخفیانه اعضای	۱۳-۱۴	۷
	۸	۴۰۰ در سراسر جهان (ترجمه)	رضا ن	۱۳-۱۵	۸	قسمتنامه ای از مرقومه هیئت مشاورین	قسمتنامه ای از مرقومه هیئت مشاورین	۱۳-۱۴	۷
	۹	اعدام جنابان بدالله محمودیان	رضا ن	۱۳-۱۵	۹	قاره ای در آسمان	قاره ای در آسمان	۱۳-۱۴	۷
	۱۰	رحمت الله و قاضی اصل و ترجمه	رضا ن	۱۳-۱۵	۱۰	اطلاعات واصله از جامعه بها ئیها	اطلاعات واصله از جامعه بها ئیها	۱۳-۱۴	۷
	۱۱	دارالانشاء حضرت الله وحدت	رضا ن	۱۳-۱۵	۱۱	خطاب به مقامات جمهوری اسلامی	خطاب به مقامات جمهوری اسلامی	۱۳-۱۴	۷
	۱۲	جلال حکیمان (ترجمه)	رضا ن	۱۳-۱۵	۱۲	درباره اعدام بها ئی مخفیانه اعضای	درباره اعدام بها ئی مخفیانه اعضای	۱۳-۱۴	۷
	۱۳	خطاب به قاطبه یاران بها ئی	رضا ن	۱۳-۱۵	۱۳	قسمتنامه ای از مرقومه هیئت مشاورین	قسمتنامه ای از مرقومه هیئت مشاورین	۱۳-۱۴	۷
	۱۴	در سراسر عالم (ترجمه)	رضا ن	۱۳-۱۵	۱۴	قاره ای در آسمان	قاره ای در آسمان	۱۳-۱۴	۷
	۱۵	بدارآوبختن شش نفر در سوم	رضا ن	۱۳-۱۵	۱۵	اطلاعات واصله از جامعه بها ئیها	اطلاعات واصله از جامعه بها ئیها	۱۳-۱۴	۷
	۱۶	چون در شیراز (ترجمه)	رضا ن	۱۳-۱۵	۱۶	خطاب به مقامات جمهوری اسلامی	خطاب به مقامات جمهوری اسلامی	۱۳-۱۴	۷
	۱۷	چون در شیراز (ترجمه)	رضا ن	۱۳-۱۵	۱۷	درباره اعدام بها ئی مخفیانه اعضای	درباره اعدام بها ئی مخفیانه اعضای	۱۳-۱۴	۷

انواع مقالات و مطالب اعم از تحقیقی - تشریحی - شرح احوال و ترجمه و نظائر آن

موضوع	ردیف	عنوان و شرح	ناخذ تاریخ	جلد	شماره	موضوع	ردیف	عنوان و شرح	ناخذ تاریخ	جلد	شماره
انواع مقالات و مطالب اعم از تحقیقی - تشریحی - شرح احوال و ترجمه و نظائر آن	۱	وجوب نشر نفعات با اهمیت امر	۸۰۲۳	۱	۴۲	قطره ای از دریای گوهرزای دوره ولایت	۴۲	دکتر افغان	۴۲-۱۲۳۳		
	۲	تبلیغ شطری از بیانات مبارکه حضرت ابی امر	۲۹۰۳۵	۲	۴۳	سبب مکرم شیراز و زیارت لوح مبارک	۴۳	جناب خادم	۴۳-۱۲		
	۳	ولی امر الله درباره تزیینات جناب فروتن	۳۳۰۳۶	۳	۴۵	خاطرات ایام تشریف آیدای عزیز	۴۵	امیر الله جناب فروتن	۴۵-۵۷		
	۴	ورقه مبارکه علیا حضرت بهائیه دکتر محمد خانم	۳۳۰۳۶	۳	۴۶	امیر الله جناب فروتن	۴۶	امیر الله جناب فروتن	۴۶-۵۷		
	۵	نکاتی جالب درباره حضرت ورقه افغان مبارکه علیا	۳۶	۳	۴۶	شرح حال و خدمات ابیادی عزیز	۴۶	امیر الله جناب شعاع الله علایی	۴۶-۷۴		
	۶	سفر بزم حضرت مولی الوری	۵۳۰۶۹	۳	۴۶	امیر الله جناب شعاع الله علایی	۴۶	دکتر مشرف زاده	۴۶-۷۴		
	۷	ارواح فدا نه کشورگشایان	۵۳۰۶۹	۳	۴۶	امیر الله جناب شعاع الله علایی	۴۶	دکتر مشرف زاده	۴۶-۷۴		
	۸	حضرت عبداللہاء در مونترال	۷۷-۷۱	۳	۴۶	امیر الله جناب شعاع الله علایی	۴۶	دکتر مشرف زاده	۴۶-۷۴		
	۹	از یادداشت های امه الله می	۷۷-۷۱	۳	۴۶	امیر الله جناب شعاع الله علایی	۴۶	دکتر مشرف زاده	۴۶-۷۴		
	۱۰	درباره فداکاری های احیای ایران و اشاره آ تا را الهیه	۲۲-۴۵	۴	۴۶	امیر الله جناب شعاع الله علایی	۴۶	دکتر مشرف زاده	۴۶-۷۴		
	۱۱	پیام به مادران و پدران بهائیان	۲۲-۴۵	۴	۴۶	امیر الله جناب شعاع الله علایی	۴۶	دکتر مشرف زاده	۴۶-۷۴		
	۱۲	مقدمه خارج از ایران	۲۲-۴۵	۴	۴۶	امیر الله جناب شعاع الله علایی	۴۶	دکتر مشرف زاده	۴۶-۷۴		
	۱۳	توضیح درباره مقاله مربوط به	۲۲-۴۵	۴	۴۶	امیر الله جناب شعاع الله علایی	۴۶	دکتر مشرف زاده	۴۶-۷۴		
	۱۴	حیات حضرت ورقه مبارکه علیا	۲۲-۴۵	۴	۴۶	امیر الله جناب شعاع الله علایی	۴۶	دکتر مشرف زاده	۴۶-۷۴		
تاریخ زینت شهادت و شرح احوال شهداء و جانبازان امر	۱۵	شرح حال جناب گلن منجل	۲۵	۴	۴۶	امیر الله جناب شعاع الله علایی	۴۶	دکتر مشرف زاده	۴۶-۷۴		
	۱۶	شرح حال و حیات متصاعد الله	۲۵	۴	۴۶	امیر الله جناب شعاع الله علایی	۴۶	دکتر مشرف زاده	۴۶-۷۴		
	۱۷	جناب ایمنوس گیبین	۲۵	۴	۴۶	امیر الله جناب شعاع الله علایی	۴۶	دکتر مشرف زاده	۴۶-۷۴		
	۱۸	شرح حال و خدمات جناب جلال	۲۵	۴	۴۶	امیر الله جناب شعاع الله علایی	۴۶	دکتر مشرف زاده	۴۶-۷۴		
	۱۹	نخجوانی علیه ساء الله	۴۵-۴۷	۴	۴۶	امیر الله جناب شعاع الله علایی	۴۶	دکتر مشرف زاده	۴۶-۷۴		
	۲۰	بیاسخی بر اغلاط و اشتباهات ... حقیقت بیژوه	۴۱-۴۷	۵	۴۶	امیر الله جناب شعاع الله علایی	۴۶	دکتر مشرف زاده	۴۶-۷۴		
	۲۱	شرح حال و حیات حضرت ابیادی	۴۱-۴۷	۵	۴۶	امیر الله جناب شعاع الله علایی	۴۶	دکتر مشرف زاده	۴۶-۷۴		
	۲۲	امیر الله جناب بل هینی	۷۵-۷۲	۵	۴۶	امیر الله جناب شعاع الله علایی	۴۶	دکتر مشرف زاده	۴۶-۷۴		
	۲۳	استقرار معبد اعلی در مقر دائمی ۱- خ	۷۵-۷۲	۵	۴۶	امیر الله جناب شعاع الله علایی	۴۶	دکتر مشرف زاده	۴۶-۷۴		
	۲۴	مقدمه تاریخی نزول لوح	۲۳-۲۵	۶	۴۶	امیر الله جناب شعاع الله علایی	۴۶	دکتر مشرف زاده	۴۶-۷۴		
	۲۵	مبارک احمد	۲۳-۲۵	۶	۴۶	امیر الله جناب شعاع الله علایی	۴۶	دکتر مشرف زاده	۴۶-۷۴		
	۲۶	داستانی از قبل از اشراق شمس ابیادی	۲۳-۲۵	۶	۴۶	امیر الله جناب شعاع الله علایی	۴۶	دکتر مشرف زاده	۴۶-۷۴		
	۲۷	حقیقت از افق سخن عکا	۲۳-۲۵	۶	۴۶	امیر الله جناب شعاع الله علایی	۴۶	دکتر مشرف زاده	۴۶-۷۴		
	۲۸	حکایتی درباره سطوت و نفوذ	۲۳-۲۵	۶	۴۶	امیر الله جناب شعاع الله علایی	۴۶	دکتر مشرف زاده	۴۶-۷۴		
اشعار	۲۹	بیان حضرت مولی الوری	۶۱	۶	۴۶	امیر الله جناب شعاع الله علایی	۴۶	دکتر مشرف زاده	۴۶-۷۴		
	۳۰	ارتباط شرق و غرب	۶۱	۶	۴۶	امیر الله جناب شعاع الله علایی	۴۶	دکتر مشرف زاده	۴۶-۷۴		
	۳۱	معرفی یک هنرمند اخلاط محله	۶۱	۶	۴۶	امیر الله جناب شعاع الله علایی	۴۶	دکتر مشرف زاده	۴۶-۷۴		
	۳۲	زیارت - زیارتنا مه محمدا لقدم	۶۱	۶	۴۶	امیر الله جناب شعاع الله علایی	۴۶	دکتر مشرف زاده	۴۶-۷۴		
	۳۳	خاطراتی از جناب دکتر وحیدری	۶۱	۶	۴۶	امیر الله جناب شعاع الله علایی	۴۶	دکتر مشرف زاده	۴۶-۷۴		
	۳۴	حقوق زن	۶۱	۶	۴۶	امیر الله جناب شعاع الله علایی	۴۶	دکتر مشرف زاده	۴۶-۷۴		
	۳۵	بشارت کتب مقدسه	۶۱	۶	۴۶	امیر الله جناب شعاع الله علایی	۴۶	دکتر مشرف زاده	۴۶-۷۴		
	۳۶	نظری بخوادت مولمه اخیره در	۶۱	۶	۴۶	امیر الله جناب شعاع الله علایی	۴۶	دکتر مشرف زاده	۴۶-۷۴		
	۳۷	مدینه طیبه شیراز	۶۱	۶	۴۶	امیر الله جناب شعاع الله علایی	۴۶	دکتر مشرف زاده	۴۶-۷۴		
	۳۸	جناب خسرویمان	۶۱	۶	۴۶	امیر الله جناب شعاع الله علایی	۴۶	دکتر مشرف زاده	۴۶-۷۴		
	۳۹	مستخرجاتی از نطق جناب علی	۶۱	۶	۴۶	امیر الله جناب شعاع الله علایی	۴۶	دکتر مشرف زاده	۴۶-۷۴		
	۴۰	نخجوانی در مجمع باران ارض اقدس	۶۱	۶	۴۶	امیر الله جناب شعاع الله علایی	۴۶	دکتر مشرف زاده	۴۶-۷۴		
	۴۱	معرفی ما خدمت ما در ساله مدینه و حیدر افعی	۶۱	۶	۴۶	امیر الله جناب شعاع الله علایی	۴۶	دکتر مشرف زاده	۴۶-۷۴		
	۴۲	راهنمای مریبان	۶۱	۶	۴۶	امیر الله جناب شعاع الله علایی	۴۶	دکتر مشرف زاده	۴۶-۷۴		
	۴۳	شرح حال و خدمات جناب دکتر	۶۱	۶	۴۶	امیر الله جناب شعاع الله علایی	۴۶	دکتر مشرف زاده	۴۶-۷۴		
اشعار	۴۴	امین الله مصباح	۶۵	۹	۴۶	امیر الله جناب شعاع الله علایی	۴۶	دکتر مشرف زاده	۴۶-۷۴		
	۴۵	قسمتی از خاطرات جناب	۶۵	۹	۴۶	امیر الله جناب شعاع الله علایی	۴۶	دکتر مشرف زاده	۴۶-۷۴		
	۴۶	رحمت الله خادم	۶۵	۹	۴۶	امیر الله جناب شعاع الله علایی	۴۶	دکتر مشرف زاده	۴۶-۷۴		
	۴۷	عقیده ما درباره اسلام و قرآن مجید	۳۱-۳۳	۱۰	۴۶	امیر الله جناب شعاع الله علایی	۴۶	دکتر مشرف زاده	۴۶-۷۴		
	۴۸	یکی از دلایل اثبات مظاهر مقدسه	۳۱-۳۳	۱۰	۴۶	امیر الله جناب شعاع الله علایی	۴۶	دکتر مشرف زاده	۴۶-۷۴		
	۴۹	مشرق الاذکار عشق آباد	۳۱-۳۳	۱۰	۴۶	امیر الله جناب شعاع الله علایی	۴۶	دکتر مشرف زاده	۴۶-۷۴		
	۵۰	درباره خاطرات جناب خادم	۳۱-۳۳	۱۰	۴۶	امیر الله جناب شعاع الله علایی	۴۶	دکتر مشرف زاده	۴۶-۷۴		
	۵۱	داستانی خواندنی	۳۱-۳۳	۱۰	۴۶	امیر الله جناب شعاع الله علایی	۴۶	دکتر مشرف زاده	۴۶-۷۴		
	۵۲	سخنرانی جناب هوشمند فتح اعظم ترجمه و	۳۱-۳۳	۱۰	۴۶	امیر الله جناب شعاع الله علایی	۴۶	دکتر مشرف زاده	۴۶-۷۴		
	۵۳	در اجتماع بهائیان در کانا دا	۳۱-۳۳	۱۰	۴۶	امیر الله جناب شعاع الله علایی	۴۶	دکتر مشرف زاده	۴۶-۷۴		
	۵۴	نعم "شاعر زمان"	۳۱-۳۳	۱۰	۴۶	امیر الله جناب شعاع الله علایی	۴۶	دکتر مشرف زاده	۴۶-۷۴		
	۵۵	کتاب سبز	۳۱-۳۳	۱۰	۴۶	امیر الله جناب شعاع الله علایی	۴۶	دکتر مشرف زاده	۴۶-۷۴		
	۵۶	بقیه خاطرات جناب رحمت الله خادم	۳۱-۳۳	۱۰	۴۶	امیر الله جناب شعاع الله علایی	۴۶	دکتر مشرف زاده	۴۶-۷۴		
	۵۷	شرح حال جناب نعم سبحانی	۳۱-۳۳	۱۰	۴۶	امیر الله جناب شعاع الله علایی	۴۶	دکتر مشرف زاده	۴۶-۷۴		
	۵۸	شرح مختصری از حیات مقدس	۳۱-۳۳	۱۰	۴۶	امیر الله جناب شعاع الله علایی	۴۶	دکتر مشرف زاده	۴۶-۷۴		
	۵۹	حضرت ولی محبوب امر الله	۳۱-۳۳	۱۰	۴۶	امیر الله جناب شعاع الله علایی	۴۶	دکتر مشرف زاده	۴۶-۷۴		





# نگاهی به آمازون

اخیراً "گروه طرح آمازون" که تحت اشراف محفل مقدس روحانی ملی بهائیان برزیل بخدمت قائم است نامه‌ای بتاریخ ۲۷ دسامبر ۱۹۸۴ به محفل مقدس روحانی ملی بهائیان کانادا رسیده است که آن محفل از نظر اهمیت که طرح بالاخصاً برای جامعه احبای ایرانی در دنیا دارد عین نامه را برای استفاده در اختیار مجله عندهایب قرار داده اند و ما بسهم خود ترجمه قسمتهای مهم و جالب آن را با اختصار با ستحضاریا ران راستان حضرت رحمن درسراسر جهان میرسانیم:

## هیئت تحریر عندهایب

\*\*\*\*\*

تقریباً ده سال قبل بود که ایادی عزیز امرالله حضرت امثال بهاء روحیه خانم با فیلم مشهور خود Green Light Expedition انظار جهانیان را به یک منطقه مهم در جهان برای فتح روحانی متوجه ساختند. از آن پس مهاجرینی از اقوام و نژادهای مختلف از جمله ایرانیانی چند باین منطقه وارد شدند و بخدمات مهاجرتی قیام کردند. لازم بتذکار میداند که این مهاجرین عزیز با دنیائی از ترس و وحشت و دلهره و شک و تردید از اینکه آیا خواهند توانست با خصوصیات ویژه‌ای که این منطقه دارد، بصورت یک مهاجر تمام عیار باین خدمت توفیق یافته و با صبر و سکون و پایداری در محل مهاجرتی خود باقی بمانند، باین مهم اقدام کردند و بزرودی دریا فتند تا ثبیدات الهیه چه میکنند و چگونه در جمیع مواقع پشتیبان و حارس آنها است. یک نمونه قابل توجه زن شوهر مهاجر ایرانی است که اخیراً یک دوره مسافرت تبلیغی هفت ساله را بپایان رسانیده اند. در این مدت از تمامی آبادیهای اصلی منشعب از رود عظیم آمازون بایک قایق موتوری ۳۸- پائی دیدن کرده اند. باید دانست که این دونفس جلیل که از یکی از شهرستانهای ایران باین منطقه آمده اند قبل از ورود بحدت در آبی که بالاتر از انوی آنها عمق داشته داخل شده یا در قایقی جز آنچه در پارکهای تفریحی وجود دارد، سوار شده بوده اند و حتی یک کلمه پرتقالی نمیدانستند و باین مهاجرت دلیرانه قسمت اعظم از نقاط منفردی را که عددش از ۵۰۰ متجاوز است در منطقه آمازون بر روی امرالهی مفتوح ساختند. در سال جاری محفل روحانی ملی بهائیان برزیل که به توصیه بیت العدل اعظم الهی اعضای جامعه اسم اعظم را به عطف توجه هر چه بیشتر به حیات اجتماعی و اقتصادی نفوس تشویق و ترغیب میفرمایند، مصمم گشته اند یک نقشه طولانی و مداوم برای تبلیغ و تقویت منطقه آمازون طرح و اجرا نمایند.

با توجه به وضع خاصی که احبای ایرانی در شرائط کنونی در جهان دارند و خصوصاً کثیری از آنان در کشورهای کانادا، پاکستان، ترکیه و ایالات متحده آمریکا بسر میبرند و قسمت اعظم آنان هنوز نتوانسته اند در صورت چنین توفیقی قلباً مایل نیستند که اقامت دائم خود را در این ممالک



قرا ردهند ، به این نفوس جلیله توصیه مینمایند که در باره آمازون جدیدتر فکر کنند شاید دیدمد  
تائیدات غیبیه الهیه در این میدان وسیع خدمت گامی بردارند و گوئی زنده و توفیق رفیقشان  
شود .

برای هرگونه اطلاع بیشتر لطفا با این آدرس مکاتبه فرمائید :

NÚCLEO DO PROJECTO AMAZONAS  
CX POSTAL 867 , CEP 69,000  
MANAUS - AM BRAZIL



شرح عکسها :

۱- مرکزبهای دریکی از نقاط آمازون



۲- لیتسیا Leticea از امكنه زیبای  
آمازون



۳- گوشه ای از تمدن جدید همراه با زیبائی  
طبیعی در آمازون



## اخبار و بشارات امریه

امدها لیه، روحیه‌ها نم و همسفر محترمشان سرکار روبولت‌خانم نخجوانی دریا بان سفر طولانی خود در جزایر سیفیک و هندوستان به بوتان Bhutan (کشور مستقلی در شمال هندوستان) تشریف بردند و بعد از شش روز اقامت در آنجا به گورسکیم، مرکز گرفته از آنجا تلگرافی بدین مضمون با رض اقدس مخابره نمودند:

"هفت روز در سیکیم پیشرفت و ترقی قابل ملاحظه‌ای نسبت به سفر قبلی مشاهده شد. اکنون ۴۳ محفل روحانی محلی، اعضاء همگی مؤمنین مخلص ولایت بومی، کنفرانس هیما لائی دریا بخت شهرگانگتاک (Gangtok) منعقد و با وجود مساعدات تعداد شرکت کنندگان به ۹۵ تن نمایندگان ۱۹ محفل از کشور نیپال و از بلاد مختلفه سیکیم و شمال هندوستان بالغ گردید با محفل روحانی ملی سیکیم ملاقات و مشاوره شد. نقشه‌های مشترک برای تبلیغ در ناحیه دارجیلینگ طرح و موقع اجرا گذاشته شده مدرسه‌هایی که در شهرگانگتاک تأسیس شده از هر حیث، ممتاز و برجسته است هفتصد (۷۰۰) نفر دانش آموزان ابتدائی و متوسطه غیر از دو نفر همه غیر بومی هستند و از کارکنان فقط مدیر و چند معلم بومی میباشند و مدرسه شهرتی بسیار عالی دارد و مردم با علاقه و افراطیال خود را با این مدرسه میا و رندوان مرتشان میدهند تا چه حد مدارس بومی در ترویج مرام الهی مؤثر و مهم میباشند. علاوه بر شرکت و سخن رانی در محافل عمومی و ملاقات و مشاوره با محفل روحانی ملی سیکیم در آنجا در جزایر ویه برای مدرسه‌هایی دیگر که سنای آن در زمین شرق الانکارا نیپور (Ranipur) میباشند مدت نمودم ... در مراجعت بدلهلی روز ۱۹ اکتبر با نخست وزیر ایندرا گاندی ملاقات کردم و توانستم عکسهای همه مشایخ انکارا را با ایشان نشان دهم. از اینکه در دهلی نیز معبد بومی بنا میشود و نخست وزیر اظهار تعجب کردند و بهر حال این ملاقات و مساعدت مطبوعاتی که صورت گرفت برای ترویج مرمفید بود اما واقع برجسته‌ای که با بدشرح هم کنفرانسی است که ۱۹ و ۲۰ اکتبر در محل شرق الانکارا هندوستان تشکیل شد و بیش از ۴۰۰ نفر از ۱۴ کشور در آن شرکت داشتند. کنفرانس بعد از ظهر نزدیک غروب با غرس اشجار توسط نمایندگان ملیت‌های مختلف افتتاح و مرا که قلب را بحرکت میا و در شروع شد. تمام جمعیت مردوز و اطفال در نهایت وقار و توجه در حالی که ۱۶۴ معروض بیا دشهدای محسوب ایران در دست داشتند از میان داربست‌های ساختمان وارد تالار معبد شدند و ادعیه مشتاقانه بجنود زبان بیا دبرادران و خواهران ستوده تالوت گردید که نشانه‌ای محسوس از محبت و وداد و الفت و اتحاد بدین پیروان اسم اعظم در اسرعه لم بود و این حالت تمام روز بعد در جریان تشریفات بصندوق با مسرت و خلوص نیت مشاهده میشد. اشیاء نفیسی برای فروش بزمایده گذاشته شد و یکسک حراج آمریکا که همه توانستند در آن شرکت کنند. هر کس بقدر استطاعت خود وجهی تقدیم کرد از ۲۰۰ روپیة تا ۱۰۰۰۰ دلار. بسیاری از احیای محلی هند با شوق فراوان و جوی تقدیم کردند. پیشنهادهای مزایده غالباً با سم شهداء و بایا ثیان معروف و محبوب القلوب اعلام میشد ..."



بانو گاندی

امه البهت روحیه خانم

بانو نخجوانی

### اسفارین المللی جناب عزیزبزدی مشا و روضه را التلیخ بین المللی

مشاور محترم جناب عزیزبزدی که سفری بمدت ده هفته در مالک هندوستان، برما، سنگاپور، تایلند، هونگ کنگ، ماکائو، ژاپن و ایالات متحده انجام دادند در تاریخ ۲۷ اوت تلگرافی بدین مضمون از رنگون به رض اقدس مخابره نمودند: "اخدایاتی که با تنگرم بعد از علی شروع شد منتهی بجهت عظیمه گردیده است. در برما نتیجه ملاقات و مذاکره با مدیرکل اداره مذهبی در وزارت امور داخله این بود که در آتیه نمایندگان برما در انجمن شور روحانی بین المللی بومی و زائرین بومی اجازت سفر با رض اقدس خواهند داشت مشروط بر اینکه سه ماه قبل از آنها دعوت و بلیط هوا بیما و مخارج سفرشان تأمین شده باشد. ویزای دخول در برما برای اقامت موقت از سه ماه تا یک سال سسه بیا ثیان داده خواهد شد مشروط بر اینکه جزئیات وظیفه‌ای که با بدانجام میگردد ذکر گردد. محصلین بومی از اخبار حجت و اندر در انجاها



برما اسم بنویسند، کتب بها ئی برای وزارت کتا بخا نه پذیرفته میشود، عقدا زدوا چها ئی اگر در دفاتر رسمی دولتی انجام گیرد و دفتر دار  
شاهد باشد. رسمت شناخته شده ثبت میگردد. اطفالی که بدروما در شان بها ئی هستند میتوا نند در شان سنا مەدرستون مذهب بها ئی بنویسند."



از چپ براست :  
جناب Aydin Güney شرفا رقا رقا  
و جناب یزدی شرفا رقا رقا رقا رقا رقا رقا رقا  
و خانم دکتر طاهره و جدی حضرت رقا رقا رقا رقا رقا رقا رقا  
و خدیجه نازاجب دیده شوند .

سفر تبلیغی بیروا ز کردند. شرح ابن سفر در نشریه اخبار اری کانا  
چنین آمده است : " در مدت اقامت خود هر شب برای جمعی از  
اهالی بومی مخصوص جوانان را جمع حضرت بهاء الله و تعالی بسم  
بها ئی صحبت کرده فیلم "سفر عشق" را نشان میدادند. یکی از  
شها یک کشیش که تولیک نیز که ما عا ئله شریل سا بقه آشنا ئی داشت  
در بین جمع بود. تمام وقت درجه حرارت ۴۵ درجه زیر صفر بود معینا  
هر روز صبح با اطفال تمام قریه را برای تلاوت مناجات میپیمودند  
خانم ها نا و بلسون حامله است و هر دو خانم اطفال صغیر دارند ولی  
بقول خودشان "وقتی انسان برای تبلیغ حرکت میکند هیچ چیز  
غیر ممکن نیست"

#### لامعه خانم خدا دوست معلم مدرسه تاستان بها ئی در گرینلند

لامعه خانم خدا دوست که از دانمارک عازم گرینلند برای معلمی در  
مدرسه تاستان بها ئی بود در راپورت خود را چه سفرها و پیما  
چنین مینویسد : "از مقایسه سفر خودم با رنج و تعبیه که اچا دم در  
اسکا ر تبلیغی تحمل کردند شرمسارم. پدر بزرگ من درس نهند  
با پیا ده و با سوار اسب در انوه جنگل! زقریه ای بقریه دیگر میرفت  
در حالی که با انوا عمخا طرات موا جه بود مدت سه سال خانوادها غنود  
را بخدا سپرده هیچ خبری از آنها نداشت و به تبلیغ امرار الله مشغول  
بود."

تا مه نخست وزیر جزا شرکوک خطاب به نخست وزیران راجعاً زار  
و اذیت بها ئیان

نخست وزیر جزا شرکوک از جزا اراقیا نویسه در نامه ای که خطاب به

#### سفر تبلیغی دو خانم بها ئی در ناحیه جنوب شرقی سورکینا

بورکینا ( Burkina ) کشوری است مستقل در آفریقای غربی  
که سابقاً ولتای علیا نامداشته و اخیراً یک اسم آفریقای سنان  
دا ده اند. در ماه اوت یک خانم ایرانی نام شیدا سجان و خانمی  
هلندی مهاجرین بها ئی در آفریقا با اتوموبیل رانی در سیان  
خشک و سوزان به سفر تبلیغی مدت یک هفته در ناحیه جنوب شرقی آن  
کشور همت گماشتند یک شب بعد از دوازده ساعت راندن در سیان  
بدون آنکه جا ده ای وجود داشته باشد به قریه کودوگورسیدند. جمعی  
از دوستان همه با چهره های خندان و الله بهی گویان از واردین  
استقبال کردند. کدخدای قریه جا زده ها دکنفرانسی تشکیل شود  
غذا ئی فرا هم نمودند و در روشنائی چراغ نفتی زیر آسمان برستاره  
اهل قریه مجتمع شدند. انواع ترانه مخصوص ترانه های بها ئی و نغمه  
با بها ئی الهی به لهجه خودشان سرودند. کنفرانس مخصوص نسوان  
بود و لازم بود مردان به زنان خود اجازه حضور در کنفرانس بدهند  
قریب سی نفر نسوان و هفتمین تعداد رجال و اطفال حاضر بودند.  
موضوع صحبت نقش زنان در امر بها ئی و تعلیم و تربیت اطفال و  
تأمین بهداشت خانوادها بود ولی بیشتر به غنده و شادی و سرود  
خوانی گذشت. درین ناحیه دبستانی برای اطفال نیست بنا بر این  
تعلیم و هدا ییت نسوان نهایت اهمیت را دارد.

#### سفر تبلیغی دو خانم بها ئی کانا دائی در ناحیه قطبی منجمد شمالی

خانم ها نا و بلسون و خانم شریل فینل با سرب کوچک خود کودی سنا  
هوا یما بقریه بومنان هندی در ناحیه شمال کانا دای برای یک هفته



نخست وزیر ایران نوشته از آزار و اذیت پیروان آئین بهائی در ایران اظهار تأسف نمود که یک اقلیت مظلوم فقط بخاطر عقیده دینی با زجر و شکنجه و حبس و اعدام مواجه هستند پیروان این دینانت از خائنه های خود متواری و اطفا لشان از مدارس اخراج شده اند و با وجود اعتراض مقامات بین المللی این وضع ادامه دارد. در نامه های نکتہ دقیق اشاره شده که معامله های که با بهائیان در ایران شده شهرت دین اسلام را در دنیا لکه دار کرده است و کاملاً اصل ارفاق نسبت به پیروان سایر ادیان که سبای حضرت محمد بوده و در قرآن کریم نیز توصیه شده مغایر است.



دکتر فارابی از ترمینار در صحن ملاقات با برنوماس دبیر کمیته نخت وزیر و دکتر تیارچی وزیر کشور خوار کوک

مرکزی آشنائی نزدیک داشتند در مجلس حاضر بودند. و از بین آنها یک تفکر که از دوستان قدیم بهائیان است بنام مستر نوردینس نطقی موثر در بیان صفات حمیده شاهپور مرکزی ایراد کرده و را یک انسان کامل و یک خادم ممتاز آئین بهائی معرفی کرد. روحانیت محفل تذکروانس والفت دوستان در مجلس تا شیرشید در قلوب مهمانان داشت (ازین قبیل محافل تذکر در حوا مع بهائی عالم بیا د فردی از شهدای ایران و با جمع آن عزیزان منعقد میشود و غالباً شخصی معروف از اهل محل که مرهون و مفتون حب و وفای بهائیان بوده یا شاهد درایا م خوش ایران آشنائی داشته ازین جمع بر میخیزد و در مدح و ثنائی آنان داد سخن میدهد)

دولت بوکینا دینانت بهائی را در ردیف سایر ادیان دینی مستقل

میشناسد.

در کشور آفریقای بورکینا (کشور مستقلی که سابقاً علیانام داشته) برای اولین دفعه دولت از پیروان آئین بهائی دعوت کرده در ردیف بیشوایان ادیان دیگر با وزیر بهداشت جلسه ای داشته باشند اهمیت این دعوت از این جهت است که آئین بهائی از سال ۱۹۶۸ که در بورکینا نفوذ کرده تا بحال هیچوقت اولیای دولت آن را در ردیف سایر ادیان محسوب نداشتند و قسماً دوستان بهائی در را دیوان خبر را شنیدند بسیار تعجب کردند. منشی و امین صندوق محفل روحانی ملی حضور یافتند. وزیر بهداشت از بیشوایان مذهبی

یادی از شهدای ایران مخصوص زربین مقیمی و شاهپور مرکزی در

نروژ شمال اروپا و زلاند جدید جنوب آفریقا نویسه

در مرتبه مورخ ۳۰ اکتبر که از محفل روحانی ملی نروژ با رض اقدس واصل شده چنین نوشته اند: "هر سال در فصل پاییز از طرف یکی از موسسات خیریه نروژ اقدامات و جمع آوری اعانات برای کمک به نجران و ستمدیدگان دنیا میشود اما سال سالان عفوی بین المللی این خدمت را بعهده گرفت مصادها مقارن بهر ضلیم و جور و بخصوص زجر و شکنجه و سلب حقوق بشر طبع و نشر گردید. یک هفته قبل از ۲۸ اکتبر روزی که برای جمع آوری اعانات تعیین شده بود و هشتاد هزار نفوس در پناه خانه ها رفته اند نه میگریختند تلویزیون ملی نروژ شروع به پخش خبر و بحث را جمع موضوع کرد. اولین تصویر که بعنوان مقدمه در تلویزیون نشان داده شد عکس زربین مقیمی بود و شرح داده شد چگونه او را بزدان انداختند و برای آنکه بهائی بود اعدام کردند. در تمام هفته این حکایت و حکایتی نظیر آن در تلویزیون پخش شد.

شب ۲۱ اکتبر محفل تذکری بیا د و شهید اخیر شاهپور مرکزی و امین قربان پور که مخصوص احبای نروژ ایشان را می شناختند در اسلو منزل جناب حجت ایقانی منعقد گردید. سه خانوادۀ نروژی غیر بهائی که وقتی قبل از انقلاب در ایران بودند با جناب شاهپور





## اخبار و اطلاعات گوناگون

### گروه تبلیغی قلب باز

گروه تبلیغی قلب باز مرکب از افرادی از ملیت‌ها و نژادهای مختلف از قبیل: ایرانی، ترک، انگلیسی، آلمانی، چینی، وومیان برای تبلیغ مرونشرفات اله در ایالت آلبرتا تشکیل گردید و کوچکترین فرد این گروه چهار سال دارد. افراد این تیم بیک مسافرت تبلیغی با لاکس تبلیغ در مراکز سکونت بومیان اقدام و در مدت قلیلی موفق به تبلیغ ۴۳ نفر از بومیان و سایر نفوس گردیده‌اند. این موفقیت شایان که نصیب این گروه جانفشان گردیده طلایه تبلیغ دسته جمعی بوده و نشان میدهد که در کانادا استعداد برای دریافت پیام نجات بخش حضرت بهاء الله حل ذکره الاعلی موجود است! امیدواریم گروه فوق و گروههای دیگر در سراسر کانادا با اقداماتی مشابه در تداوم این طریق تعهدی را آن سامان را که تا آخر نقشه هفت ساله از دنیا ۹۹۹۹ نفر میباشند، مه عمل پیوشانند.



### گروه تبلیغی قلب باز

#### یک خبر از سوئیس

سه دوره دروس بزبان فارسی برای احبای عزیز ایرانی در مدرسه لاندگپیش بینی گردیده که بشرح ذیل میباشد:

دوره اول	از تاریخ ۲۰ مارچ تا ۲۷ مارچ ۱۹۸۵
دوره دوم	از تاریخ ۲۲ جولای تا ۲۸ جولای ۱۹۸۵
دوره سوم	از تاریخ ۱۶ اکتبر تا دوم نوامبر ۱۹۸۵

مربیان دروس سرکار خانم دکتر مهری را سخ و جنابان دکتر شاپور را سخ و ابوالقاسم افغان خواهند بود. ضمناً مرقومه ذیل در مورد دوره فارسی سال قبل از دارا انشاء بیت العدل اعظم صادر



گردیده است :

۱۵ شهر العظمه ۱۴۱ مطابق ۳۱ مه ۱۹۸۴

شرکت کنندگان محترم دوره فائز رسی مدرسه  
بهائی لاندگ علیهم بهاء الله

محبت نامه آن یاران روحانی بتاریخ  
۱۹۸۴/۴/۲۷ به لحاظ عنایت معهدا علی فائز  
گردید .

مقرر نمودند ز صفا و وفای آن دوستان معنوی  
تشکر و قدردانی شود .

الحمد لله دوره مدرسه در نهایت موفقیت  
بسر رسیده و موجبات سرور و امتنان  
شرکت کنندگان را فراهم آورده است بدینوسیله

مرا تبت عنایت معهدا علی به نفوس مبارکهای  
که مسئول تنظیم و تدارک دروس در موسسه  
لاندگ بوده و هستند ابلاغ میگردد و امیدوار  
چنانست که موسسه بهائی لاندگ وسیله اجتماع  
یاران اروپا و مرکز استفا ده از محضرات تید  
گرامی گشته و مصدر خبر با شد و سبب شود که احباء  
عزیزا رویا در میادین مختلفه با دانا ئی  
و توانائی بیشتری وارد خدمت گردند و  
بتبلیغ کلمه الله و بسط دائره امر الله  
پردازند . انشاء الله اهمیت موسسه مبارک  
روز بروز واضح تر و برکات روحانیهاش شامل  
گردد . با تقدیم تحیات از طرف دار لاندگ

بیت العدل اعظم .  
(مخبر آقایان حسن علائی و عبا دقیا ن)

پخش یک بر نامه پربیننده از تلویزیون آلمان  
غربی درباره مربها ئی

عصر روز یکشنبه ۴ نوامبر ۱۹۸۴ ساعت ۶/۱۰ قیقه  
بعدا از ظهر بر نامه دوم تلویزیون آلمان غربی  
بر نامه کوتاهی درباره دیانت بها ئی پخش  
کرد .

در این بر نامه ابتدا مناظری از داخل و  
خارج بنای زمین مشرق الاذکار آلمان و شمایل  
حضرت عبدالبهاء و پشت جلد بعضی از کتب  
امری پخش شد سپس گویند این نکته را متذکر

شد که در مشرق الاذکار بها ئیان آثار مقدسه  
کلیه ادیان تلاوت میشود و محلی است که  
مخصوص دعا و مناجات ساخته شده و درهای آن  
بروی عموم مردم باز است .

مجری بر نامه سپس با دو نفر از اعضای محفل  
روحانی ملی بها ئیان آلمان غربی در کنار  
بنای مشرق الاذکار مصاحبه کوتاهی انجام  
داد آنان مطالبی درباره اصول و تعالیم  
بها ئی و وضع مناسب جا معه بها ئی ایران  
و تضییقات موجوده جهت بها ئیان در آن  
اقلیم بیان کردند . پخش این بر نامه از  
تلویزیون سراسر آلمان در یکی از پیر  
بیننده ترین ساعات در روز تعطیل یکشنبه  
در معرفی و شناساندن امر مبارک در ابلاغ  
کلمه الله به اهالی آلمان غربی و کشورهای  
آلمانی زبان هم جوارا ز حمله سویس - آلمان  
شرقی و تریش تا شیرفرا وانی دارد .

(مخبر . صا دقیا ن)

### بقیه از صفحه ۳۰

که این خفاشان نابینا چاره ای جز اقرار  
بمعاصی خویش و اعتراف به عظمت و هیمنه این  
امر نخواهند داشت .

این بلانیست عنایت است جفا نیست وفا  
زخم نیست مرهم است . بگذار تا خراب کنند  
ویران کنند ، بسوزانند ، ببرند و ... و ...

انتهی

ما در منا چنین مرقوم داشته اند :  
آن روزیکه من رفته بود و بیت را دیده بود که  
خراب شده آمد منزل و گفت ما در احازه میدهی  
من با کفشهایم وارد خانه شوم آخر کفش من  
متبرک است . من روی خرابی های بیت  
مبارک راه رفته ام و اشک میریخت ، بعد کفت  
ما مان من دلم میخواهد یک چیزی بنویسم و  
بدون اینکه لباسش را عوض کن دنیا کفش هایش  
پشت میز تحریرش نشست و دیدنی هایش و  
دردهایش را بروی کاغذ آورد و این یادگار  
آن روز است ۰۰۰۰ ۶۲/۱۱/۸

## اعلانات

یکی از احبای آمریکائی در صد تهیه کتابی در مورد شرح حیات حضرت ورقه علیا میباشد و در این مورد احتیاج به همکاری افرادی دارد که حتی برای یکبار به حضور ایشان مشرف شده باشند. اگر شما از کسانی هستید که خود به حضور ایشان مشرف شده یا دو یا افرادی را میشناسید که این افتخار نصیبشان شده است لطفاً با درس ذیل مکاتبه و در جمع آوری مطالب با این نویسنده جوان همکاری فرمائید.

Diane Taherzadeh  
2620 International DR. 913 A  
Ypsilanti, Michigan 48197, U.S.A.

(بلائی عنایتی) مجموعه ای از اشعار در باره مصائب بهائیان ایران تالیف و تنظیم دکتر طاهره خدا دوست فروغی بدوزبان انگلیسی و فارسی در ایالات متحده آمریکا موجود است برای اطلاع بیشتر با درس زیر مراجعه فرمائید  
T. Foroughi  
1575 Ebbetts Drive  
Reno, Nevada. 8903, U.S.A.

بطوریکه از موسسه مطبوعاتی بهائی هندوستان اطلاع میدهند لوح مبارک سلطان ایران اخیراً در آن کشور به چاپ رسیده و برای استفاده یاران در دسترس میباشد اعرای بگذاری و لغت نامه و تنظیم از دانشمند فقید جناب عزیز الله سلیمانی اردکانی میباشد. بعلاوه چند مجلد از جزوات پرارزش مائده آسمانی را نیز بحلیه چاپ در آن کشور آراسته اند. طالبین میتوانند برای خرید آثار فوق به آدرس ذیل مراجعه فرمایند.

Baha'i Publishing Trust  
6 Canning Rd. P.O. BOX 19  
New Delhi 110001, India

بدینسید از خدمات صدقانه شیره میمنت عبهر  
هشین نویس مجده غلیب صمیمت با سگدر است  
بیت تحریر

## مربوط به مقاله مندرج در شماره قبل

ایادی عزیزا مرا الله جناب ذکر الله خادم در خصوص مقاله بیت مکرم شیرا زوزیا رت لوح مبارک قرن "مندرج در شماره ۱۲ چند قطعه عکس و غلطنامه ای ارسال فرموده اند که عکسها و اهم اغلاط مزبور ذیلا درج میشود. از توجه جناب ایشان نهایت تشکروا متنان را داریم. هیئت تحریریه

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۴۳	۲۰	مقبته	مثبته
"	۲۳	مهیاسازد	مهیاساز
"	۲۷	یادداشت شده	تلاوت شد
"	۳۲	بیان ...	بیان ملیح
۴۴	۱۱	عزبقاء	عزبقائه
۴۵	۳۲	همعنان با آن دماء =	
همعنان با آن علیه عظمی دشمنان پرکین به			
نهب اموال و انفس و هدم و ضرب و اسرو غارت			
و سفک دماء			
۴۶	۱	جانبا زی	جانبا زی
"	۳	مرزوقندی	مرزوقند
"	۱۳	منادی صلح	منادی صلح و صلاح
۴۷	۲۶	عشق	عشقش
"	۳۷	حال ملاحظه	ملاحظه
۴۸	۱۰	تسلیم	وتسلیم
"	۳۰	استعلام	استلام
۴۹	۴	ان سید	اون سید
"	۳۳	بممد	بممد
"	۳۴	ای صبا ی	ای صبا ی
۵۰	۳۶	نقل شود	نقل نشود
"		سطر آخر اجره	حجره
۵۱		" اول التحایات	التحیات
۵۲	۱۰	وجانیا ن	وجهانیا ن
۵۳	۹	هله هله	هله هله





عکس تاریخی اہتمام منائندگان در جشن قرن در شیراز



حجرہ مبارک حضرت رب اعلی



نماز در ایوان حظیرۃ القدس شیراز با حضور منائندگان طهران و عده ای دیگر اراجبا



# ‘ANDALÍB

